



# تعاونیها: الگوهای برای توسعه پایدار

گزیده‌ای از تحقیقات رابی تولوس در زمینه توسعه بین الملل برای دانشگاه تورنتو، کانادا

ترجمه: مرجانه سلطانی

منابع مختلف برای ایجاد تعاونیهای جدید، بخصوص در کشورهای رو به توسعه، سرازیر شد. این جریان رویکرد از بالا به پایین غالباً با شکست مواجه می‌شد و مفهوم و نقش واقعی تعاونیها را در اقتصاد بسیاری کشورها در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد.

گاهی یکی از ویژگیهای اجتماعی یا اقتصادی یک تعاونی به تناسب بافتی که در آن فعالیت می‌نماید بر دیگری می‌چربد. اما اهداف اجتماعی و اقتصادی تعاون، حداقل از دیدگاه آرمانی آن نباید با هم ناسازگار. بلکه باید مکمل یکدیگر باشند. اما تعاونیها در میدان عمل اغلب یک هدف را بر سایر

جلوه‌ای راستین از اهداف اقتصادی و آرمانهای اجتماعی بر تعاونیها می‌داند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که: تعاونیها در مقام عمل تا چه حد این استعداد را به فعل رسانده‌اند؟

طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بسیاری از دولتها، سازمانهای غیر دولتی و حتی نمایندگی‌های سازمان ملل، تعاونیها را به عنوان راه حلی برای انواع معضلات اجتماعی و اقتصادی تلقی کرده‌اند. تجار، سیاستمداران، کارکنان بخش غیر دولتی و سایر دست‌اندرکاران امور توسعه محور توجه خود رانه بسوی اعضا بلکه صرفاً بطرف تعاونیها معطوف نمودند. سیل

تعاونیها با برخورداری از استعداد نهفته‌ای که در ماهیت و ساختار اجتماعی و اقتصادی خود دارند و با پشتوانه تعریفی که «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» (unidp) از «توسعه پایدار نیروی انسانی» ارثه نموده است، می‌توانند به نمونه‌هایی از توسعه پایدار نیروی انسانی مبدل گردند. تعریف مذکور متضمن این بار معنایی است که تنها در صورت حفظ توازن و مداومت در اهداف اقتصادی و اجتماعی است که توسعه پایدار نیروی انسانی محقق می‌گردد.

اصول اساسی تعاون به عنوان ترسیم کر طرح کلی برای تعاونیها، این نهادها را

## جهانی سازی از طریق معاملات آزاد تجاری جدید و حاشیه‌ای شدن نقش دولت در اقتصاد «تمثیلی است که در واقع قدرت جوامع را هر چه بیشتر کاهش می‌دهد». نقش دولت نیز حائز اهمیت است. قانون تعاون در چهارچوب حاکمیت دولت می‌بایست بروشنی مشخص کننده توسعه در راستای اصول تعاون باشد،

جدول شماره ۱ برداشت اعضاء از بهره‌های اقتصادی تعاونی

شاخص	میانگین	انحراف از استاندارد	میزان آزادی عمل
اعتبار موجود	۶/۷۱۲	۱/۷۶۹	۸
منابع افزوده درآمد	۶/۴۸۷	۱/۹۷۳	۹
بهبود عملیات تجاری	۶/۴۸۲	۲/۲۲۳	۹
افزایش درآمد	۶/۳۰۲	۱/۷۲۹	۹
دسترسی به منابع ارزانتر اعتبار	۶/۲۹۸	۱/۶۲۸	۹
وابستگی کمتر به دولت	۶/۲۰۴	۱/۷۷۰	۹
پس انداز بیشتر	۶/۱۹۶	۱/۵۶۶	۹
افزایش سرمایه در گردش	۶/۱۳۲	۲/۲۳۴	۹
افزایش توان خودیاری	۶/۰۶۹	۱/۸۴۲	۹
توسعه فعالیتهای تجاری	۶/۰۴۰	۲/۴۴۵	۹
مهارتهای مطلوبتر تجاری	۶/۰۲۸	۲/۳۰۶	۹
امکانات بیشتر باز پرداخت وام	۵/۸۸۹	۲/۰۰۴	۹
دانش سودمندتر تجاری	۵/۸۴۴	۲/۲۵۰	۹
افزایش امکانات افراد برای فرستادن کودکان به مدرسه	۴/۹۰۴	۲/۴۸۲	۹
تضمین خریدار کالاها	۴/۹۰۴	۲/۴۸۲	۹
افزایش امکانات و وسایل	۴/۶۷۷	۲/۳۹۸	۹
مکانات و وسایل	۳/۰۰	۲/۴۰۶	۹

نشانگر موفقیت آنها در جامعه عمل پوشاندن به فرضیه‌ها و به فعل رساندن توان بالقوه آنها به عنوان بازوی توانمند توسعه پایدار انسانی باشد. مطالعه موردی در فیلیپین، تعاونی مردمی چند منظوره سابو

تعاونی مردمی چند منظوره سابو که ابتدا به عنوان «شرکت تعاونی» مردمی یا PCCI شناخته می‌شد، در سال ۱۹۷۲ به عنوان تعاونی اعتبار شروع بکار کرد. خدماتی که در آغاز فعالیت این تعاونی ارائه می‌شد، عبارت بود از پس انداز، وام بیه صورت تنخواه، وام اضطراری، وام عادی، و آموزش، بتدریج، فعالیتهای تعاونی به ارائه خدمات اجتماعی نظیر «شبکه امور کفن و دفن» و «برنامه کمکهای متقابل» گسترش یافت و PCCI در سال ۱۹۹۳ به تعاونی مردمی چند منظوره سابو تغییر نام داد.

امروزه، ۸۰ درصد اعضاء این تعاونی از جمله محرومان شهرنشینی هستند که عمدتاً در مناطق کم درآمد شهر سابو زندگی می‌کنند. هیأت مدیره تعاونی امکان حضور افراد از کلیه اقشار و بخشها را فراهم کرده است، جوان، زن، کسبه و کارگشایان، کارمندان، کشاورزان، فروشندگان دوره گرد و پیشه وران.

گرچه این گروه افراد برای عهده‌گیری شغلی در هئیت مدیره هیچگونه منع قانونی ندارند، اما هنوز بسیاری از آنان کمتر از آنچه باید و شاید از اختیارات لازم برخوردارند - در پایان سال ۱۹۹۵، کل تعداد اعضاء (اعضاء عادی) به ۲۲۳۴ نفر رسید. تعاونی مردمی چند منظوره سابو به دلیل تراکم نسبی اعضاء، آنان را به گروههایی تقسیم کرده است. اکنون بیست شعبه با متغیر اعضاء از ۳۰ تا ۲۰۰ نفر در این تعاونی وجود دارد.

### دیدگاه

تعاونی مورد نظر ما، مردمی،

در اقتصاد «تمثیلی است که در واقع قدرت جوامع را هر چه بیشتر کاهش می‌دهد». نقش دولت نیز حائز اهمیت است. قانون تعاون در چهارچوب حاکمیت دولت می‌بایست بروشنی مشخص کننده توسعه در راستای اصول تعاون باشد، مضافاً برآنکه یک تعاونی مردمی چند منظوره سابو در شهر سابو در فیلیپین و اتحادیه اعتباری مترو در تورنتو می‌توانند بنحوی

اهداف رجحان می‌دهند. به عنوان مثال برای تعاونیهای فیلیپین تحقق یک ساختار نیرومند و خودکفای اقتصادی دشوار و برای تعاونیها و بویژه اتحادیه‌های اعتبار در کانادا نیز پایبندی به اهداف اجتماعی منظور شده برای آنها کاری مشقت بار است.

جهانی سازی از طریق معاملات آزاد تجاری جدید و حاشیه‌ای شدن نقش دولت

خودکفا، دارای ساختار مستحکم، از نظر اقتصادی باثبات، بر محور ارائه خدمات و پاسخگو به نیازهای اعضای و جامعه می‌باشد و به عبارت دیگر وسیله انتقال برنامه‌ها و خدمات در سطح توسعه انسانی، برخورداری از مالکیت و مدیریت تعاونگران فداکار، آگاه، فعال و پیشرو، دارای زیر ساختی محکم و معتقد به آرمانهای تعاون، ارزشهایی چون خود باوری، عدالت، آزادی و دموکراسی است.

### استراتژی:

ارائه خدمت در جهت گسترش توسعه انسانی از طریق اجرای برنامه‌ها و خدمات جایگزین و یا موارد مربوطه. خدمت به عنوان عاملی در جهت ترویج ارزشها و آرمانهای جهانشمول تعاون از ورای آموزش مستمر و عامل شتابنده به تحولات اجتماعی.

### اهداف:

- فراهم آوردن خدمات حمایتی در بین تعاونگران به منظور ایجاد هماهنگی در جهت اجرای طرحهای بالنده و معیشتی
- توسعه برنامه‌های مؤثر در تقویت مهارتها و پرورش توانمندیهای لازم برای اعضا، مدیران و کارکنان
- ترویج اشاعه و راه اندازی طرحهای اجتماعی- اقتصادی- مشارکتی در جامعه
- پردازش به مقوله آموزش پیگیر برای ترویج ارزشهای تعاون، برابری جنسیت و دیگر علائق.

### تعاونی سابو و اصول تعاون

اهداف، رسالتها و دیدگاه تعاونی سابو، نقش این تعاون را در جامعه تصریح میکند. حال آیا تعاونی سابو در حد توان و استعداد خود فعالیت میکند؟ به منظور ارزیابی کارایی خدمات، برنامه‌ها و برداشت اعضا از نحوه عملکرد تعاونی، با ۱۹۸ تن از افراد عضو مصاحبه بعمل آمد. در جدول:

شاخصهای اجتماعی و اقتصادی ارائه شده در پرسشنامه در اختیار اعضاء قرار گرفته است. از پاسخ دهندگان خواسته شد تا برای هر شاخص به نسبتی که عضویت در تعاونی بر منافع حاصله تأثیر گذار است، از مقیاس یک (که پایین‌ترین میزان سود دهی است) تا پایان ده درجه بندی کنند.

### بهره‌های اقتصادی

در زمینه بهره‌های اقتصادی، هفده مقوله در پرسشنامه در اختیار اعضاء قرار گرفت. بالاترین شاخص به اعتبارات موجود مربوط می‌شد که با عدد میانگین ۶/۷ نشان داده شده است. دیگر مقوله‌هایی که امتیاز آنها به هم نزدیک است مواردی چون منابع افزوده درآمد (۶/۵) و عملیات پیشرفته تجاری (۶/۵) را شامل می‌شود. این اعداد حاکی از آن است که تعاونی در تأمین ضروری ترین نیاز اعضاء که همانا دسترسی به اعتبار می‌باشد از بوته امتحان موفق در آمده‌اند. در پایین‌ترین حد این درجه بندی، شاخصهایی با کمترین امتیاز قرار دارند: افزایش امکانات اعضاء برای فرستادن کودکان به مدرسه (۴/۹)؛ افزایش امکانات و وسایل (۳/۹)؛ تضمین خریدار کالاها (۴/۷)؛ و مالکیت زمینهای بیشتر که کمترین امتیاز (۳) را به خود اختصاص می‌دهد. کم بودن این امتیازات موجب تعجب نیست چراکه این مقوله از جمله اولین اولویتهای تعاونی محسوب نمی‌شوند.

پاسخ دهندگان در مقابل این پرسش که دلیل اصلی آنان برای عضویت در تعاونی چیست، به اتفاق بهر مند شدن از وام تعاونی را بیان نمودند. پس تا جائیکه تعاونی توانسته اولین نیاز اعضاء تأمین کند، می‌توان آن را یک موفقیت برای تعاونی به حساب آورد که البته جا برای بهبود این وضعیت نیز وجود دارد.

### مزایای اجتماعی

بالاتر بودن نرخ مزایای اجتماعی در مقایسه با بهره‌های اقتصادی بسیار قابل توجه است. در صدر مقوله‌های رده بندی شده، احساس افتخار به عضو تعاونی بودن و احساس وفاداری به گروه (به ترتیب ۷/۳ و ۷/۲) قرار داشت. هر سه مورد، توانایی فعالیت گروهی، احساس امنیت از شراکت و همراهی با دیگران و احساس تعلق به جمع، امتیاز ۶/۹ را به خود اختصاص دادند. تعاونی در پرورش و رواج مفهوم مالکیت اشتراکی در بین اعضاء خود موفق بود، در واقع این مفهوم با زندگی روزمره اعضاء عجین شد.

اما پاسخ دهندگان برای برخی مقوله‌های مهم امتیاز بالایی قائل نشدند. برای مثال مواردی چون شکوفایی استعداد مدیریت تعاونی و تقویت ویژگیهای مدیر هریک با نمرات ۶/۵ و ۶/۴ در جدول رده بندی شدند.

برهمن منوال، قدرت ابراز عقاید و نظرات در مورد مسائل تعاونی (که در روند مردمی سازی تعاونی حائز اهمیت است)، ترس و نگرانی کمتر از تماس و برخورد با مقامات و کارکنان تعاونی، و پرورش حس خود اتکایی و خودباوری با عدد ۶/۵ قیاس شدند.

در مجموع به نظر می‌رسد که عملکرد تعاونی از نظر منافع اجتماعی بهتر از مزایای اقتصادی آن بوده است.

ظاهراً کارایی تعاونی سابو در زمینه توسعه اجتماعی اعضاء بیش از آنکه با پیشرفت مهارتها و توانائیا در ارتباط باشد، با تقویت و استحکام پیوند اعضاء با سازمان تعاونی مرتبط بوده است.

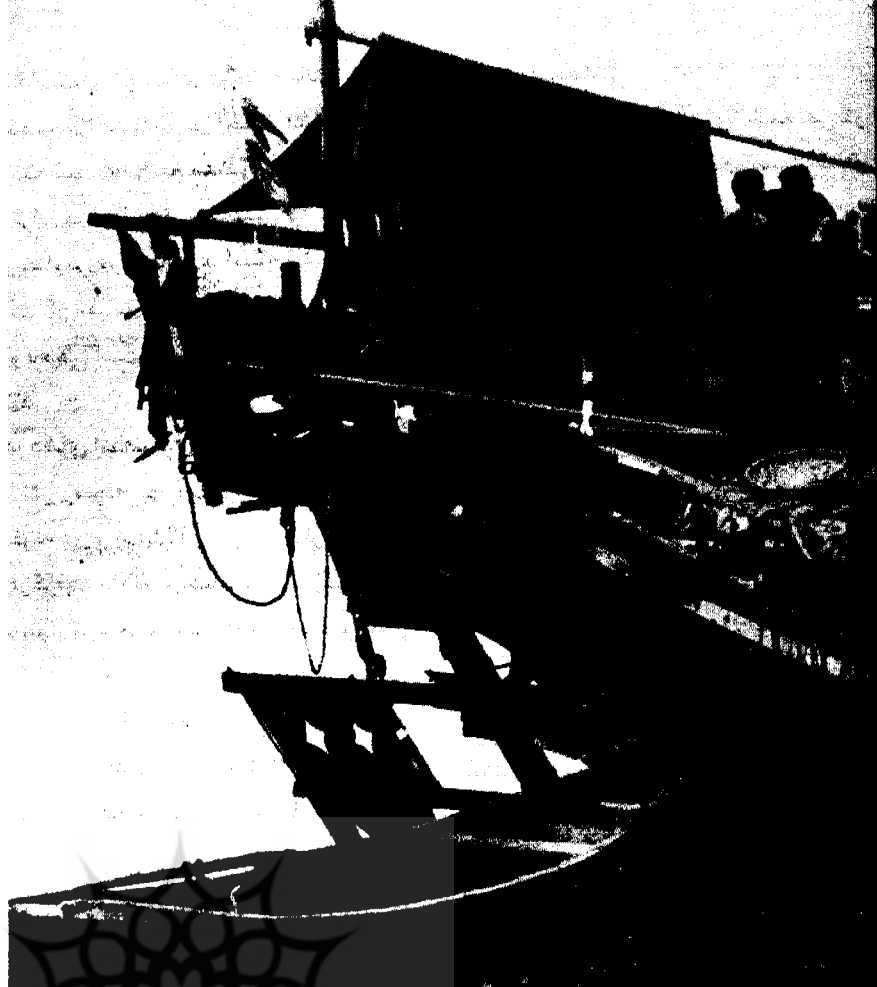
اصطلاحاتی چون افتخار و تعلق، همراه با احساس وفاداری و مالکیت که اعضاء معمولاً برای بیان نظرات خود نسبت به جمع تعاونی از آنها بهره می‌جویند، به همبستگی و اتحاد هر چه بیشتر تشکیلات

کرایشهای استوار اجتماعی و اقتصادی است. تعاونی سابو از نظر اجتماعی استوار است، اما وجه اقتصادی آن پایه چوبین دارد. در نتیجه این تعاونی به عنوان شکل پایدار توسعه انسانی از صد درصد استعداد بالقوه خود بهره نمی‌جوید. عوامل خارجی همچون مداخله دولت و سیاست اقتصادی و همچنین عوامل داخلی بویژه مسائل مربوط به عضویت بر توسعه تعاونی اثر می‌گذارند.

### عوامل خارجی مؤثر بر توسعه تعاونیها در فیلیپین جو سیاسی و اقتصادی حاکم

یکی از مشکلات عمده در روابط بین دولت و تعاونیها در آسیا، نقش مداخله جویانه دولت در نهضت تعاون است. نمونه‌ای از آن را در مورد فیلیپین می‌توان مشاهده نمود که ابتدا دولت و نه اعضای تعاونی، برای عملی ساختن اهداف اقتصادی و اجتماعی بر تاسیس تعاونیها اقدام نمودند. در دهه ۱۹۹۰، نظارت دولت بر اقتصاد برداشته شد بدون آنکه سازمانهای غیر دولتی و تعاونیها را در این روند بحساب آورند. در حالیکه دولت باید به ایجاد محیط مناسبی برای تحقق آزادی عمل و استقلال تعاونیها کمک نماید.

تعاونیها در فیلیپین با قرار گرفتن در پناه دولت، از رقابت مستقیم با تجارت خصوصی و در نتیجه تقویت و بالندگی ساختار اقتصادی خود غریب مانده‌اند. در کانادا، بانکها با تحت فشار قرار دادن اتحادیه‌های اعتباری: آنها را مجبور به تقویت پایه‌های سرمایه خود و طبعاً ورود به صحنه رقابت می‌نمایند. اگر اتحادیه‌های اعتباری کانادا بر شیوه رقابتی خود باقی نمانند، از صحنه بازار محو خواهند شد. در فیلیپین به دلیل عدم وجود چنین انگیزه‌ای، تعاونیها شاید از نظر اجتماعی قدرتمند باشند، اما پایه‌های اقتصادی آنها اغلب سست است.



**اتحادیه اعتباری مترو کانادا حدود دو درصد از درآمدی را که هنوز مالیات آن کسر نشده است به امور خیریه و مردم اختصاص می‌دهد. در پایان سال ۱۹۹۶، هفت سازمان محلی در تورنتو از اتحادیه اعتباری مترو اعانه دریافت نمودند.**

کارگشایی یا زالوهای نزولخوار، ناگزیر از پرداخت بهره‌های سرسام آور و گزاف می‌شدند.

برای این دسته از اعضای، تعاونی سابو چاره‌دردهای لاعلاج اقتصادی آنان بود.

تعاونی سابو از بسیاری طرق دیگر و همانگونه که گسترش خدمات اجتماعی تعاونی گویای آن است، راه حل دومی برای مشکلات شد. انسجام محکم اجتماعی تعاونی سابو به آن امکان می‌داد تا از طریق بخشهای خود، واسطه‌ای برای اعضای و همکاری در طرحهای مختلف تعاونی باشد. توسعه پایدار انسانی مستلزم

کمک میکند. هرچند نباید از این نکته غافل شد که تعاونی برای بهبود مهارتهای مدیریتی اعضای چندان تلاش نکرده است و می‌بایست بیشتر به برنامه‌های آموزشی در جهت تقویت اینگونه مهارتها بپردازد. مطالعه موردی تعاونی سابو نشاندهنده چالشهایی است که تعاونیها در نظام بازار محور با آن روبرو هستند.

اکثر اعضای تعاونی سابو را شهرنشینان فقیری تشکیل می‌دهند که بسیاری از آنان به دلیل نداشتن ضمانت یا وثیقه کافی، از دریافت اعتبار از بانکهای خصوصی محروم بودند و گاه با توسل به بنگاههای

## عوامل داخلی مؤثر بر توسعه تعاونیها در فیلیپین عوامل مرتبط با عضویت، مدیریت و رهبری

درفیلیپین به دلیل برگزاری مستمر سمینارها در مباحث مختلف، برنامه‌های آموزش تعاون معمولاً از تأثیر لازم برخوردار است. اکثر تعاونیها (در مقایسه با تعاونیهای کانادایی) نسبتاً کوچک هستند، در نتیجه مجال برای مشارکت در تعاونیها بسیار است.

به دلیل ساختار نسبتاً کوچک تعاونیها، تعداد مدیران متخصص در آنها کم است و همین عده نیز در رده‌های پایین فعالیت می‌کنند. و از آنجا که اعضاء به طبقات کم درآمد یا متوسط کم درآمد تعلق دارند، تشکیل سرمایه یا تساوای برای بسیاری تعاونیها دشوار است. اعضاء باید تعاونیها را به عنوان راه حلی برای مراقبتهای بهداشتی، تحصیلی کودکان، و اخذ وام برای شروع تجارتي کوچک برگزینند چرا که شبکه مطمئن اجتماعی دیگری وجود ندارد. این عوامل داخلی موجب شده‌اند تعاونیهای فیلیپین اهداف اجتماعی را با موفقیت رواج دهند.

## مطالعه موردی کانادا: اتحادیه اعتباری مترو خلاصه‌ای از تاریخچه نهضت تعاون در کانادا و انتاریو

نهضت تعاون کانادا با فعالیت تعاونی دژاردان در اوائل دهه ۱۹۰۰ در کبک و با هدف مبارزه با مشکلات رباخواری آغاز شد. اولین اعضاء این تعاونی، کارگران موجب بگیری بودند. اولین تعاونیها در کانادا، نیز مؤسساتی نشده، غیر متشکل و غیر رسمی بودند که اغلب در منزل یکی از اعضاء مؤسس قرار داشت. اتحادیه‌های اعتباری کانادا از جای پای محکمی در بازار برخوردار بودند، تا اینکه در نیمه اول دهه

۱۹۶۰، بانکها اقدام به اعطای وامهای فردی به اتباع طبقه متوسط نمودند.

با بالا گرفتن قدرت رقابتی اتحادیه‌های اعتبار در مقابل بانکها، کارآیی این اتحادیه‌ها هرچه بیشتر نمایان شد. از سوی دیگر، اتحادیه اعتباری از دارائیهای کلان بانکها بی بهره بودند، در نتیجه تامین و تداوم برخی خدمات مورد انتظار اعضاء دشوارتر خواهد بود. امروزه این معضل هنوز در مورد اتحادیه‌های اعتبار مطرح می‌باشد.

بر خلاف نهضت تعاون فیلیپین که دولت نقش بسیار فعال واسطه‌گر در آن دارد، نهضت تعاون کانادا با حرکت اعضاء محلی و مردمی کانادا آغاز شد. دولتهای فدرال و ایالتی از تعاونیها به عنوان ابزارهایی برای پیشبرد برنامه‌های اجتماعی یا اقتصادی همچون مورد فیلیپین استفاده نمی‌کنند. تعاونیهای کانادایی، حداقل در مراحل آغازین فعالیت خود، ارتباط محکمی با جامعه‌ای دارند که در خدمت آن هستند.

## اتحادیه اعتباری مترو، تورنتو

اتحادیه اعتباری مترو (MCU) در سال ۱۹۴۹ به عنوان «دانشگاه اتحادیه اعتباری کارگران تورنتو» ایجاد شد. این اتحادیه به منزله یک تعاونی بسته و محدود آغاز بکارکرد. امروزه اتحادیه اعتباری مترو یک تعاونی مردمی است و برای کلیه اهالی و کارگران شهرهای تورنتو، راتو بیوکو، راسکاربورد، یورک شمالی و یورک شرقی و شسهر یورک آزاد است. تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۶، اتحادیه اعتباری مترو سرمایه‌ای بالغ بر ۲۲۴ میلیون دلار و عضویت ۲۸۹۰۰ نفر را به ثبت رسانده است. این حجم سرمایه و اعضاء، اتحادیه اعتباری مترو را در بین ده تعاونی بزرگ انتاریو و ۴۰ اتحادیه اعتباری بزرگ کانادا جای داده است که با برخورداری از ۹۷ کارمند در

۹ بخش متفاوت در خدمت اعضاء اتحادیه می‌باشند.

## اتحادیه اعتباری مترو و اصول تعاون

اتحادیه اعتباری مترو در سال ۱۹۹۶ اقدام به حسابرسی کلی تعاونیها نمود. این حسابرسی کلی نوعی ارزیابی نحوه عملکرد اتحادیه اعتباری مترو در رسیدن به استانداردهای اجتماعی و قومی لازم و همچنین تأمین انتظارات اجتماعی و مردمی می‌باشد. در حسابرسی مذکور به این نکته اشاره شد که گرچه انتخاب اعضاء جهت تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی صورت گرفت، اما تنها درصد بسیار اندکی (۱۳ درصد) از الگوی اولیه ۴۰۰ عضو انتخابی به شکل اتفاقی به پرسشنامه پاسخ دادند.

حال نکته سؤال برانگیز این است که آیا واکنشهای ۵۲ پاسخ دهنده نیز می‌تواند به عنوان پاسخ سایر اعضاء اتحادیه اعتباری مترو تلقی گردد؟ در عوض پاسخهای برخی کارکنان، اعضاء هیئت مدیره و اعضاء اتحادیه در مباحث بعدی به عنوان مرجع در نظر گرفته خواهد شد. هرچند باید در استنتاج از نمونه جمعیت با احتیاط برخورد نمود. کلیه اعضاء به همان میزان که در الحاق به تعاونی آزاد هستند، در جدا شدن از تعاونی نیز آزادی عمل دارند. اکثر اعضاء به مشاغلی در دانشگاهها یا کالجها، در هیأت‌های آموزشی و بیمارستان اشتغال دارند.

از زمانی که تعهدات اعضاء افزایش یافت سطح درآمد نیز از متوسط مایل به کم تا متوسط مایل به بالا سیر صعودی داشت. (مصاحبه ۲۰ مارس ۱۹۹۷)

اعضاء اتحادیه اعتباری مترو یک هیأت مدیره سیزده نفره را برای خدمت داوطلبانه سه ساله انتخاب میکنند. این هیأت مدیره هر ماه یکبار جهت بررسی و مرور پیش نویس نشستها و گزارشهای کمیته دائمی، همچنین بحث در مورد زمینه‌های جدید و



فعالیت‌های مالی جلسه‌ای برگزار می‌کنند. کمیته دائمی از سوی هیأت مدیره منصوب می‌شوند، حضور در مجامع عمومی سالانه (AGM) برای اتحادیه اعتباری تورنتو نسبتاً قابل توجه است، اما آیا تنها حضور ۶۰۰ نفر (از نزدیک به ۳۰۰۰ عضو) در این نشستها کافی است؟ هیچک از مصاحبه شونده‌گان به یاد نمی‌آورند که عضوی از خارج هیأت مدیره، تحلیلی را مطرح کرده باشد. برداشت آنان در نهایت این است که هیأت مدیره معمولاً در تصویب پیشنهادات خود موفق است. وانگهی، نزدیک به ۱۰۰ تا ۲۰۰ عضو پیش از رأی دادن، مجمع عمومی سالانه را

مجمع عمومی سالانه، اتحادیه اعتباری مترو در جهت رواج نظارت مردمی اعضاء از طریق مهیا نمودن هیأت مدیره و مدیریت اتحادیه برای پاسخگویی به کارکنان یا انجام مشاوره اعضاء، تلاشهای بسیاری نموده است.

اتحادیه اعتباری مترو طیف گسترده‌ای از خدمات اقتصادی به اعضاء ارائه می‌نماید. این خدمات، مواردی چون اعطای وام، سپرده، فروش و اعطای کارتهای اعتباری و کارتهای اعضاء که در ماشینهای گویا کاربرد دارند شامل می‌شود از این رو، اتحادیه اعتباری مترو در ظاهر کاملاً به هر بانک دیگری شباهت

اتحادیه اعتباری مترو در گذشته با دیگر سازمانها روابط تجاری داشته است. برای نمونه، این اتحادیه برای ایجاد صندوق وام اجتماعی با دولت ایالتی (NDP) همکاری نمود. اما اتحادیه اعتباری مترو همواره عدم وابستگی خود را حفظ کرده، در مقابل خواست اعضاء پاسخگوست و قدرت تصمیم‌گیری را با هیأت مدیره می‌داند. اتحادیه بصورت فصلی اقدام به چاپ خبرنامه نموده و در اختیار اعضاء قرار میدهد. این خبرنامه به اتحادیه اعتباری مترو امکان می‌دهد تا اعضاء را در جریان اقدامات تعاونی مربوطه به ۹ شاخه مختلف فعالیت اتحادیه

## یکی از طرحهای ابداعي اتحادیه اعتباری مترو کانادا در زمینه آموزش، طرح «اطلاعات مربوط به اتومبیل» است. این طرح از جمله خدمات مشاوره رایگان برای اعضاء اتحادیه اعتباری است که قصد خرید اتومبیل دارند. نوارهای ویدئویی تهیه شده توسط اتحادیه اعتباری مرکزی ساسکاچوان نیز به عنوان راههای گام به گام در موضوعات مختلفی چون «چگونه برای نخستین بار خانه بخرم» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ترک می‌کنند. همین مسئله درصد اعضایی که باید رأی دهند را به کمتر از دودرصد کاهش میدهد اعضاء همچنین اظهار نگرانی می‌کنند که بین هیأت مدیره و اعضاء درباره نوع مهارتهای لازم برای عهده‌گیری شغلی هیأت تبادیل نظر وجود ندارد.

هرچند زمانی که از پاسخ دهندگان عضو در مورد میزان مسئولیت پذیری هیأت مدیره در قبال اعضاء سؤال شد، سهم عمده‌ای از آنان (حدود ۸۳ درصد) از انجام وظیفه هیأت مدیره و نوع خدمت آنان به اعضاء اظهار رضایت نمودند. در مورد کارکنان، ۷۸ درصد از مصاحبه شنندگان پاسخ دادند که مدیران ارشد نسبت به نظرات و پیشنهادات آنان بی تفاوت نیستند. بنابراین، به رغم نتایج نه چندان قابل توجه

دارد و همان خدمات پولی بانکهای خصوصی را ارائه می‌دهد و تفاوت تنها در حق عضویت و سود سهام پرداختی است. از اعضاء و کارکنان مورد نظر پرسش شد که آیا حق اظهار نظر در روند تصمیم‌گیری تعاونی را دارند؟ (گرچه اعضاء مصاحبه شده کاملاً از نحوه دسترسی به اطلاعات رضایت داشتند.) اما ۶۸ درصد از آنان پاسخ دادند که پیش از اخذ تصمیم گروه مدیران، هیچگونه مشورتی با آنان نشده است. کارمندان غیر مدیر نیز اظهار نمودند که هرگز شانس اطلاع از نتایج مربوط به بودجه‌گذاری یا برآورد هزینه‌ها را نداشته‌اند و برداشت آنان، دورماندن از روند تصمیم‌گیریها بوده است.

قراردهد (مصاحبه ۲۰ مارس ۱۹۹۷). یکی از طرحهای ابداعي اتحادیه اعتباری مترو کانادا در زمینه آموزش، طرح «اطلاعات مربوط به اتومبیل» است. این طرح از جمله خدمات مشاوره رایگان برای اعضاء اتحادیه اعتباری است که قصد خرید اتومبیل دارند. نوارهای ویدئویی تهیه شده توسط اتحادیه اعتباری مرکزی ساسکاچوان نیز به عنوان راههای گام به گام در موضوعات مختلفی چون «چگونه برای نخستین بار خانه بخرم» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آموزش تنها به مفهوم توزیع ساده اطلاعات نیست. بلکه اعضاء تعاونیها باید بروشنی از چسند و چون مسئولیتها و تعهدات خود به عنوان عضو تعاونی آگاه

شاخص	میانگین	انحراف از استاندارد	میزان آزادی عمل
احساس افتخار به عضو تعاونی بودن	۷/۳۲	۲/۲۱۱	۹
احساس وفاداری به گروه	۷/۲	۲/۰۸۵	۸
توانایی فعالیت گروهی	۶/۹۴۸	۱/۵۲۹	۸
احساس امنیت از شرکت و همراهی بادیگران	۶/۹۱۰	۱/۷۷۱	۹
احساس تعلق به جمع	۶/۸۶۲	۱/۸۱۰	۹
علاقه به مسائل تعاونی	۶/۸۰۹	۱/۴۷۳	۷
احساس مالکیت به تعاونی	۶/۷۵۹	۱/۹۵۵	۸
حس رضایت از مشارکت در امور تعاونی	۶/۵۷۹	۱/۸۸۱	۹
آگاهی از مسائل و امور تعاونی	۶/۵۵۵	۱/۷۷۷	۸
قدرت تحلیل مشکلات و اندیشیدن راه حل های مؤثر	۶/۵۲۳	۱/۵۴۹	۸
توانایی ابراز عقاید و نظرات درخصوص مسائل تعاونی	۶/۵۲۸	۱/۸۱۰	۸
شکوفایی استعداد مدیریت تعاونی	۶/۳۸۶	۱/۶۰۱	۸
پرورش حس خوداتکایی و خودباوری	۶/۳۷۳	۱/۵۷۶	۸
ترس و نگرانی کمتر از تماس و برخورد با مقامات و کارکنان تعاونی	۶/۴۵۰	۱/۸۴۰	۸
تقویت ویژگیهای مدیریتی	۶/۳۸۱	۱/۶۱۹	۸
حس تسلط بر زندگی و سرنوشت خود	۶/۰۸۸	۱/۰۸۵	۸

اتحادیه اعتباری مترو بالغ بر ۲۵۰۰ دلار به مؤسسه خیریه، سازمان یا طرح منتخب خود اختصاص خواهد داد. شکل دیگری که اتحادیه اعتباری مترو توجه خاص خود را نسبت به مردم جامعه نشان می‌دهد، آن است که مصرانه درصد ایجاد یک صندوق وام اجتماعی خودکفا است. این صندوق وام به آندسته از افراد یا سازمانهایی اختصاص دارد که در شرایط عادی قادر به اخذ وام نمی‌باشند. ضررو زیان اعتباری در این حالت در بین کلیه مشارکت کنندگان به طرق گوناگون وجود دارد، در نتیجه ضرر وارده به هریک از سرمایه گذاران کاهش می‌یابد. در نتیجه به دلیل خطرات عمده‌ای که وجود دارد، بسیج گروههای محلی کاری بس دشوار است.

اتحادیه اعتباری مترو کانادا حدود دو درصد از درآمدی را که هنوز مالیات آن کسر نشده است به امور خیریه و مردم اختصاص می‌دهد. در پایان سال ۱۹۹۶، هفت سازمان محلی در تورنتو از اتحادیه اعتباری مترو اعانه دریافت نمودند. (مأخذ، خبرنامه اعضاء ژانویه ۱۹۹۷).

طبق یافته‌های (تیکسکان)، اتحادیه اعتباری مترو از دیدگاه هیأت مدیره و مصاحبه شونده‌ها در عرصه حمایت از توسعه اقتصادی مردم بسیار ضعیف عمل نموده است. گرچه اتحادیه اعتباری مترو به نسبت از اتحادیه‌های اعتباری با صندوقهای مردمی ثمره بیشتری ببار آورده، اما به اعتقاد مصاحبه شونده‌ها، توان و استعداد بالقوه اتحادیه بسیار بیش از این است، همین افراد معتقدند که اتحادیه اعتباری مترو در اعطای وام به مؤسسات کوچک تجاری بسیار ضعیف عمل نموده است. هیأت مدیره و مصاحبه شونده‌ها داوطلب همچنین میزان مسئولیت پذیری اتحادیه اعتباری مترو در قبال مسائل زیست محیطی را ناامید کننده ارزیابی نمودند. کارکنان پاسخگو به سئوالات بی

باید اذعان نمود که بین اتحادیه اعتباری مترو و اتحادیه اعتباری مرکزی انتاریو (CUCCO) همکاری تنگاتنگی وجود دارد و این اتحادیه با سایر تعاونیها در همین زمینه باب مشارکت را باز نموده است. اتحادیه اعتباری مترو همچنین با دیگر اتحادیه‌های اعتباری معاونت و تعاون داشته و درصدد ایجاد صندوق وام اجتماعی برای مؤسسات اقتصادی کوچک است.

اتحادیه اعتباری مترو، به عنوان یکی از بزرگترین اتحادیه‌های اعتباری در انتاریو، به دلیل حفظ ابعاد اجتماعی خود و ساختار محکم اقتصادی، در نوع خود بی مانند است. برای نمونه، جایزه گری کیلام «مسئولیت پذیری اجتماعی» اخیراً توسط اتحادیه اعتباری مترو و اتحادیه اعتبار

باشند. در زمینه آموزش اصول تعاون، بسیاری معتقدند که توان تعاونیها بسیار بیش از این است طبق ارزیابی یکی از ناظران خارج از اتحادیه، حدود ۹۵ درصد اعضاء اتحادیه اعتباری انتاریو از اصول تعاون بیخبرند. ۶۷ درصد از اعضاء هیأت مدیره مصاحبه شده بر این باورند که مطالب آموزشی اتحادیه اعتباری بقدر کافی گویا نیست. اکثر آنان همچنین ادعا می‌کنند که اعتباری مترو می‌تواند و باید در عرصه آموزش بیشتر فعالیت نماید و از جمله داوطلبان و کارکنان بیشتری رابه مشارکت در برنامه «دست آوردهای مدیریت اتحادیه اعتباری» (CUDA) تشویق نمایند. هرچند، اکثر اعضایی که با آنان مصاحبه شده است از نحوه آموزش تعاون در مسائل مالی رضایت داشتند.



# بیایید به کمک هم

## شرکت تعاونی

### بهتری بنا کنیم

قسمت ۲

مدیران و مسئولان شرکت که تنها در تلاش برای توفیق اقتصادی می‌باشند، باید به مسائل اخلاقی و اجتماعی و انسانی تعاون هم توجه کنند و بپذیرند که کار تعاونی فقط خرید و فروش و فعالیتهای بازرگانی نیست. هدف این است که داد و ستد کالاها و خدمات را وسیله‌ای برای بهم پیوستگی، اتحاد و صمیمیت اعضا قرار دهیم.

در شرکت تعاونی تولید باید همواره منافع اعضا مورد نظر باشد و دیگر حالت بهره‌کشی از نیروی کار چنانکه در نظام سرمایه‌داری و تجاری اجراء می‌شود وجود نداشته باشد.

در شرکت تعاونی مسکن غیر از بهتر بودن کیفیت ساختمان، قیمت تمام شده آن باید از قیمتی که معماران و خانه‌سازهای حرفه‌ای عرضه میدارند بالاتر نباشد. در شرکت تعاونی اعتبار جنبه سودجویی و سفته بازی و نزول خواری وجود نداشته باشد وام و اعتبارات مورد نیاز اعضا با بهترین شرایط در اختیار

اعضا قرار گیرد.

۲- مثال معروفی است که گفته می‌شود مشک «آنست که خود بپوید نه آنکه عطار بگوید.»

مدیران و گردانندگان شرکت باید این حقیقت را بپذیرند که تبلیغات و جنجال و وعده‌های واهی هرگز نمی‌تواند توجه اعضا را برای همیشه جلب نماید.

مؤثرترین وسیله تبلیغاتی که مدیران شرکت تعاونی در اختیار دارند و می‌توانند همیشه از این وسیله برای پیش برد شرکت و نهضت تعاون استفاده کنند همانا نیروی ایمان، صداقت، درستکاری و انصاف آنها

در معاملات روزمره‌شان با اعضا است.

وقتی عضو یک شرکت تعاونی در یک معامله مختصر متوجه شد که مثلاً شرایط اعتبار دریافتی او مناسبتر از شرایط سایر موسسات اعتباری نیست و بهای فلان کالا در فروشگاه تعاونی گسراستر از فروشگاههای تجاری است آنوقت دیگر تمام تبلیغات، شعارها، کتابها، پوسترها از جلوی چشم و ذهن او محو می‌شوند.

رفتار اقتصادی شرکتهای تعاونی باید طوری باشد که حتی رقیبهای تجاری آنها هم قادر به کتمان کردن صحت عمل آنان نباشند تأمین منافع اقتصادی اعضا در شرکتهای تعاونی مانند اهرمی است که بوسیله آن می‌توان بارهای سنگین‌تری را جابجا کرد.

۳- گروهی که از جانب اعضا برای اداره امور شرکت برگزیده شده‌اند باید مجری تصمیمات و اراده اعضا و انتخاب کنندگان باشند تمام افکار و ابتکارات خود را برای بزرگتر و موفق‌تر کردن شرکت تعاونی بکار اندازند. انتظار اعضا از مدیران شرکت این است که همواره در نظر داشته باشند که منتخب اعضا هستند. این فرد فرد اعضا و آراء آنهاست که ایشان را به سمت مدیر و گرداننده شرکت برگزیده و همواره این قدرت و اختیار را دارند که در برکناری و تعویض آنها طبق مقررات قانون و اساسنامه عمل کنند. بنابراین هر فردی انتظار احترام و حرف‌شنوی از جانب مدیران تعاونی را دارد.

۴- عالی‌ترین و مؤثرترین محلی که اعضا می‌توانند آراء و نظریات خود را در حضور همگان ابراز دارند مجمع عمومی



سالیانه است. اعضاء مؤمن و معتقد به کار جمعی و تعاونی از مدیران شرکت تعاونی انتظار دارند که مجمع عمومی سالیانه شرکت را دقیقاً در زمان مقرر در اساسنامه بدون هیچگونه عذر و بهانه‌ای تشکیل دهند. ترازنامه سالیانه شرکت بموقع آماده شده، برای بررسی و اظهار نظر در اختیارشان قرار گیرد، گردش کار مجمع عمومی شرکت تعاونی بصورت طبیعی و عادی طبق قانون و اساسنامه جریان پیدا کند و هیچگونه دسته‌بندی و اقدامات ناصحیح قبلی انجام نشده باشد. گزارش سالیانه امور شرکت کاملاً واقعی و صادقانه در معرض افکار اعضاء گذارده شود و هیچ چیز از اعضاء مخفی و محرمانه نگهداشته نشود. به اعضاء تا جایی که وقت مجمع عمومی اجازه می‌دهد فرصت اظهار نظر و ابراز رأی داده شود و هیچگونه تهدید و اشاراتی عضو را مجبور به سکوت نکند. در غیر اینصورت در مجامع عمومی بعدی اعضاء علاقه برای حضور از خود نشان نخواهند داد و حالت بی‌تفاوتی در آنها بوجود می‌آید.

البته همانطور که در فصل قبل به آن اشاره شد درباره شرکت‌های تعاونی وضع درست برعکس است و چه بسا مدیران و گردانندگان شرکت از بی‌علاقگی و عدم شرکت اعضاء در مجمع عمومی شکایت دارند.

بی‌توجهی اعضاء به گردش امور مجمع عمومی همچون موربانه است که ستون نگهدارنده شرکت تعاونی را می‌خورد و دیر یا زود شرکت تعاونی را به نابودی می‌کشاند.

۵- یکی از اصول ممتاز کننده تعاونی

نسبت به سایر انواع شرکت‌ها تقسیم‌مآزاد برگشتی بین اعضاء است. مآزاد درآمد یا پس‌انداز اگر وجود داشته باشد نتیجه معاملات شرکت تعاونی و متعلق به اعضاء است انتظار می‌رود بموقع و طبق مقررات اساسنامه توزیع گردد. مآزاد برگشتی حاصل از بهبود و کفایت و کاهش هزینه مدیریت، رکن اصلی تعاون شناخته شده و مکرر از طرف مجامع بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است. یک شرکت تعاونی بدون حداقل عواید چندان دوام نخواهد آورد که بتواند به خدمات خود به جامعه ادامه دهد. البته باید در نظر داشت که سود، انگیزه

اعضاء تصمیم بگیرند کلیه مآزاد برگشتی آنها یکجا به یک مصرف عمومی یا توسعه عملیات شرکت برسد در اینصورت منافع شرکت تعاونی نه تنها عاید اعضاء می‌شود بلکه جامعه بطور کلی از آن بهره‌مند می‌گردد. بهرحال اگر قرار باشد مآزاد برگشتی بین اعضاء تقسیم گردد اعضاء انتظار دارند این اقدام بموقع و در وقت مقرر در اساسنامه انجام شود و مدیران و گردانندگان شرکت به بهانه‌های مختلف این مسئله را بعهدہ تعویق نیندازند.

۶- سود سهم مبلغ مختصری است که به سهام خریداری شده هر یک از اعضاء

## مدیران و مسئولان شرکت که تنها در تلاش برای توفیق اقتصادی می‌باشند، باید به مسائل اخلاقی و اجتماعی و انسانی تعاون هم توجه کنند و بپذیرند که کار تعاونی فقط خرید و فروش و فعالیتهای بازرگانی نیست. هدف این است که داد و ستد کالاها و خدمات را وسیله‌ای برای بهم پیوستگی، اتحاد و صمیمیت اعضاء قرار دهیم.

۷- یکی از مهمترین عوامل ارتباطی اعضاء از شرکت و استنباطی که از مدیریت تعاونی دارند از نحوه برخورد فروشندگان با اعضاء مشخص می‌گردد.

یکی از مشکلترین مشاغل در شرکت تعاونی مصرف کار فروشندگی است. اشکال آن در این است که در شرکت تعاونی

شرکت تعاونی نیست. شرکت تعاونی ناچار است برای تأمین هزینه‌های جاری و اداری و پرداختهای لازم مبلغ مختصری بر قیمت خرید از دست اول بیافزاید و اگر این رقم بیش از مخارج جاری شرکت باشد باید در آخر سال به نسبت خرید یا همکاری اعضاء بین آنها تقسیم شود.

مآزاد برگشتی متعلق به اعضاء است. اما این موضوع به این معنی نیست که تمام مبلغ خودبه‌خود باید بین اعضاء تقسیم شود بلکه منظور این است که اعضاء حق دارند درباره نحوه تقسیم آن تصمیم بگیرند. در تحت شرایط خاص ممکن است

فروشنده جنس را به مشتری (دارنده سهم) یعنی صاحب فروشگاه می‌فروشد. انجام وظیفه فروشندگی در شرکت تعاونی باید در کمال احترام و رعایت ادب با مشتری باشد.

۸ - بار دیگر تأکید در سلامت و مرغوبیت جنس لازم است. اعضاء انتظار دارند جنسی را که از شرکت تعاونی خود تهیه می‌کنند. بدون تقلب و تزویر و کم‌فروشی باشد. در شرکت تعاونی عبارت (همین که هست) بهیچوجه پذیرفته نیست. هیچ مدیرعاملی حق ندارد بگوید ما که سازنده آن جنس نیستیم و مسئولیتی نداریم. مدیرعامل و مسئولان خرید شرکت، در برابر اعضاء مسئول هستند و موظفند بهترین جنس از مرغوب‌ترین نوع را در فروشگاه تعاونی عرضه کنند و همواره در برابر اعضاء پاسخگو باشند.

۹ - غیر از مدیران و فروشندگان و کارکنان گروه دیگری که همواره باید جوابگو و مدافع حقوق اعضاء باشند بازرسان شرکت هستند بازرسان باید حداقل هر سال دو بار دفاتر و حسابهای شرکت را بدون مداخله مستقیم در امور شرکت مورد رسیدگی قرار داده و اشکالات کار را بموقع و طبق مقررات قانون و اساسنامه تذکر دهند. چنانچه به تذکرات آنها توجه نشود براساس وظیفه‌ای که قانون برعهده آنها گذاشته اقدام نمایند.

بالاخره آخرین انتظار اعضاء از شرکت تعاونی فراهم ساختن موجبات بالارفتن سطح دانش تعاونی آنهاست. مدیران شرکت تعاونی باید با تشکیل کمیته‌های تخصصی و ترتیب دادن دوره‌های آموزشی تهیه و چاپ نشریه، اعضاء

شرکت را در جریان گردش امور شرکت قرار دهند و از اطلاعات و تجربیات فردفرد اعضاء برای پیشرفت و موفقیت شرکت با کمال علاقمندی استفاده نمایند.

### پیشنهادها

آخرین کلام همان است که با آن سخن آغاز کردیم، عضو؛ نقش عضو - اهمیت عضو، عضو شالوده و زیربنای نهضت تعاونی است. ساختمانی است محکم و پایرجا که اگر با مصالح مرغوب بنا شده باشد، شرکت تعاونی موفق‌تر و پررونق‌تر خواهد بود و نیز اگر تعاونی از اعضاء مؤمن و معتقد به کار جمعی و با دانش تعاونی ترکیب شده باشد. اگر اعضاء شرکت تعاونی به وظایف و مسئولیتهائی که برعهده دارند عمل نکنند، شرکت تعاونی به خودی خود نمی‌تواند کاری از پیش‌ببرد و قادر به انجام خدمتی مطلوب نخواهد بود. شرکت تعاونی موفق، شرکتی است که اعضایش در فعالیتهای جمعی و تعاونی موفق باشند. توفیق تعاونی، تنها به معنی توفیق اقتصادی نیست. یک شرکت تعاونی هنگامی توفیق واقعی بدست می‌آورد که بتواند به وظایف آموزشی و اجتماعی خود نیز عمل کند.

داشتن تراژنامه صحیح با ارقام بزرگ و سود سرشار موفقیت واقعی محسوب نمی‌شود. یک شرکت تعاونی وقتی واقعاً موفق است که همه اعضاء آن یا حداقل اکثریت اعضاء در کارهای تعاونی مشارکت کنند، در مجامع عمومی حاضر شوند و تعداد زیادی از اعضاء علاقمند به قبول مسئولیت بیشتر و عضویت در هیئت مدیره و بازرسی باشند. کمیته‌های

تخصصی شرکت بطور مرتب تشکیل شود. کمیته آموزش و امور اجتماعی فعالیت زیادی داشته باشد. نشریات مناسب برای اطلاع و راهنمایی اعضاء منتشر یا فراهم در اختیارشان گذارده شود.

مدیران و مسئولان شرکت که تنها در تلاش برای توفیق اقتصادی می‌باشند، باید به مسائل اخلاقی و اجتماعی و انسانی تعاون هم توجه کنند و بپذیرند که کار تعاونی فقط خرید و فروش و فعالیتهای بازرگانی نیست. هدف این است که داد و ستد کالاها و خدمات را وسیله‌ای برای بهم پیوستگی، اتحاد و صمیمیت اعضاء قرار دهیم.

عضو تعاونی باید اجتماعی فکر کند در جلسات مناظره و بحثهای اقتصادی و اجتماعی شرکت تعاونی مشارکت نماید و تحمل عقاید مخالف را داشته باشد و از هرگونه تعصب و تحمیل عقاید شخصی بپرهیزد و به افکار دیگران احترام بگذارد. تعاون شیوه‌ای است برای پرورش روح دموکراسی و آزادی و برابری. این واقعیتی است که اعضاء باید به آن صمیمانه ایمان پیدا کنند.

اعضاء یک تعاونی باید شرکت خودشان را مثل خانه خویش دوست بدارند و برای پیشرفت و رونق و اعتبار آن از هیچ گونه تلاش و کوششی کوتاهی نکنند. در انگلستان عضو یک شرکت تعاونی مصرف وقتی وارد فروشگاه می‌شود و مثلاً می‌خواهند چای بخرد هیچوقت از فروشنده نمی‌پرسند فلان نوع چای دارید؟ بلکه می‌پرسد فلان نوع چای داریم؟ عضو یک شرکت تعاونی باید شرکت را از آن خود و خود را وابسته به شرکت بداند.

تعاونیهای مصرف که در دنیا پیشینه‌ای قریب به دو قرن دارند نقش ممتازی را تا کنون جهت بهبود شرایط زندگی بشر در اقصای عالم ایفا کرده‌اند.

این نهادهای اقتصادی و اجتماعی بر پایه دیدگاههایی همچون تامین اقلام مورد نیاز اعضا، تعدیل قیمتها و ایجاد رقابت کیفیتی و جلب مشارکت عامه مردم در سرنوشت اقتصادی خود شکل گرفته‌اند. در ایران نیز طی کمتر از دو دهه بعد از انقلاب اسلامی پدیده تعاونیهای مصرف در میان اقشار اجتماعی با مفهوم خرید عادلانه کالا همراه شده است. این مفهوم بیشتر از آن جهت در کانون توجه قرار گرفته است که گرایش

دسترسی به کالاهای ارزان، مقرون به صرفه و دارای نرخ عادلانه به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. چرا که اکنون فاصله میان درآمد و هزینه، خانوارها را وادار می‌دارد تا در سبد مصرف خویش بخشی از کالاهای ارانه شده در تعاونیهای مصرف را جایگزین کنند. تمایل به این موضوع با افزایش حجم کالاهای تعاونی گسترش می‌یابد، اما واقعیت آن است که این خواسته عمومی تنها از راه گسترش سرمایه‌های در گردش تعاونیهای مصرف به شکل مطلوبتری تحقق می‌یابد. سرمایه‌هایی که از راه جلب مشارکت‌های مردمی تامین خواهند شد و تعاونیهای مصرف را رونق خواهد بخشید.

انتظارات از یک تعاونی مصرف از نوع "کارمندی چیست؟"

قفسه‌های مملو از بهترین اجناس و قیمت‌هایی که همگی زیر قیمت بازار است و فروش ارزان یخچال و گاز و تلویزیون آن هستم بدون قرعه‌کشی؟

البته انتظاراتان چندان هم بیراه نیست، اما ۱ تعاونی مصرف کارمندی با چه میزان سرمایه توانایی برآوردن انتظار شمايي که عضو و سهامدار آن هستيد، را دارد؟

سال ۱۳۲۳ بود. سال پیدایش نخستین اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارمندی، با عضویت پانزده شرکت تعاونی و سرمایه‌ای معادل ۲۵ هزار تومان.

سالها می‌گذرد، سالهای رکود و فرود و آغاز جنگ تحمیلی، جنگ آغازی دوباره شد برای فعالیت مجدد و گسترده تعاونیهای مصرف و اتحادیه تعاونیهای مصرف کارمندی. در آن زمان دولت باور کرد که یکی از سالم‌ترین مجموعه‌هایی که می‌تواند بدون دخالت واسطه‌ها و بدون داشتن افزایش بی‌رویه قیمت، کالاهای اساسی و مورد نیاز را به دست مصرف‌کنندگان برساند، حضور و فعالیت تعاونی‌های مصرف در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است.

"محمد اسلامی نسب" مدیر عامل اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت با اشاره به شرایط جنگ و طرح تعدیل اقتصادی در کشور می‌گوید: - "پدیده و شرایط جنگ و دگرگونی‌های اقتصادی ناشی از آن باعث شد که استقبال از تعاونیها بیشتر شود و دولت هم حمایت بیشتری کرد خوشبختانه با عملکرد آبرومندانانه و افتخار آمیزی، تعاونیها در دوران جنگ توانستند بخشی از بار تورم و اختلالات ناشی از شرایط جنگ را از دوش سهامداران و اعضای خود بردارند."

○ گروه گزارش

## تعاونی مصرف

## کارمندی؛

## فرازها کجا

## و فرودها

## کجاست؟





مرتضی کیان پور یکی از مسئولان یک تعاونی مصرف کارمندی با اشاره به تفاوت کار در زمان جنگ و موقعیت کنونی می‌گوید: در آن دوران از جنگ، کالاها عمدتاً از دولت تهیه می‌شد و اتحادیه‌ها کالاها را به اعضای خود می‌دادند. وقتی بحث تعدیل اقتصادی پیش آمد، تفاوت قیمت کالا در بازار و تعاونیها کم شد. امروز شرایط فرق می‌کند. امروز کارخانه‌دار جنس را، هم به بازار تحویل می‌دهد و هم به اتحادیه. اما اینجا سیاست اتحادیه است که می‌تواند کالا را زیر قیمت بازار در اختیار اعضا قرار دهد.

جنگ تمام شد. دیگر لزومی نداشت تا دولت همچنان به حمایت مستمر خود نسبت به تعاونیهای مصرف کارمندان ادامه دهد. اتحادیه تعاونیهای مصرف کارکنان دولت از سال ۱۳۷۲ با برنامه‌ریزی و طرحی منسجم اقداماتی را برای فعالیت گسترده آغاز کرد. اقداماتی که با بزرگترین مشکل مواجه بود؛ سرمایه.

بشتوانه‌ای که باید پررنگ می‌شد.

اصل پیدایش تعاون و تعاونی از همیاری و مشارکت است و طبیعی است که بدون سرمایه‌گذاری سر اعضا، کمتر تعاونی است که در این رقابت یعنی شکستن قیمت‌ها، تاب ادامه حیات را خواهد آورد.

مدیر عامل اتحادیه سراسری تعاونی مصرف کارکنان دولت با اشاره به نقش و میزان سهام در کار تعاون می‌گوید: اگر خواهیم سهامدار را هم پای خودتان در نظر توسعه و تکامل داشته باشیم باید او را

در جریان امور و فعالیت‌های اتحادیه قرار دهیم. سرمایه‌گذار باید باور کند که سرمایه او نزد تعاونی حفظ و بر ارزش آن زوده می‌شود. او باید حداقل معادل سود نکی میان مدت را در رابطه با سرمایه دریافت کند. به همین منظور قرار شد میزان سرمایه‌ها را به ازای هر نفر تا بیست هزار

تومان افزایش دهیم. اتحادیه روی این امر برنامه‌ریزی کرد برای اینکه فشار ناشی از این افزایش سرمایه بر روی اعضا زیاد نباشد، قرار شد به تدریج و در یک فاصله زمانی طولانی سرمایه مذکور از اعضا جذب شود.

روند افزایش سرمایه بر اساس طرحهایی که برنامه‌ریزی شده بود به تدریج پیش رفت. اتحادیه در حاشیه امن فعالیت‌ها تلاش کرد علاوه بر اینکه به صورت تقییبسی، از سود خالص در عملیات بازرگانی فروش که نصیب اعضا می‌شود، بخشی را به عنوان افزایش سرمایه برای اعضا لحاظ کند.

محمد اسلامی نسب در ادامه می‌گوید: اگر بخواهیم خودمان را با سال ۷۳ مقایسه کنیم، اتحادیه در سال ۷۳، حدود ۶/۵ میلیارد تومان فروش داشته که این رقم در سال ۷۶ به ۲۶ میلیارد تومان رسیده است. البته با این نگرش که توجه امان به کالاهای غیرسهمیه‌ای است. در بخش سرمایه مادر

**● مدیر عامل اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت: اگر بخواهیم سهامدار را هم با خودمان در کنار توسعه و تکامل داشته باشیم باید او را در جریان امور و فعالیت‌های اتحادیه قرار دهیم.**

پایان سال ۷۳ حدود ۴۰۰ میلیون تومان سرمایه داشتیم و در پایان سال ۷۴ به ۴۴ میلیارد ریال افزایش یافته است. حال سودی که در سال ۷۳ عاید اعضا و اتحادیه شده، سه میلیون و ششصد هزار تومان بوده که در پایان سال ۷۵ به ۵۰۰ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است و در پایان سال ۷۶ چیزی حدود ۲۰ درصد بیشتر از سال ۷۵ است.

سیاست‌های اقتصادی و عوامل تشویق مثبت، اعضا و سهامداران را گسترش داده و با توسعه عملیات بازرگانی و گسترش کالا در سال ۷۳ بار سود بیشتری عاید سهامداران می‌کرد، که بخشی از این سود تحت عنوان افزایش سرمایه به اتحادیه برمی‌گشت.

در کنار این فعالیت‌ها، نخستین بار در اتحادیه سراسری کارکنان دولت، فکر سرمایه‌گذاری نه تنها در قسمت ساختمان بلکه در واحدهای تولیدی مناسب که بتواند بخشی از کالاهای مورد نیاز اعضا را تهیه کند، آغاز شد. اتحادیه با توجه به شرایط زمان و مکان و موقعیت واحدهای مورد نیاز، تقسیم به رفع نیاز همراه با کسب سود گرفت. البته این کار به تنهایی به وسیله تعاونیها امکان پذیر نبود. پس پاره‌ای از شرکت‌های تعاونی مصرف کارکنان دولت به تبع آن آمدند و واحدهای تعاونی تولیدی را تشکیل دادند که این واحدها علاوه بر رفع نیاز آنها و سوددهی، ارزش افزوده

این واحدهای تولیدی عبارتند از: چاپ و تولید دفتر آرام، واحد بسته بندی حبوبات، واحد پلاستیک و نایلکس، شرکت لوازم خانگی بدین، مجتمع تولیدی چینی مقصود، واحد نوشابه سازی و همچنین فعالیت های تحقیقاتی.

در کنار چنین فعالیت هایی که همواره سعی می شود تعاونیها و بخصوص تعاونی مصرف کارکنان دولت در فعالیتهای به روز اقتصادی، مشارکت داشته و نیز بیش از ۹ میلیون سهامدار و عضو تعاونی را پاسخگو باشد، اما همواره مشکلات و تنگناهای بسیاری چه برای اعضا و چه برای گردانندگان این تعاونیها و اتحادیه ها وجود داشته است. مسئله اصلی در این تعاونیها، نیاز اعضا است و آنچه را که نمی توان از قلم انداخت، تنگناهای اقتصادی و تورمی است که بیش از هر گروه دیگری قشر کارمندی با آن دست و پنجه نرم می کند.

## فرهنگ تعاون و توقعاتی که باید باور کنیم.

توقعات زیاد است شاید هم حق داشته باشند. ذهنیت همگان از یک شرکت تعاونی مصرف کارمندی، خرید ارزان تر و تهیه جنس بهتر است. اما مگر این میزان سرمایه گذاری و توقع آن درصد سود برگشتی، چه قدر است که من و تو راضی از این فروشگاه خارج شویم.

در تعاونی مصرف خبرگزاری جمهوری اسلامی یکی از اعضا که در حال خرید است با اشاره به سهمیه بندی بودن اقدامی مثل برنج و روغن می گوید: یک مرتبه می آیند و می گویند تعاونی برنج عالی آورده آن هم با قیمت مناسب تا می آیی بجنبی، برنج تمام شده است. نیاز ما کارمندان بیشتر روی اقلام مصرفی است، برای همین ترجیح می دهیم کلیه کالاهای

● **بارها اتفاق افتاده است که سرمایه را خوابانده ایم تا بتوانیم زیر قیمت چند دستگاه تلویزیون با سایر وسایل منزل تهیه کنیم، آن وقت برخی از اعضا به جای اینکه فرصت دهند آن دسته از افرادی که به این وسایل نیاز دارند نیازشان را برطرف کنند، می آیند جنس را می خرند و خارج از تعاونی می فروشند.**

● **شما در نظر بگیرید برخی از اعضا توقع دارند با سهام های بسیار اندک بیشترین و بهترین خدمات را نیز داشته باشند.**

مصرفی مان را از تعاونی خودمان تهیه کنیم؛

وی همچنین می گوید: البته تحت عنوان سود سرمایه چند بار به طور مجانی و رایگان تا مبلغ خاصی را از فروشگاه جنس برداشت کرده ایم اما فکر می کنم این دریافت سود اگر ریالی باشد حتی - به مقدار بسیار اندک برای سهامداران جذابتر است،

بر اساس قانون تعاون، نیمی از سرمایه عضو در تعاونی مصرف در اختیار خود شرکت است و نیمی دیگر در اختیار اتحادیه تعاونی مصرف استان قرار می گیرد. اتحادیه سراسری کارکنان دولت، نیمی از سرمایه دریافت شده از اتحادیه های استان را تحویل می گیرد. به این ترتیب فقط یک چهارم سرمایه عضو در اتحادیه سراسری قرار می گیرد، طبق قانون و بر اساس میزان سودهای حساب شده، جنس از اتحادیه سراسری به مراکز استان و از آنجا به تعاونیهای مصرف کارکنان دولت تحویل داده می شود. با این روال، ۲۰ تا ۲۵ درصد

کالاهایی که در تعاونیها آرایه می شود زیر

قیمت بازار است.

شکوهی مقدم مسئول یکی از تعاونیهای کارمندی شهرستان همدان می گوید: خوبی کار این جاست که با اندک سرمایه های اعضا نزد یک کارخانه معتبر قرار داد بسته و پیشاپیش پول کالای مورد نیاز را پرداخت می کنند همین پیش پرداخت به صورت کلی باعث می شود تا کارخانه دار جنس را با چند درصد قیمت ارزان تر از بازار در اختیار تعاونی و اعضا قرار دهد.

وی همچنین می گوید: مشکل ما با اعضا اینجاست که آنها می خواهند کلیه نیازها و خریدهایشان را از تعاونی تهیه کنند. البته این به خودی خود بسیار عالی است اما مشکل سهمیه بندی اقلام و اجناس است و اینکه ما نمی توانیم همه اعضا را راضی نگه داریم. ما آن قدر نیاز داریم نمی توانیم از اتحادیه سراسری کالا بخریم؛ از سوی دیگر مدیر روابط عمومی اتحادیه سراسری مصرف کارکنان دولت می گوید: هیچ محدودیتی در خرید شرکت تعاونیهای کارمندی از این اتحادیه وجود ندارد. چون سرمایه آنها در دستان ماست برایشان به صرفه تر است که اقدام مورد نیاز خود را از ما تهیه کنند و این مجموعه چون فعال است سود هم به آنها می پردازد. اما این در خرید محدودیت وجود دارد و تعاونی شهرستانها مجبورند مازاد خود را از بازار تهیه کنند.

اما طبیعی است جنس که از بازار آزاد بخواهد تهیه شود چندان تفاوتی با قیمت سایر اجناس فروشگاهها نخواهد کرد. عضوی که سرمایه می گذارد توقع دارد در قبال آرایه سرمایه جنس مطلوب یا قیمت زیر بازار تهیه کند.

رضا عبدالکریمی فروشنده یکی از تعاونیهای مصرف کارکنان وزارت بهداشت و درمان می گوید: مشکل اصلی این جاست که فرهنگ تعاون هنوز ج



## جدول مقایسه‌ای عملکرد اتحادیه

ارقام به میلیون ریال

شرح	سال ۱۳۷۵	سال ۱۳۷۱	سال ۷۲	سال ۷۳	سال ۷۴	سال ۷۵	نسبت افزایش سال ۷۵ به ۷۴
خرید کالا	۴۸۹۹۲	۵۶۰۲۲	۱۳۷۷۶۵	۶۴۳۸۷	۲۳۳۹۰۱	۲۶۸۵۸۶	٪۵۷/۵
فروش کالا	۴۸۵۴۷	۵۳۳۷۲	۱۲۸۱۳۹	۷۸۱۶۹	۲۲۶۸۸۳	۲۷۰۰۹۸	٪۶۳/۱
سرمایه	۲۲۱۳	۲۹۵۵	۳۱۲۴	۲۹۲۷	۸۲۵۵	۲۵۵۳۵	٪۲۹/۳
سود ویژه	۱۳۹	۹	۸۹	۳۶	۷۹۱	۵۰۶۱	٪۵۳۹/۲

بسیاری از کارمندان را حل کند. کارمندی که بخواهد برای دخترش جهیزیه تهیه کند در صورت توانایی تعاونی می تواند اجناس را قسطی بردارد تا مجبور نباشد تا سپیده دم در خیابان مسافرخشی کند و تا بلکه کمی پول بدست آورد.

تعاونی مصرف کارمندان از دیدگاه اعضا صرف خرید ارزان تر نیست. بلکه مکانی است که بسیاری از آنها امید دارند قسمت اعظم مشکلات اقتصادی‌شان را از آن طریق حل کنند. در این میان اصل و مفهوم تعاون فقط خرید ارزان تر از بازار نیست. در کشورهای پیشرفته‌ای چون ژاپن، انگلستان، سوئد و سوئیس و کشورهای مشابه تعاونیهای مصرف یکی از فعالترین ارکان اقتصادی جامعه‌اشان به حساب می‌آیند. اما معنی و مفهوم تعاون در آن کشورها با آنچه در ایران رایج است بسیار متفاوت بوده و همین عامل عملکرد تعاون و تعاونی را تغییر می‌دهد.

از سوی دیگر بحث سرمایه و لزوم افزایش سرمایه‌گذاری اعضا و سهامداران در تعاونیهای مصرف مشکلی است که نیازمند گذشت زمان و جا افتادن چنین مهمی در بازگشت سود به اعضا است. افزایش سرمایه به حدی که بتوان با آن مانور اقتصادی داد و با بخش خصوصی به رقابت پرداخت.

تعاونیها به خصوص تعاونی مصرف کارکنان دولت اغلب به علت کمبود سرمایه و نامشخص بودن جایگاه تعاونی در امور واردات، ناچار به سیستم‌های بانکی متوسل می‌شوند که استفاده از قراردادهای مضاربه‌ای بار سنگین بهره را روی دوش تعاونیها می‌گذارد.

همه تلاش‌ها، احداث کارخانجات تولیدی، در خواست افزایش سرمایه و لزوم گسترش فعالیت اعضا فقط و فقط به خاطر من است که رفاه حال کارمندان دولت تأمین شود. فقط همین.

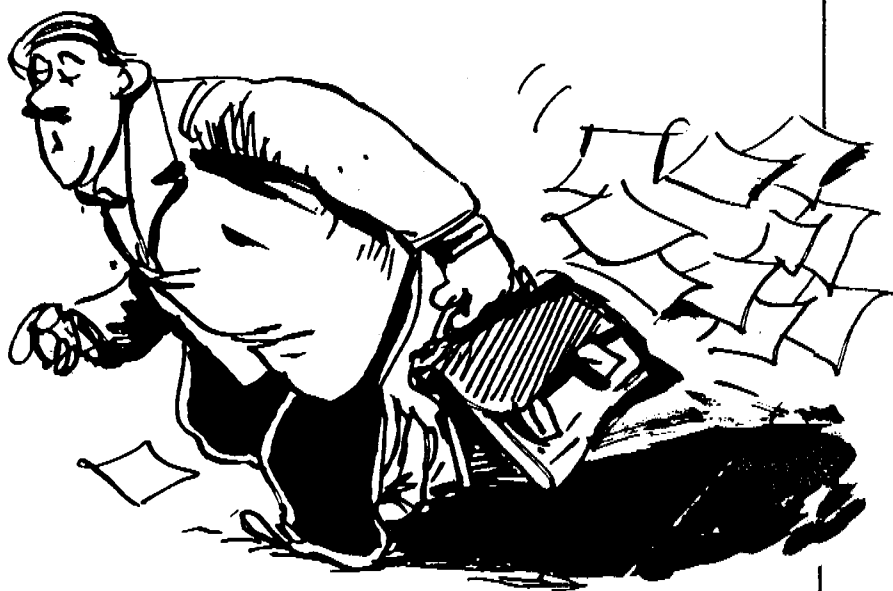
کارمندان باتوجه به عایدی هر ماهشان چگونه خرج می‌کنند تا آخر ماه تا خرخره در قرض فرو نروند. دولت همیشه در حرفهایش و وعدههایش گفته که از چند شغله بودن کارکنان دولت نگران است و در جستجوی راهی برای این مشکل است. تصور من این است که همین شرکت تعاونی‌های کارمندان دولت با کمی پشتوانه و حمایت می‌تواند مشکلات



نیفتاده است. بارها اتفاق افتاده است که سرمایه را خوابانده‌ایم تا بتوانیم زیر قیمت چند دستگاه تلویزیون یا سایر وسایل منزل تهیه کنیم. آنوقت برخی از اعضا به جای اینکه فرصت دهند آن دسته از افرادی که به این وسایل نیاز دارند، نیازشان را برطرف کنند، می‌آیند جنس را می‌خرند و خارج از تعاونی می‌فروشند. این گونه فعالیت‌ها که زیاد هم به چشم می‌خورد به اساس کار تعاونی خدشه وارد می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به خدشه وارد کردن به نام و عملکرد تعاونی می‌گوید: اعضا نباید فراموش کنند که آنها در قبال سرمایه‌هایشان سود دریافت خواهند کرد و چنین کاری پایمال کردن حقوق فردی افراد است. ما گرد هم آمده‌ایم تا با پشتوانه سرمایه‌های اندکمان بتوانیم در این فشار زندگی اندکی از هزینه‌هایمان بکاهیم. بارها اتفاق افتاده است وقتی گفتیم اعضا میزان سرمایه‌گذاریشان را افزایش دهند، با چه مشکلاتی گریبانگیر بوده‌ایم. شما در نظر بگیرید که برخی از اعضا توقع دارند با سهام‌های بسیار اندک بیشترین و بهترین خدمات را نیز داشته باشند. البته آنها فراموش کرده‌اند که دیگر مثل گذشته دولت دخالتی در تأمین کالاهای مورد نیاز تعاونیها ندارد و این خود تعاونیها هستند که باید با همان میزان سرمایه، احتیاجات اعضا را برآورده کنند.

فریده جباری ساله یکی از سهامداران شرکت تعاونی مصرف وزارت کشاورزی، می‌گوید: خود مسئولان می‌دانند که



## شرکت‌های تعاونی و تسهیلات بانکی

از: مهرداد شرقی فرد حقیقی  
مدیرعامل شرکت تعاونی ایثارگران، ریحان مروءشت

مهمترین مشکلی که گریبان‌گیر بسیاری از متقاضیان تسهیلات تبصره‌ای است مبلغ زیادی است که بر خلاف نص قانون و آئین نامه اجرایی و بدون توجه به توانایی اکثریت متقاضیان به ویژه ایثارگران، فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و شرکت‌های تعاونی به عنوان آورده متقاضی به عهده آنها گذارده می‌شود. که علت چنین امری را باید در تمایل کمیسیون تخصصی در توزیع تسهیلات در بین تعداد بیشتری از متقاضیان دانست. با این نحوه تصمیم‌گیری کمیسیون تخصصی عملاً معافیت‌هایی را که آئین نامه اجرایی جهت تسهیل امور این گونه متقاضیان در نظر گرفته است، نادیده می‌گیرد.

سالهای نخستین پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، مرادف با تغییرات مهمی در ارکان اقتصادی اجتماعی کشور و تأسیس نهادها و تصویب قوانین جدیدی گردید که همگی در جهت خدمت به محرومین و مستضعفین و یا در اصطلاح امروزه اقشار آسیب‌پذیر جامعه بود. از جمله این نهادها و قوانین می‌توان از تأسیس مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی و تصویب تسهیلات تبصره ۳ قانون بودجه کل کشور نام برد که هر یک به نوبه خود در طول سالیان گذشته تغییر و تحول یافته‌اند به عنوان یک نهاد و قانون مکمل. یکدیگر باید مورد بررسی قرار گیرند.

مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی از ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان نهادی با هدف ایجاد اشتغال؛ جهت جوانان علاقه‌مند به فعالیت‌های تولیدی تأسیس گردید. که با وجود نوپا بودن این نهاد و فقدان تجربه مؤسسين آن و علیرغم بعضی از ناکامی‌ها توانست به عنوان نهادی برخاسته از متن انقلاب با تشکیل شرکت‌های تعاونی تولیدی به فعالیت خود ادامه دهد، در دوران جنگ تحمیلی نیز تأسیس شرکتهای تعاونی ایثارگران فعالیت اصلی این نهاد را تشکیل می‌داد.

در سالهای اخیر جهت تقویت و توسعه تعاونیهای تولیدی ابتدا این مراکز به سازمان گسترش تعاون تغییر نام یافت و سپس با تصویب مجلس شورای اسلامی با انتزاع بخش‌های پوشش دهنده تعاونیها از سازمان‌های مختلف و ادغام آنها، وزارت تعاون با هدف تقویت و گسترش بخش تعاونی در عرصه اقتصاد کشور تأسیس گردید.

اما شرکت‌های تعاونی بدون پشتوانه

مالی لازم به موفقیت نائل نمی‌آمدند، زیرا شرکت‌های تعاونی تولیدی جهت احداث کارگاه مورد نظر نیازمند به تهیه زمین مناسب و نیز تسهیلات بانکی بودند، که جهت تهیه زمین مورد نظر مواد ۳۱ و ۳۲ آئین نامه قانون احیاء و واگذاری اراضی و بعداً نیز تأسیس شهرک‌های صنعتی راه‌گشا بود.

### تسهیلات بانکی:

دریافت تسهیلات بانکی با وجود قوانین و مقررات داخلی بانک‌ها برای اینگونه شرکت‌ها قابل دستیابی نبود. زیرا ملاک و معیار حاکم در اعطای تسهیلات عادی بانکها (منابع داخلی) همان ملاک‌های متداول نظام بازار است. به این معنی که هر که پول داشت معتبر است و هر که پول بیشتری داشت معتبرتر و این اولین و اصلی‌ترین معیار اعطای تسهیلات است که بانک اعتبار دهنده بر اساس آن سهم مشخصی را به عنوان آورده متقاضی جهت اعطای تسهیلات تعیین می‌نماید که در این راستا تهیه زمین و احداث ساختمان کارگاه مورد نظر، توسط متقاضی احداث واحد تولیدی، از گام‌های مقدماتی محسوب می‌شود.

دومین معیار اعطای تسهیلات عادی بانک‌ها داشتن وثیقه معتبر است و چنانکه ذکر گردید، شرکت‌های تازه تاسیس به ویژه شرکت‌های تعاونی که اکثریت اعضاء تشکیل دهنده آنها را جوانان علاقه‌مند و فاقد سرمایه تشکیل می‌دهند، امکان چندانی جهت تأمین وثائق مورد نظر سیستم بانکی را نداشتند. بدین لحاظ تسهیلات تبصره ۳ قانون بودجه کل کشور مشخصاً از سال ۱۳۶۰ به عنوان شیوه‌ای کارگشا در خدمت مشتاقان بخش‌های مولد به ویژه شرکت‌های تعاونی تولیدی قرار گرفت.

### ویژگی تسهیلات تبصره ۳

ویژگی این تسهیلات را می‌توان در تضمین بازپرداخت آن توسط دولت و نیز



در کم اهمیت بودن سهم آورده متقاضی در اجرای طرحهایی که از این تسهیلات استفاده می‌کنند، نام برد. به طوری که بند الف تبصره ۳ قانون بودجه سال ۷۶ کل کشور این ویژگی‌ها را چنین بیان می‌کند:

«... بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است... تسهیلات اعتباری از منابع داخلی نظام بانکی کشور به طرحهای تولیدی و خدماتی بخشهای تعاونی و خصوصی زیر که به تشخیص کمیسیون پنج نفره متشکل از نمایندگان استانداری، سازمان برنامه و بودجه، امور اقتصادی و دارایی، بانک عامل و نمایندگان دستگاه ذیربط حسب مورد دارای توجیحات کامل اقتصادی، فنی و مالی بوده و فقط از نظر وثیقه و سهم سرمایه‌گذاری مجری با مقررات داخلی بانک‌های عامل وفق نمی‌دهند حداکثر ظرف مدت یک ماه تأمین و اعطا نمایند...»

لازم به ذکر است که تسهیلات تبصره ۳ قانون بودجه ملهم از اصل ۲۳ قانون اساسی است که این مطلب را اشعار می‌دارد: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری

اسلامی ایران، براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱-.....

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد...»

ذکر این مقدمه زمینه‌ای به دست می‌دهد تا با توجه به آن به بررسی عملکرد سیستم بانکی در اعطای تسهیلات تبصره ۳ به عنوان مهمترین شیوه دستیابی شرکت‌های تعاونی و سایر متقاضیانی که عموماً فاقد تمکن مالی فراوان هستند، پرداخته شود. در جهت تبیین هرچه بهتر موضوع بهتر است مطلب را با سؤالاتی به شرح ذیل شروع کنیم:

۱- دیدگاه دست اندرکاران بخش صنعت و متقاضیان وام تبصره ۳ از عملکرد سیستم بانکی در اعطای تسهیلات تبصره ۳ چیست؟

۲- چه مشکلاتی در اعطای تسهیلات مذکور از سوی سیستم بانکی وجود دارد و علل آن چیست؟

پاسخ به سوالات طرح شده را با این سخنان وزیر محترم تعاون آغاز می‌کنیم، ایشان اظهار می‌دارند:

«با مشکلاتی که بانک‌ها بوجود می‌آورند، وزارت تعاون نمی‌تواند برای توسعه به بانک‌ها متکی باشد»<sup>(۱)</sup>

دیدگاه مذکور از سوی یکی از مسئولین عالی رتبه وزارتخانه‌ای عنوان گردیده که فعالیت عمده آن دریافت تسهیلات بانکی جهت امر سرمایه‌گذاری است و به خوبی بیان کننده مشکلاتی است که دست

اندرکاران امور تولیدی به ویژه بخش تعاونی در رابطه با سیستم بانکی با آن دست به گریبانند.

اگر چه استفاده از تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات همانند مصاحبه و پرسشنامه می‌تواند اطلاعات معتبری را در این زمینه به دست دهد. اما بررسی‌های اجمالی همانند مراجعه به سیستم بانکی به عنوان متقاضی تسهیلات و نیز مقایسه بین آمار تعداد طرح‌های متقاضی تسهیلات و طرح‌هایی که به کمک تسهیلات به بهره‌برداری رسیده‌اند نیز روشنگر این مشکلات خواهد بود.

علاوه بر متقاضیان بخش تعاونی بخش متقاضیان زمینه صنعت نیز مشکل دریافت تسهیلات به ویژه در استان فارس را از اهم مشکلات خود می‌دانند<sup>(۲)</sup> با این وجود بانک‌های مختلف نیز عملکرد یکسانی نداشته‌اند به طوری که بانک‌های کشاورزی، صادرات..... بهترین عملکرد و بانک ملت و تجارت ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌اند.

باتوجه به مطالب مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت برخلاف آنچه در قانون اساسی و قانون بودجه کل کشور و آئین‌نامه اجرایی آن آمده، دریافت تسهیلات بانکی توسط متقاضیان چندان هم آسان نیست و برخلاف انتظار سیستم بانکی در پرداخت تسهیلات از خود مقاومت نشان می‌دهد و چنانکه شناسیده است همکاری لازم را با متقاضیان از خود نشان نمی‌دهد، تا آن حد که یکی از مسئولین عالی رتبه مرتبط با بخش‌های تولیدی مهمترین مانع توسعه شرکت‌های تعاونی را موانع ایجاد شده توسط سیستم بانکی می‌داند.

برای پی بردن به علل این مشکلات باید در پی پاسخ سؤال دوم بود. تا نهایتاً راه‌حلی برای این مسئله پیدا نمود. پاسخ‌های این سؤال نیز در دو قسمت به شرح ذیل قابل بررسی است:

۱- نحوه دریافت تسهیلات از سیستم بانکی چگونه است؟

۲- قانون و آئین نامه اجرایی به چه نحو اجرا می‌شود؟

### روش دریافت تسهیلات از منابع داخلی بانک و تسهیلات تکلیفی:

در روش معمول دریافت وام از سیستم بانکی که به مشتری بانکها پرداخت می‌شود معمولاً متقاضی طرح که مشتری معتبر بانک است از سوی شعبه به گروه کارشناسان اعتباری معرفی می‌شود، گروه مذکور پس از اطمینان از توان مالی متقاضی که معمولاً مستلزم داشتن وثائق معتبر و محل مناسب<sup>(۳)</sup> اجرای طرح مورد نظر است به بررسی آن می‌پردازد که در این صورت نیز گروه کارشناسان و کمیته اعتباری بانک هیچ گونه الزامی در قبول تقاضا ندارد و به علاوه بانک هیچ گونه الزامی را از هیچ نهاد دیگری در پرداخت وام به متقاضی مشخصی احساس نمی‌کند.

اما در تسهیلات تبصره‌ای، روند امور بدین گونه نیست. زیرا نه تنها متقاضی دریافت تسهیلات الزامی به مشتری معتبر بودن هیچ بانک خاصی ارتباط ندارد، بلکه اولویت‌های قانون بودجه کل کشور و آئین نامه اجرایی باتوجه به اهداف عالی انقلاب اسلامی و قانون اساسی به منظور ایجاد اشتغال، افزایش تولیدات، استقلال اقتصادی و آبادی مناطق محروم و..... به گونه‌ای تدوین شده که با نادیده گرفتن مقررات داخلی بانکها اولویت اعطای تسهیلات جهت تحقق بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی به افرادی داده شده که «قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند» این مهم در خصوص افراد فاقد سرمایه به ویژه عزیزان ایثارگری که با تلاش و مجاهدت خدائی خود کیان این انقلاب و کشور را حفظ نمودند، صدق می‌کند.

این عزیزان و بسیاری از متقاضیان

دیگر نه سرمایه نقدی چندان دارند و نه املاکی با سندهای منگوله دار که آن را به عنوان وثیقه تسهیلات در رهن بانک بگذارند.

به همین لحاظ شرط داشتن وثیقه و نیز آورده متقاضی آنهم در مقادیر کلان جهت متقاضیان این گونه تسهیلات استثناء شده است به علاوه اولویت سرمایه‌گذاری نه به مناطق برخوردار بلکه به مناطق محروم داده شده است و حتی زمین‌های منابع ملی که توسط کمیسیون ماده ۳۱ و ۳۲ به اجاره داده شده است به رهن گرفته می‌شود.

چنانکه مشاهده می‌کنیم، تفاوت در روند دریافت تسهیلات در دو شیوه مذکور باعث می‌شود که کارکنان سیستم بانکی، حتی بانک‌هایی همانند صادرات و کشاورزی که موفقیت و تجربیات زیادی در اعطای تسهیلات تبصره‌ای داشته‌اند به خاطر اعتقاد به روش معمول و نه‌اینه نظام بانکی در اعطای تسهیلات و موارد دیگری از جمله عدم آشنایی با قوانین و مقررات در نزد بعضی از کارکنان شعب بانکها و بعضی از دستورالعمل‌های متناقض صادره و نیز حرف‌ها و حدیث‌های فراوان در پرداخت این گونه تسهیلات از خود مقاومت نشان دهند که این مقاومت در بانک‌هایی همانند ملت و تجارت کاملاً شدید و آشکار است.

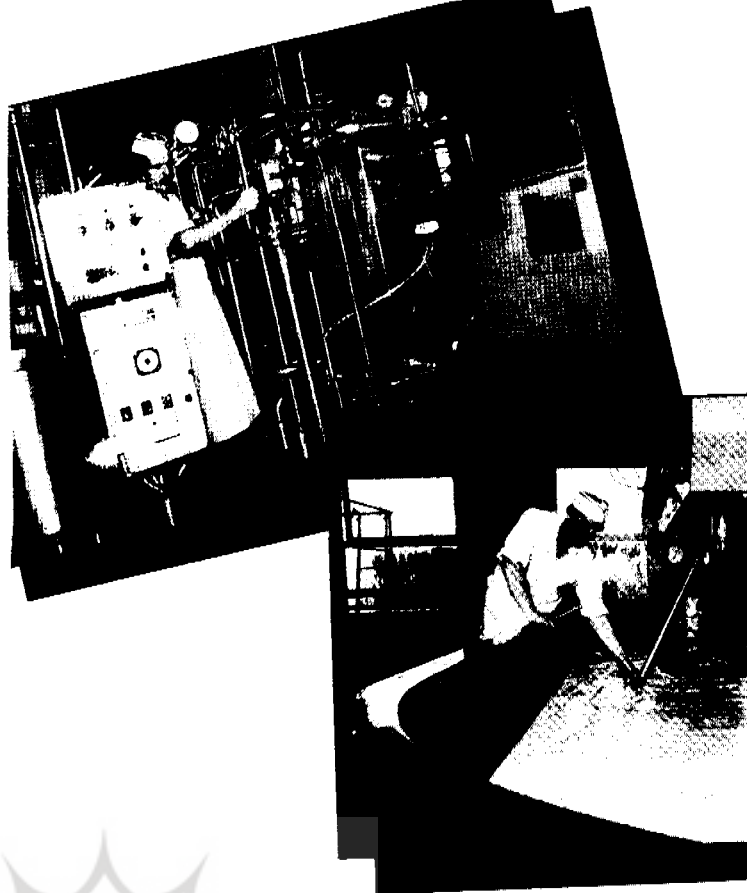
علاوه بر موارد مذکور، کارشناسان سیستم بانکی صراحتاً دلایل ذیل را در مورد مقاومت سیستم بانکی در اعطای این گونه تسهیلات عنوان می‌کنند که عبارتند از:

- عدم پرداخت مطالبات بانکها (یارانه‌ها) از طرف دولت در سالیان گذشته
- صوری بودن بعضی از تسهیلات تکلیفی همانند وام خود اشتغالی
- مکفی نبودن تعداد کارکنان بانکها در مقابل وظایف محوله و عدم مجوز استخدام جدید.

علت چنین امری را باید در تمایل کمیسیون تخصصی در توزیع تسهیلات در بین تعداد بیشتری از متقاضیان دانست. با این نحوه تصمیم‌گیری کمیسیون تخصصی عملاً معافیت‌هایی را که آئین نامه اجرایی جهت تسهیل امور این گونه متقاضیان در نظر گرفته است، نادیده می‌گیرد.

هم چنین توسط بانک‌های عامل برخلاف قانون، بعضاً از متقاضیان خواسته می‌شود که جهت دریافت تسهیلات وثیقه ملکی ارائه کنند یا با استناد به دستور العمل بانک مرکزی ضامن متعدد معتبر به بانک عامل معرفی نمایند و اگرچنین دستورات عملی باشد مشخص نیست که چگونه برخلاف نص صریح قانون که دولت را ضامن بازپرداخت این تسهیلات می‌داند چنین بخشنامه‌ای صادر شده است.

اما مهمترین نکته‌ای که از زوایای مختلف مورد ایراد کلیه دست اندرکاران تسهیلات تبصره‌ای قرار می‌گیرد و این موضوع متقاضیان را جهت دریافت اقساط تسهیلات به زحمت می‌اندازد، ناچیز بودن نقش کمیسیون تخصصی تسهیلات تبصره ۳ پس از تصویب تسهیلات و ابلاغ آن به بانک‌ها است به این معنی که پس از تصویب و ابلاغ تسهیلات به بانک عامل، کمیسیون تخصصی به جز موارد بسیار محدود نقشی ندارد و نظر گروه کارشناسان بانک عامل در تعیین میزان پیشرفت فیزیکی، باقی بودن توجیه فنی مالی و اقتصادی، نیاز به پرداخت وام تکمیلی که بنا به سلیقه انجام می‌گیرد، مهمترین ملاک و معیاری است که براساس آن کمیته اعتباری بانک ذیربط نسبت به پرداخت یا عدم پرداخت اقساط وام‌های مصوب تصمیم می‌گیرد و مبنای استدلال مسئولین بانک نیز این است که به غیر از بانک سایر دستگاه‌های ذیربط هیچ گونه مسئولیتی در ضرر و زیان احتمالی طرح‌ها به ویژه قبل از بهره‌برداری ندارند.



آئین نامه اجرایی به صورت کامل اجرا نمی‌شود!

در پاسخ باید عنوان کرد که بسیاری از ایراداتی که توسط کارشناسان سیستم بانکی طرح می‌شود، ایراداتی منطقی هستند و سایر کارشناسان دست اندرکار نیز بر وجود آنها صحه می‌گذارند. اما واقعیت این است که بسیاری از این مشکلات ناشی از عدم اجرای کامل آئین نامه اجرایی و نیز بی‌توجهی به پیشنهاداتی است که از سوی کارشناسان ذیربط جهت اصلاح آئین نامه اجرایی عنوان می‌شود.

مهمترین مشکلی که گریبان‌گیر بسیاری از متقاضیان تسهیلات تبصره‌ای است مبلغ زیادی است که برخلاف نص قانون و آئین نامه اجرایی و بدون توجه به توانایی اکثریت متقاضیان به ویژه ایثارگران، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و شرکت‌های تعاونی به عنوان آورده متقاضی به عهده آنها گذارده می‌شود. که

دلایل دیگری نیز توسط کارشناسان مذکور در مورد وام‌های تکلیفی مطرح می‌شود که عملاً بهترین توجیه را در عدم آزاد سازی اقساط تسهیلات در اختیار آنها قرار می‌دهد. که این موارد عبارتند از:

- ناکافی بودن میزان تسهیلات تصویب شده در کمیسیون تخصصی جهت طرح‌های تولیدی.
- عدم ایفای تعهدات متقاضی به نحو احسن
- افزایش هزینه اجرای طرح‌های تولیدی به تبع افزایش تورم.
- محول شدن مسئولیت طرح‌های تولیدی به بانک از طرف کمیسیون تخصصی پس از تصویب تسهیلات و در خطر بودن منافع بانک در صورت متضرر شدن این طرح‌ها.

در بررسی ایرادات مذکور باید این پرسش، را طرح نمود که آیا آئین نامه اجرایی دچار نواقصی است که این مشکلات به وجود می‌آید، یا اینکه دستورات عمل‌های



بنابراین تا زمانی که کمیسیون تخصصی (به ویژه سازمان برنامه و بودجه، اداره کل تعاون، اداره کل صنایع و ... پس از تصویب و ابلاغ تسهیلات نقشی نداشته باشند و در روند اجرای طرحها نظر آنها شرط آزادسازی اقساط تسهیلات مصوب نباشد و غیر از بانک دستگاه دیگری، در این موارد نقش نداشته نباشد، مشکلات تسهیلات تبصره‌ای به قوت خود باقی خواهد ماند.

## نتیجه گیری

اگر سالیان طولانی به لحاظ حاکمیت نظام‌های غیرمردمی و تحت الحمایه غرب، قدرت تصمیم‌گیری در مسائل سرنوشت ساز ملی از مردم گرفته شده بود و خط مشی‌ها و سیاست‌های اجرایی کشور از سوی دیگران برای ما تعیین می‌گردید، (که این امر بدترین نوع وابستگی به شمار می‌آید)، اما اینک به برکت برپایی انقلاب عظیم و مردمی ما کشور واجد نظامی شده است که مجموعه تصمیم‌گیری در چارچوب مرزهای ملی آن صورت می‌گیرد و این فرصت فراهم گردیده است تا اندیشمندان و کارشناسان بتوانند بر اساس واقعیات و با تکیه بر استعداد و منافع ملی به توسعه کشور کمک کنند.

باید پذیرفت که توسعه صرفاً با تکیه بر درآمدهای ارزی حاصل از فروش منابع خدادادی به دست نمی‌آید. زیرا توسعه بیش از هر چیز حاصل تلاش آگاهانه انسان است و در این میان نقش نیروهای اندیشمند هر جامعه مهمترین و کلیدی‌ترین عامل به حساب می‌آید و اگر پذیرفته‌ایم که هر جامعه باید راه و روش ویژه خویش را با توجه به تجربیات سایر ملل در روند توسعه پیدا کند و هیچ گونه نسخه از پیش تعیین‌شده‌ای در امر توسعه وجود ندارد، باید پرسید که آیا این نیروها در سالیان اخیر به وظایف خود عمل کرده‌اند؟ آیا آن

بخش از نیروهای کارآمد که وظایف کارهای تحقیقاتی و کارشناسی را به عهده داشته‌اند، توانسته‌اند با دلسوزی و درایت مشکلات و نارسایی‌ها را به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با پرهیز از عوام زدگی و بدور از خط گرفتن از بعضی مجامع اقتصادی - مالی جهانی و بدون استفاده از روش آزمون و خطا راههای غلبه بر مشکلات را فراروی جامعه ما قرار دهند؟! آیا نباید پرسید چرا در شرایطی که کشور این همه منابع خدادادی دارد و واجد این پتانسیل است که سالیانه میلیاردها تومان یارانه نان و سوخت را بپردازد افراد بیکار هنوز درصد مهمی از جمعیت فعال آن را تشکیل می‌دهد و جاذبه فعالیت‌های غیرمولد و دلالی و شغل‌های کاذب در کشور زیاد است؟!

چسرا در بین مسردم مسئله سرمایه‌گذاری‌های مولد یک امر خطر آفرین تلقی می‌شود؟ آیا نباید ریشه بسیاری از این مشکلات را در طولانی بودن چرخه سرمایه‌گذاری‌های مولد ارزیابی کرد که بخش اصلی این روند طولانی حاصل مقاومت گروهی از کارشناسان سیستم بانکی کشور در اعطای تسهیلات جهت کارهای مولد است؟ آیا افرادی از این گروه که در بحث‌های خصوصی، خود از وضعیت اقتصادی کشور انتقاد می‌کنند، نباید به نقش منفی و مانع تراش خود بیندیشند؟ چرا این فرصت به مردم داده نمی‌شود تا از سیستم بانکی کشور که به یمن انقلاب از چنگال فرماسونرها، روتارین‌ها و عوامل استعمار بیرون آمده و براساس اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است، جهت توسعه کشور به آسانی استفاده کنند.

زمان آن رسیده است که جهت این مشکل چاره‌ای اندیشیده شود. باید با پژوهش و بررسی‌های دقیق و برپایی کردهمایی توسط سازمان‌های ذیربط،

مشکلات موجود در راه فعالیت‌های مولد به ویژه آن چه مربوط به سیستم بانکی است، شناخته شود تا زمینه‌هایی فراهم گردد که جوانان علاقه‌مند و مستعد اما فاقد سرمایه که خیل عظیم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند با فراغ بال به فعالیت‌های تولیدی روی آورند.

## پیشنهادات:

برپایی کردهمایی در سطح استان‌ها و کشور جهت بررسی مشکلات دریافت تسهیلات تبصره‌ای از سیستم بانکی و ارائه راهکارهای عملی جهت حل این معضل با بررسی پیشنهادات ذیل:

۱- بررسی نحوه محول شدن وظایف گروه کارشناسان و کمیته اعتباری در زمینه تعیین میزان پیشرفت فیزیکی، باقی بودن توجیه فنی، مالی و اقتصادی در طول اجرای طرح و نیاز به پرداخت وام تکمیلی و آزاد شدن اقساط تسهیلات به کمیسیون تخصصی با تأکید بر محوریت سازمان برنامه و بودجه و ادارات کل تعاون و صنایع از طریق موافقت نامه یا هر روش موجه دیگر.

۲- بررسی امکان تشکیل بانک تعاون جهت تحت پوشش قرار دادن شرکت‌های تعاونی

۳- بررسی نحوه تخصیص اعتبارات تبصره‌ای به بانک‌های عامل براساس ویژگی متقاضیان، برای مثال معرفی شرکت‌های تعاونی، ایثارگران، فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها به بانک‌های صادرات، کشاورزی و معرفی متقاضیان بخش خصوصی به بانک‌های ملت و تجارت.

۱- کیهان: شنبه ۷۶/۱۲/۲ - سخنان وزیر محترم تعاون  
۲- نیم نگاه: چهارشنبه: ۷۶/۱۲/۲۰ مدیر کل صنایع استان فارس  
۳- محل مناسب در زیر مجموعه صنعت به ساختمان یک کارگاه اطلاق می‌شود که حداقل پیشرفت فیزیکی ۷۰ الی ۸۰ درصد داشته و دسترسی آن نیز به شهرها نیز مناسب باشد... و مستقاضی جهت تکمیل ساختمان و خرید ماشین‌آلات و با مواد اولیه درخواست وام نماید.

# اصلاح قانون بخش تعاون؛ تلاش تازه در جهت شکوفایی تعاونیها

منوچهر یزدانی

سرمایه از اشخاص حقوقی و همچنین عدم وظیفه‌مندی دولت و سیستم بانکی کشور در تأمین بخشی از آن.

۳- ضعف مدیریت نسبی تعاونیها که ناشی از عدم امکان جذب مدیران کارآمد شده است.

۴- عدم برگزاری مطلوب و بموقع مجامع عمومی، عدم اطلاع کافی اعضا از وضعیت تعاونیهای خود، یکه‌تازی برخی هیأت‌های مدیره تعاونیها با توسل به حیل‌های قانونی و طولانی بودن زمان برگزاری جلسات مجامع که به منظور انتخابات انجام می‌شود.

۵- انحراف از اصول و اهداف بخش تعاونی در برخی تعاونیهای تولیدی - که در این تعاونیها الزام شده اعضا باید در تعاونی شاغل شوند - بدلیل اعطای تسهیلات و مزایای خاص به اعضای اولیه که بعضاً نه تنها در تعاونی شاغل نمی‌شوند بلکه شرکت را رها کرده و سهام را به نرخ روز به دیگران واگذار می‌کنند. الزام مذکور موجب شده تا تشکیل تعاونیهای تولیدی تنها منحصر به بیکاران خاص شود در حالیکه بسیاری از افرادی که حاضرند در تعاونیهای تولیدی سرمایه‌گذاری کرده و عضو باشند بدون آنکه شیفتشان را در تعاونی قرار دهند.

۶- عدم امکان طراحی صحیح و مطلوب نظام اتحادیه‌ها و اتاقهای تعاونی و فعالیتهای آنها بدلیل وجود پاره‌ای ابهامات و مشکلات قانونی.

۷- گسترش تدریجی سوء استفاده و انجام برخی تخلفات توسط بعضی هیأت‌های مدیره و مدیران عامل تعاونیها که رفته‌رفته به اعتبار و هیئت بخش تعاونی لطمه وارد کرده و عدم وجود اختیارات کافی برای اعضا، بازرسان قانونی و وزارت تعاون برای ممانعت موثر از آن.

۸- عدم امکان تشکیل شرکتهای تعاونی توسط تشکلهای تعاونی موجود: در بخش تعاونی تشکلهای موجود نمی‌توانند

این روزها، بخش تعاونی، حال و هوای دیگری دارد، بیانات مهم و سرنوشت ساز مقام معظم رهبری در دیدار با دست‌اندرکاران بخش و تأکید ایشان بر لزوم توسعه بخش تعاونی به میزان حداقل ۱۰ برابر وضع فعلی طی برنامه سوم؛ حضور رئیس‌جمهور محترم در وزارت تعاون و بیانات ایشان در مزایای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بخش تعاونی در نظام جمهوری اسلامی و تأکید بر اینکه بخش تعاونی یکی از محورهای برنامه سوم، باشد؛ تصویب لایحه اصلاح قانون بخش تعاونی در مجلس شورای اسلامی، همه فضایی را ایجاد کرده که در آستانه تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، بخش تعاونی بتواند به جایگاه مورد انتظار نائل شود.

چندی پیش، مجلس شورای اسلامی لایحه اصلاح قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را به تصویب رسانید. دست‌اندرکاران بخش تعاونی میدانند که از مدتها قبل، نیاز به انجام اصلاحات در قانون مذکور احساس میشد. در سالهای اخیر گرچه وجود قانون بخش تعاونی از جهات مختلفی موجب رشد و توسعه نسبی در فعالیتهای بخش تعاونی شده لکن «وجود ابهامات فراوان قانونی»، «کافی نبودن مکانیزمهای حمایتی» یا لاقلاً «غیرعملی بودن برخی از حمایتیهای پیش‌بینی شده قانونی» و پاره‌ای موارد دیگر بطور کلی موانعی برای سرعت بخشیدن به روند توسعه و بهبود کیفی و کمی فعالیت تعاونیها ایجاد کرده بود که رفع موانع مذکور، راه رشد را بازتر میکرد. برخی مشکلات موجود در روند توسعه بخش تعاونی عبارتند از:

۱- عدم اختیار کافی وزارت تعاون بعنوان دستگاه ناظر بر حسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاونی که به دولت مربوط می‌شود و همچنین وجود ابهامات در بخشی از اختیارات آن وزارت که به تعاونیها مربوط میشود.

۲- کمبود سرمایه در تعاونیها و عدم امکان قانونی جذب

شرکتهای جدید ایجاد کنند مگر با توسل به قانون تجارت و تشکیل شرکتهای خصوصی! یعنی برای توسعه بیشتر و تنوع بخشی در تشکلهای، در درون بخش تعاونی، راه حل مناسبی وجود ندارد با استثناء تشکیل اتحادیه ها که آنها با محدودیتهایی مواجه است.

۹- عدم امکان ایجاد شرکتهای و اتحادیه های جدید در بخش کشاورزی! بدلیل وجود ابهام در قوانین که موجب تفسیر در رای مسئولان ثبت شرکتهای در کشور شده و مشکلاتی را ایجاد کرده است.

۱۰- عدم وجود سیاستهای تشویقی قانونی به منظور توسعه تعاونیها از قبیل تخفیفها و معافیتهای مالیاتی در اکثر فعالیتهای، یارانهها و از موارد مشابه، در شرایط فعلی از این نظر هیچ تفاوت معنی داری بین تعاونیها و بخش خصوصی مشابه آن وجود ندارد.

باتوجه به مشکلات موجود که به پاره ای از آنها اشاره شد، وزارت تعاون در زمان دولت قبلی پیشنهادهایی را به دولت ارائه کرد و متأسفانه تنها مواردی از آن تصویب شده و بصورت لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید.

با شروع کار دولت جدید، وزارت تعاون از یکطرف، پیشنهادهای جدید و تکمیلی به دولت تقدیم کرد تا در قالب لایحه و یا تصویب نامه و آئین نامه به ثمر برسد و از طرف دیگر پیشنهادهای دیگری که قابلیت پذیرش و تصویب در مجلس شورای اسلامی را داشته باشد - پیرو لایحه تقدیمی قبلی، به کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و تعاون مجلس ارائه کرد که خوشبختانه با حسن برخورد کمیسیون مذکور و مجلس محترم مواجه و منجر به تصویب اصلاحاتی بالغ بر ۴۰ مورد شد.

با نگاهی اجمالی به اصلاحات تصویب شده بخوبی روشن میشود که با اجرای مطلوب قانون بخش تعاونی و اصلاحات آن میتوان به توفیقات ذیل نائل شد:

۱- باتوجه به فراهم شدن امکان عضویت اشخاص حقوقی در تعاونیها (به موجب اصلاح ماده ۸) امکان جذب بیشتر سرمایه های مردمی بهتر فراهم شده است: همچنین امکان توسعه تکرر و تنوع بخشی به تشکلهای تعاونی و تشکیل شرکتهای جدید از تعاونیهای موجود - بدون نیاز به تشکیل شرکتهای خصوصی - نیز بخوبی فراهم شده است که این امکان موجب جذب بیشتر سرمایه های درون بخش تعاونی نیز خواهد شد.

۲- اصلاح تبصره ماده ۸، که در آن تاکید شده در تعاونیهای تولیدی، تسهیلات و مزایا به نسبت اعضای شاغل

در تعاونی اختصاص خواهد یافت - از یکطرف موجب رونق تعاونیهای تولیدی خواهد شده و از طرف دیگر یارانهها و مزایای ویژه را در جهت تشویق اشتغال همراه با مالکیت بر ابزار کار صرف خواهد کرد.

میتوان روشی را اعمال کرد که براساس آن، یارانه تسهیلات اعطایی در سالهای آخر دوران بازپرداخت اعتبارات، متناسب با تعداد در اعضای شاغل و یا شاغلین عضو تعاونی پرداخت شود تا امکان سوء استفاده اعضای اولیه میسر نگردد.

۳- در ماده ۲۴ اصلاحی، دولت و شبکه بانکی کشور در حمایت مادی از تعاونیها «وظیفه مند» شده اند که این خود موجب رونق بیشتر در فعالیتهای خواهد شد؛ مشروط به اینکه این قسمت به تأیید شورای نگهبان نیز برسد.

۴- با اصلاح ماده ۳۳ قانون و یک مرحله ای شدن انجام انتخابات در تعاونیها، زمان برگزاری جلسات مجامع عمومی بسیار کاهش خواهد یافت که این موضوع موجب حضور گسترده و مشارکت بیشتر اعضا در مجامع عمومی خواهد شد.

۵- اصلاحات تصویب شده موجب خواهد شد تا امکان برگزاری به موقع مجامع عمومی بهتر فراهم شود و اعضای تعاونیها همواره بتوانند از اوضاع و احوال آنچه در تعاونی میگذرد مطلع شوند.

۶- پیش بینی امکان پرداخت حق الزحمه به هیاتهای مدیره شرکتهای و اتحادیه های تعاونی و افزایش دوره تصدی آنها به ۳ سال قطعاً موجب جذب مدیران کیفی و بهبود مدیریت در تعاونیها خواهد شد؛ ضمن اینکه تصویب محدودیت انتخاب هیات مدیره (حداکثر دو دوره متوالی) نیز موجب پیشگیری از ایجاد انحصار قدرت در تعاونیها میشود.

۷- رفع محدودیت برای انتخاب اشخاص حقوقی معتبر بعنوان بازرسان قانونی تعاونیها میتواند در اعمال نظارت اعضا بر کار مدیران تاثیر مطلوبتری داشته باشد.

۸- اصلاح مواد ۴۶، ۵۹، ۶۰، ۶۱ مشکلات و ابهامات قانونی مربوط به اتحادیه ها و اتاقهای تعاون را تا حدود زیادی رفع خواهد کرد و موجب فراهم شدن امکان طراحی بهتر نظام اتحادیه ها و اتاقهای تعاون و فعالتر شدن آنها خواهد شد.

۹- بنظر میرسد با تصویب تبصره ماده ۵۲ و موظف شدن وزارت تعاون به تشکیل تعاونیهای کشاورزی نه تنها مشکلات ثبتی موجود برطرف شود بلکه شاهد رشد بیشتری در توسعه تعاونیها در بخش کشاورزی باشیم.

۱۰- افزایش اختیارات وزارت تعاون در نظارت بر تعاونیها که در ماده ۳۳ قانون اعمال شده بدون آنکه موجب

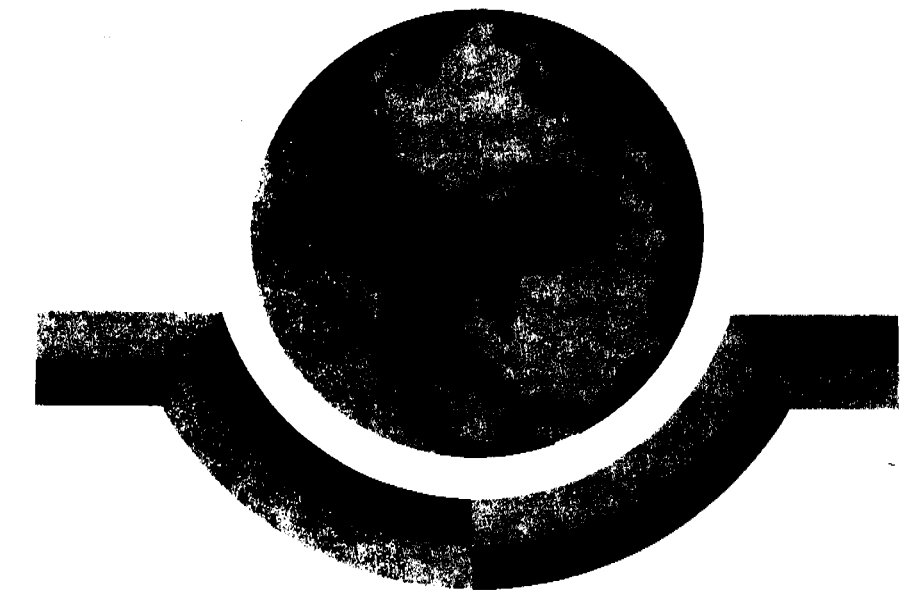
کوشش سازمان یافته بشری است و تلاش دارد وضع انسان‌ها را بهبود بخشد.

سازمانهای مدنی و سازمان ملل همکاری می‌کنند تا جهان را بهتر مانوس‌تر پاکیزه‌تر و سالم‌تر سازند و همه مردم فرصت داشته باشند در محیطی معقول‌تر زندگی کنند. اینها که هدف سازمان ملل است؛ هدف سازمانهای مدنی نیز هست. ارتباط سازمان ملل و سازمانهای مدنی چه مسیرهائی را خواهد پیمود؟

اولاً؛ محتمل و مطلوب است که تعامل بیشتری در سطح منطقه‌ای وجود داشته باشد. سازمانهای مدنی در سطح ملی و ناحیه‌ای به سرعت رشد می‌کنند و بیشتر سازمانهای غیردولتی بین‌المللی دارای توابع منطقه‌ای نیز هستند. کمیسیون‌های اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در سطح منطقه‌ای کانون طبیعی اقدامات تعاونی است.

دومین تحول حتمی، گسترش ارتباط سازمان مدنی و رای مقولاتی است که زیرنظر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل است. این کار نیز شروع شده است. مثلاً سازمانهای غیردولتی فراخوانده شده‌اند تا ناظر تعدادی از انتخاباتی باشند که زیرنظر سازمان ملل انجام می‌شود. نقطه آغاز دخالت سازمان غیردولتی در مجمع عمومی سازمان ملل شامل مداخلات به هنگامی است که مجمع به "کمیته کل" تبدیل شده است بدین ترتیب یک گروه کاری مجمع عمومی، طرق و وسائل افزایش همکاری سازمانهای مدنی را با کار مجمع بررسی می‌کند.

سومین مسیر تازه، تکامل حضور سازمانهای مدنی در سازمان ملل به صورت یک هیأت دائمی است که نماینده نظرات جامعه مدنی باشد. این فکر در گزارش کمیسیون حاکمیت جهانی، برای ایجاد همبستگی به گونه‌ای اهمیت یافت که در آن تأسیس یک "مجمع مدنی" متشکل از



## سازمانهای اجتماعی

و

## سازمان ملل متحد

از: سیریل ریچی رئیس اتحادیه نهادهای بین‌المللی  
مترجم: سید جواد صالحی

سازمانهای مدنی و سازمان ملل همکاری می‌کنند تا جهان را بهتر مانوس‌تر پاکیزه‌تر و سالم‌تر سازند و همه مردم فرصت داشته باشند در محیطی معقول‌تر زندگی کنند. اینها که هدف سازمان ملل است؛ هدف سازمانهای مدنی نیز هست.

بازسازی تربیتی و فرهنگی، گسترش مرزهای علوم و تحقیقات و حمایت از قربانیان بلایای انسانی و طبیعی. این صورت می‌تواند طولانی‌تر باشد و در مورد نقش عوامل و نهادهای تابع سازمان ملل هم صادق باشد که منظومه‌ای یگانه از

سازمانهای مدنی بین‌المللی روز به روز نقش مهمتری در حیات ملی و بین‌المللی بازی می‌کنند. اینکار اعم است از ترویج دموکراسی، تضمین آزادیها و حقوق انسانی، حفظ محیط زیست، توسعه پایدار، برقراری معیارهای فنی و حرفه‌ای،

سازمانهای مدنی بین‌المللی روز به روز نقش مهمتری در حیات ملی و بین‌المللی بازی می‌کنند. اینکار اعم است از ترویج دموکراسی، تضمین آزادیها و حقوق انسانی، حفظ محیط زیست، توسعه پایدار، برقراری معیارهای فنی و حرفه‌ای، بازسازی تربیتی و فرهنگی، گسترش مرزهای علوم و تحقیقات و حمایت از قربانیان بلایای انسانی و طبیعی. این صورت می‌تواند طولانی‌تر باشد و در مورد نقش عوامل و نهادهای تابع سازمان ملل هم صادق باشد که منظومه‌ای یگانه از کوشش سازمان یافته بشری است و تلاش دارد وضع انسان‌ها را بهبود بخشد.

و تعهداتی پای بندند و به طور دسته جمعی تصمیمات از این نشست‌ها را می‌پذیرند. پایان کنفرانس‌ها، آغاز پی‌گیری هائی است که به کوشش‌های هماهنگ دولت‌ها، مردم و سازمانهای مدنی نیاز دارد.

این سازمانها در سطوح ملی و بین‌المللی در تشویق و در صورت نیاز یادآوری و اجبار - دولتها به اقدام برای اصلاح اجتماعات نقش حیاتی دارند زیرا که آنها در مجامع بین‌المللی تعهد کرده‌اند. در حال حاضر سازمانهای مدنی قبل از تصمیم‌گیریهای دولتی و ضمن آن و به خصوص بعد از آن عوامل مهمی به حساب می‌آیند.

تعداد سازمانهای مدنی در همه قاره‌ها بیش از پیش افزایش می‌یابد این توسعه از امید به آزادی و دموکراسی که امروزه به جامعه بین‌المللی و اکثر ملل عالم حیات می‌بخشد، جدا نیست.

سازمانهای مدنی در فعالیتهای روزمره خود قدرت تخیل، پشتکار و قابلیت زیادی از خود نشان می‌دهند. اینها لازم است کاملاً به مقولات منطقه‌ای و جهانی بپردازند و بنابراین لازم است با یکدیگر همکاری بیشتری بکنند، دربارهٔ پیروزی‌ها و شکست‌های خود اطلاعات بیشتری مبادله کنند و در تحقیق و آموزش سهم شوند. این اطمینان وجود دارد که اتحادیه بین‌المللی تعاون نقش رهبری خود را در جامعه مدنی به نفع انسان‌ها ادامه داده، و تثبیت خواهد کرد.



نمایندگان سازمانهای مورد وثوق مجمع

علاقه، بسیار سودمند باشد:  
الف: در نوسازی و تجدید حیات سازمان ملل لازم است نظرات سازمانهای ذیصلاح و مرتبط کاملاً در نظر گرفته شود. بسیاری از اندیشه‌های قاطع و بی‌گمان بسیاری از حسن نیت‌ها جهت دگرگونیهای سازنده از جانب سازمانهای مدنی می‌آید آنها که مشتاقانه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل معتقدند.

ب: نیاز مشابه به مشارکت سازمانهای مدنی در اجرای موافقت‌نامه‌ها، توافق‌ها، قطعنامه‌ها و برنامه هائی است که در کنفرانس‌ها و نشست‌های سسران در سازمان ملل به تصویب می‌رسد. دیگر کافی نیست که فرض دولتها به قول‌ها

عمومی پیشنهاد شده بود و هر سال پیش از اجلاس مجمع عمومی سالیانه تشکیل جلسه می‌داد. دانشگاه سازمان ملل در حال کار با شبکه‌های عمده سازمانهای مدنی است تا در سال ۱۹۹۹ کنفرانس جهانی سازمانهای غیردولتی را در ژاپن برگزار کند و انسجام متقابل برنامه‌های سازمانهای مدنی و منظومه سازمان ملل را بررسی کند. این کنفرانس راهنمایی طبیعی برای اجرای پیشنهاد دبیرکل سازمان ملل جهت هزاره مجمع مردمی در سال دوهزار خواهد بود.

به علاوه واضح به نظر می‌رسد که مناسبات محکم بین سازمانهای مدنی و سازمان ملل می‌تواند در دو زمینه مورد





## نگاهی به مهمترین نکات گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ سازمان ملل متحد

**کشورهای دارای رشد بلند مدت کند و توسعه انسانی بلند مدت شتابان، باید تقاضای منابع انسانی موجود را از راه سرمایه گذاری در فعالیتهای تولیدی سازگار با ترکیب مهارتهای جمعیت، افزایش دهند و به فعالیتهای مولد و مهارت طلب توجه بیشتری کنند.**

گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ از انتشارات برنامه «توسعه ملل متحد» با همکاری موسسه انتشارات دانشگاه آکسفورد می باشد که توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی و به قلم محمد حسسین ملایری در ۱۹۰ صفحه ترجمه شده است.

تهیه رشته انتشارات گزارش توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ آغاز شده و بدان منظور بوده که به اندازه گیری نادرست ترقی انسانها از طریق «رشد اقتصادی صرف» پایان داده و دیدگاه جدیدی از توسعه را که در آن «توسعه انسانی هدف

قرار گرفته و رشد اقتصادی وسیله و ابزار آن شناخته شده» ارائه کند. در این گزارش همچنین تاکید شده که نظرات منعکس شده در آن لزوماً نظر برنامه توسعه ملل متحد هیأت اجرایی یا دول عضو نیست.

اینک خلاصه نکات مهم:

۱) این گزارش ضمن بررسی و تحلیلی بر «محورهای توسعه در گذشته جهان» و تاکید آنها بر رشد اقتصادی صرف، نتایج عملکرد آن محورها را قطبی و طبقاتی شدن جهان ارزیابی کرده و چشم انداز آتی آنرا نیز بسیار اسفبارتر پیش بینی نموده و

ضمن ارائه تصویری از وضع جهان قطبی شده جهان و چشم انداز آینده آن، به این سؤال می پردازد که کشورها برای خود چه می توانند بکنند.

۲) این گزارش سپس تعریفی از توسعه انسانی و ابعاد آن ارائه داده و برای سنجش ترقی انسانها و نشان دادن برخی از ابعاد آن بطور کمی، شاخص هایی را در نظر گرفته و بر اساس این شاخص ها، وضع کشورها و مناطق مختلف جهان را از این زاویه نیز مورد بررسی قرار داده و کشورها را براساس آن طبقه بندی کرده است. پارامترهایی که در این شاخص ها بکار رفته اند عبارتند از:

وضع سواد و تحصیلات، تأثیر بهداشت و تغذیه در تندرستی و میزان امید به زندگی، میزان اشتغال، نسبت زنان و مردان در تصدی کرسیهای پارلمانی و میزان سرانه تولید ناخالص داخلی برای زنان و مردان.

فعلاً چهار شاخص ارائه شده است (شاخص توسعه انسانی، شاخص توسعه انسانی بر مبنای جنسیت، شاخص توان بخشی یا توسعه برابری زن و مرد و معیار فقر قابلیت) که در همه اینها، «سرانه تولید ناخالص داخلی» تنها یکی از عوامل و پارامترهای تعیین کننده بوده و بهمین دلیل نیز طبقه بندی آنها براساس سرانه تولید ناخالص داخلی عمدتاً «متفاوت» شده است. ضمیمه شماره (۳)، توضیحات بیشتری در مورد ابعاد و شاخص های توسعه انسانی ارائه داده و ضمیمه شماره (۴) نیز بطور مختصر وضع جهان را از نظر «توسعه انسانی» ترسیم کرده است.

۳) رابطه رشد اقتصادی و توسعه

انسانی «نتیجه گیری»

گزارش ۱۹۹۶ به تفصیل وضع کشورها و مناطق جهان از نظر رشد اقتصادی و توسعه انسانی و نتایج آنرا مورد مقایسه قرار داده و با بررسی علل و عوامل موثر در پیشرفت هریک و همچنین با انجام مطالعات

اقتصادسنجی، نظریات «سیمون کوزنتس» (برنده جایزه نوبل) و «نیکولاس کالدور» را که اولی معتقد به «کاهش خودبخودی نابرابریهای اقتصادی اجتماعی» بعد از یکدوره رشد اقتصادی بوده و دومی معتقد بوده که تنه‌راه تامین مالی رشد، تشویق و حمایت از سرمایه‌داران ثروتمند است «چون تنها اینان می‌توانند وجوهی را برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند» را کاملاً و قاطعانه «رد» کرده و نتیجه‌گیری‌هایی و طی اعلام نتایجی که خلاصه آنها به شرح زیر است نظرات خود را بیان داشته است:

الف- رشد اقتصادی بطور خودکار و خودبخودی به توسعه انسانی تبدیل نمی‌شود و هیچ رابطه خودبخودی بین این دو وجود ندارد.

ب- تشویق و حمایت از سرمایه‌داران ثروتمند برای جلب سرمایه‌های آنها، راه مناسب رشد نیست.

در مواقعی که سیاست‌گزاران مفتون کمیت رشد شده و به ساختار و کیفیت رشد توجه نمی‌کنند و دولت‌ها اقدامات سیاست‌گذاری ویژه و تصحیحی به موقع انجام نمی‌دهند امکان رشد اقتصادی سریع اما نامتعادل، یکطرفه، ناقص، رشد ظالمانه که ثمره رشد را عاید داراها می‌کند، رشدی که سبب نابودی هویت فرهنگی می‌شود، رشدی که با روند قدرت دادن به مردم همراه نیست و رشدی که موجب نابودی منابع نسل‌های آینده شود وجود دارد.

اینگونه رشد که نابرابریها را تداوم بخشد پایدار نیست و ارزش‌پایداری را هم ندارد. محور اصلی این سیاستها و اقدامات دولت‌ها در تامین رشد اقتصادی همراه با توسعه انسانی، بجای جلب حمایت سرمایه‌داران، نگاه دولت به عامه مردم و ایجاد اشتغال کامل، تامین امنیت معیشتی، آزادی و توان بخشی به قابلیت‌ها توزیع برابانه مزایا و مکانات و حتی اولویت دادن به ضعفها به منظور قابلیت یکسان رساندن آنها با

سایرین، ایجاد همبستگی و تعاون اجتماعی و حفظ محیط زیست بمنظور پاسداری از توسعه انسانی آینده می‌باشد.

ج- پیشرفت یکسویه در توسعه انسانی نیز امکان‌پذیر است اما بدون رشد اقتصادی بیشتر، پایدار نیست. در هر حال توسعه انسانی و رشد اقتصادی باید با هم پیش بروند و قویاً در ارتباط با هم باشند. ضمیمه شماره (5) توضیحات بیشتری در مورد رابطه رشد اقتصادی و توسعه انسانی ارائه داده است.

#### ۴- خلاصه پیشنهادات

گزارش ۱۹۹۶ در پاسخ به این سوال که کشور برای خود چه می‌تواند بکنند و وظیفه جامعه جهانی در این راستا چیست نهایتاً توصیه‌های کرده که بطور خلاصه ذکر می‌شود:

الف- کشورهایی که طی سالیان اخیر دارای رشد سریع (باجداقل ۲٪ در سال) و توسعه انسانی باروندی کند بوده‌اند باید توزیع و تخصیص منابع عمومی و خصوصی را برابر کرده و بر الگوهای مشارکتی‌تر و اشتغالزا تاکید کنند.



ب- کشورهای دارای رشد بلند مدت کند و توسعه انسانی بلند مدت شتابان، باید تقاضای منابع انسانی موجود را از راه سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی سازگار با ترکیب مهارتهای جمعیت، افزایش دهند و به فعالیتهای مولد و مهارت طلب توجه بیشتری کنند.

ج- کشورهای با رشد اقتصادی و توسعه انسانی ضعیف باید تلاش کنند تا از راه سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی، رشد را ایجاد و به آن شتاب دهند، بخصوص به توسعه تحصیلات و مهارتها بپردازند.

د- کشورهای با رشد اقتصادی و توسعه انسانی قوی باید توجه بیشتری به توسعه انسانی کنند از جمله کاهش فقر، حقوق بشر، محیط زیست و باز تولید.

ه- سه گروه از کشورها (کشورهایی که از نظر توسعه انسانی در سطح پایینی قرار دارند، کشورهای سوسیالیستی سابق، طیف میانی کشورهای در حال توسعه) بعد از افت اقتصادی دهه ۱۹۸۰ به رشد اقتصادی به سرعتی نیاز دارند.

و- دو گروه از کشورها (کشورهای در حال توسعه و برخوردار از رشد سریع و کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) به بهبود کیفیت رشد و تداوم آن - نه افزایش نرخ رشد - باید اولویت دهند.

ز- در هر حال سیاست‌گزاران در هر جا که هستند باید بر تقویت پیوندهای میان رشد اقتصادی و توسعه انسانی بپردازند. ایجاد رابطه قوی بین ایندو مستلزم بکارگیری استراتژی زیر است که به عنوان و رشد اشتغالزا شهرت دارد:

- تعهد روشن سیاسی به اشتغال کامل بعنوان هدف (نه وسیله)

- سرمایه‌گذاری فشرده در تحقیق و توسعه برای تکنولوژی‌کاربر

- تقویت توانائیهای انسانی شامل تحصیلات، بهداشت، مهارتهای فنی و حرفه‌ای

## همه کشورهای کمتر توسعه یافته به سرانه نرخ رشد حداقل ۳ درصد در سال نیاز دارند.

- وجود دولت صالح که اولویت را به نیازهای تمامی جمعیت و عامه مردم بدهد، به موقع به آنها یاری رساند و مشارکت آنها را در سطوح تصمیم گیری جلب کند.

- گسترش فرصت های کسب درآمد و بکارگیری الگوهای رشد اشتغالزا یا ایجاد کار مولد با مزدهای بالا

- هموار کردن دسترسی مردم بخصوص ضعفا به داراییها مولد مثل زمین، زیر بناهای فیزیکی و تسهیلات مالی

- برابری در تخصیص مزایا و منابع، فرصت های اقتصادی و تولید ناخالص داخلی و حتی اولویت دادن به ضعفا بمنظور رساندن آنها به قابلیت های یکسان با سایرین (گستراندن فرصت ها برای گروه های محروم)

- دسترسی گسترده تر و برابرانه تر کشاورزان به زمین، کوچک کردن اراضی به جای بزرگ و یکپارچه سازی آن

- تقویت و حمایت ویژه از بخش تولید و خدمات خردده پای، خوداشتغالی و واحدهای کوچک تولیدی و خدماتی (کمتر از ۱۰ نفر)

- رعایت برابری جنسیتی، ایجاد فرصت های عادلانه برای زنان در تحصیلات، اشتغال و.....

- اولویت دادن به مصرف و هزینه های اجتماعی خاصه خدمات اجتماعی اولیه و همگانی

- سرمایه گذاری بادوام در اموری که موجب محور قرار گرفتن مهارت ها و افزایش مزدها و بهره‌وری میشود

- مداخله آگاهانه دولت در بازارکار و اعمال مشوقهای اشتغالزا، یاری دادن به مردم در انطباق آنها با بازارهای کار در حال تغییر و انطباق بازارهای کار با

نیازهای انسانی، طرحهای یارانه ای اشتغال از بودجه عمومی مفیدند.

- اقدام جمعی مردم و حکومت، وجود یک جامعه مدنی فعال با سازمانهای غیر دولتی فعال در جامعه.

ح- باید تشکلهای تازه اقدام بین المللی به مورد اجرا دراید و سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و گات، باید این اقدامات را مشترکاً تعیین کند.

- اقدامات جدیدی در حمایت از کشورها در رسیدن به اشتغال کامل و بازبینی و تجدید نظر در روند اشتغال نزد ایشان و از جمله اقدامات چند جانبه و دو جانبه موثر در امر حل و فصل بدهی خارجی این کشورها بعمل آید کمکهای سرمایه گذاری خارجی با هدف اشتغالزایی و همچنین کمکهای اصلاحی با پشتوانه منابع امتیازی، دستیابی به بازارهای صادراتی غالباً از راه ترجیحات تجاری بازرگانی نیز در زمره همین اقدامهاست.

- یک کمیته جهانی به بررسی و توصیه اقدامهای بین المللی در امر سیاستگذاری ملی و اقدام در مسیر اشتغال کامل بپردازد.

ط- یک شبکه ایمنی جهانی ایجاد شود تا کشورهای دارای توسعه انسانی پایین را طی ۱۰ سال به سطوح میانی ارتقاء دهد.

مراقبت بسیار بالا و گزارش وضعیت فقیرترین و کم توسعه یافته ترین کشورها دستکم تا حصول رشد سریع در توسعه انسانی و درآمد و همچنین حمایت جدی و بی وقفه از کشور کمتر توسعه یافته ای که برای توسعه انسانی گسترده و استوار برنامه ریزی کرده است ضروری است.

این کمکها غالباً با تجدیدنظر ریشه ای در مدیریت داخلی اقتصاد این کشورها باید همراه باشد.

کشورهای ثروتمند می تواند مجموعه ای از منابع را ارائه کنند و برای خدمات اولیه اجتماعی یک پوشش جهانی ایجاد کنند.

همه کشورهای کمتر توسعه یافته به سرانه نرخ رشد حداقل ۳ درصد در سال نیاز دارند.

محورهای توسعه در گذشته و حال جهان (۱) تا قبل از دهه ۱۹۶۰ محور توسعه در

جهان، «رشد اقتصادی صرف» بود یعنی اعتقاد بر این بود که نهایتاً منافع حاصل از رشد در سطحی گسترده توزیع می شود و ضمن رشد، نابرابری کاهش می یابد. (نظریه سیمون کوزنتس) اعمال این نظریه موجب بی عدالتی و افزایش چشمگیر بیکاری پنهان و آشکار مردم و عواقب اسفبار آن شد و همین موارد موجب تجدیدنظر در محور توسعه شد زیرا از اغلب کشورهای در اوج و فور، کیفیت زندگی مردم بهتر نشد.

(۲) از دهه ۱۹۶۰ به بعد، اشتغال رسمی (ایجاد واحدهای بزرگ و یکپارچه) محور توسعه قرار گرفت. در این تز نیز اشتغال

تهی دستان فراموش شد. کار همراه با بهره‌وری کم بطور غیررسمی متداول شد و رشد کرد. مزدهای کم و ساعات کار زیاد

برای اکثر مردم که در مشاغل غیررسمی فعال بودند ارمغان این عملکرد بوده است. دستفروشها، کارگران فصلی و موقتی، تولیدکنندگان و حرف و مشاغل خرده‌پا و

کوچک در این دسته قرار گرفته اند. اینگونه افراد معمولاً دسترسی کافی به تسهیلات اعتباری، سازمانهای بازار و مبادله های

کاری نداشتند. در مناطق روستایی نیز نظام نابرابر مالکیت زمین حاکم بود. در این دوره مساله مهم در کشورهای در حال

برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۰ دست به یک اقدام اساسی زد و دیدگاه جدیدی از توسعه را در اولین گزارش توسعه انسانی (گزارش ۱۹۹۰) ارائه نمود که در آن توسعه انسانی هدف قرار گرفته و رشد اقتصادی وسیله و ابزار آن شناخته شده است. در هر حال توصیه شده که از این پس انسان تحصیل کرده، تندرست و تامین شده و آزاد هدف توسعه قرار گیرد و نه رشد اقتصادی.

توسعه، عدم اشتغال نبود بلکه نبود مشاغل مولد و مزدگیری مطلوب بوده است. در هر حال مشکلات ایجاد شده موجب شد تا محور بحث توسعه از «اشتغال رسمی» به «توزیع درآمدها» بچرخد.

(۳) در نیمه دهه ۱۹۷۰ رهیافت صریحتری با عنوان «نیازهای اساسی» باب شد که تامین وسایل اساسی رفاه همه مردم (غذا، بهداشت، تحصیل) مورد تاکید قرار میگرفت. نیازهای اساسی بعداً هدف توسعه قرار گرفت. نیازهای اساسی سه بخش عمده داشت: ۱- اهمیت فزاینده درآمد از راه تولید کاربرد برای کشورهایی که مازاد نیروی کار دارند. ۲- دادن نقش کلیدی به خدمات عمومی (آموزش و پرورش و بهداشت همگانی و...) ۳- جلب مشارکت مردم، یعنی درآمد + خدمات عمومی + مشارکت = نیازهای اساسی. متأسفانه دولت‌ها عملاً تنها به «خدمات عمومی» پرداختند و دسترسی جامعه و بخصوص تهی‌دستان به درآمدها و اعتبارات مولد میسر نشد. آهنگ رشد کند شد، بحران بدهی خارجی و وخیم‌تر شدن شرایط داد و ستد جهانی سایه افکنده بود و تاکید بر خدمات عمومی بدون جلب مشارکت مردم و تولید کاربرد و بدون جلب مشارکت مردم موجب کسری بودجه‌های شدید در کشورها شده بود. همین مشکلات موجب شکست این استراتژی شد.

(۴) از اوایل دهه ۱۹۸۰، «ثبات سازی» محور توسعه شد. اقدامات ثبات سازی که عمدتاً از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی دنبال می‌شد با هدف رفع

کسری بودجه و کاهش تراز بازرگانی معمولاً به قطع بودجه هزینه‌های عمومی، کاهش مزدها و افزایش نرخ بهره منجر می‌شد. بازگرداندن رشد به ندرت محقق شد و خلاصه اینکه «غالباً با نامتعادل کردن زندگی مردم، بودجه را متعادل کردند». ادامه این روند مشکلاتی ایجاد کرد و دیری نپائید که تاکید سیاست‌گزاران متوجه «تعدیل بلندمدت» شد.

(۵) بعد از ثبات سازی، دوران اعمال سیاستهای تعدیل آغاز شد یعنی قرار گرفتن دوباره اقتصاد کشورهای در حال توسعه در راستای خطوط بازار آزاد به شیوه‌ای بنیادین. این امر مستلزم کاهش نقش دولت، حذف یارانه‌ها، آزادسازی قیمت‌ها و کشورها اقتصادها به روی جریان سرمایه و داد و ستد بین‌المللی بود. طی فرایند کلی آزاد سازی، تعدیل و خصوصی‌سازی، توجه به فقرا به حاشیه رانده شد.

سیاست‌گزاران همچون دوره قبل از دهه ۱۹۶۰ بر این عقیده شدند که حتی افزایش فقر در کوتاه مدت بهایی است که جامعه باید در ازاء ثبات و رشد بلندمدت بپردازد.

(۶) با توجه به اعتراضات جهانی نسبت به سیاستهای تعدیل و شکست این سیاستها در اغلب کشورها، زمینه برای ورود به «توسعه انسانی» فراهم شد. برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۰ دست به یک اقدام اساسی زد و دیدگاه جدیدی از توسعه را در اولین گزارش توسعه انسانی (گزارش ۱۹۹۰) ارائه نمود که در آن توسعه انسانی هدف قرار گرفته و رشد اقتصادی وسیله و

ابزار آن شناخته شده است. در هر حال توصیه شده که از این پس انسان تحصیل کرده، تندرست و تامین شده و آزاد هدف توسعه قرار گیرد و نه رشد اقتصادی. ضمیمه شماره ۲:

### الف - تصویری از وضع گذشته و موجود جهان قطبی شده از نظر اقتصادی

(۱) جهان بیش از هر زمان دیگر قطبی شده است و شکاف میان دارا و نادار جهان از هر زمان در طول تاریخ بیشتر شده است. (۲) کشورهای در حال توسعه با در اختیار داشتن ۸۰ درصد از جمعیت جهان تنها معادل ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان (در ۱۹۹۳) را بخود اختصاص داده‌اند در حالیکه سهم کشورهای صنعتی ۷۸ درصد بوده است.

(۳) در سال ۱۹۹۱ بیش از ۸۵ درصد جمعیت جهان، تنها ۱۵ درصد از درآمد را دریافت کرده است.

(۴) در فاصله سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ (۱۱۰ سال) تولید جهانی ۱۱ برابر شده است در حالیکه میزان تولید در کشورهای صنعتی ۳۰ برابر و در کشورهای غیرصنعتی ۵ برابر شده است!

در فاصله مذکور درآمد سرانه خالص جهان ۵ برابر شده در حالیکه این معیار برای کشورهای صنعتی ۱۱ برابر و برای سایر کشورها تنها ۲ برابر شده است.

(۵) نسبت مردم جهان که از رشد حداقل ۳ درصد برخوردار شده‌اند از ۵۴ درصد (۱۹۸۰ - ۱۹۶۵) به ۳۷ درصد (در ۱۹۹۳ - ۱۹۸۰) کاهش یافته است. درصد مردمی که از رشد بیش از ۵ درصد در سال بهره



کندوکای در:

## جهان اقتصاد

سرمایه اجتماعی در موفقیت توسعه انسانی در بسیاری از کشورها نقش مهمی بر عهده داشته است. در سوئد، دهها ترکیب موفقیت‌آمیز رشد اقتصادی و پیشرفت در رفاه انسانی، بر پایه اجماع بخش‌های متعدد جامعه و از جمله کلیسا، اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان، حزب‌های سیاسی و دولت بنا شده است. در ژاپن پیشرفت خارق‌العاده ۳۰ سال گذشته عمیقاً در سنت‌های اجتماعی همکاری و تعاون ریشه دارد. در سایر کشورها تجربه تا بدین حد با توفیق رو به رو نبوده است: بخشی از علل فروپاشی اتحاد شوروی را می‌توان نبود «فضای مدنی» کارآمد خارج از نظام دولتی دانست.

اعتماد متقابل تنظیم شد و مشاجرات کارگر - کارفرما بسیار اندک بود. کارگران از امنیت شغلی قابل توجهی برخوردار شدند و گسایش آنها به دگرگونی تکنولوژیکی را مثبت‌تر ساخت و این نکته در بالا بردن بهره‌وری از اهمیتی خاص برخوردار است.

اکنون با رشد رو به کنده و افزایش رقابت در اقتصاد جهانی روبه رو شده‌اند و نظام‌هایی که در ۴۰ سال آن‌قدر خوب کار کرده‌اند زیر فشار قرار دارند. در هر دو کشور یارانه‌های عمومی را باری تحمیلی و فزاینده تلقی می‌کنند: این یارانه‌ها در ژاپن به درآمدهای کشاورزان و در سوئد به دولت

یافت. اما سوئد و نروژ شیوه‌های توزیعی متفاوتی را دنبال کردند. سوئد به توزیع مجدد درآمدها و ساز و کارهای دولت رفاه روی آورد. ژاپن از راه باز توزیع زمین و ثروت و بعد حمایت کشاورزان خردپا و و ارتقاء و بهبود شرکت‌های کوچک به رکورد مزبور دست یافت.

در هر دو کشور، نظم اجتماعی از اشتغال حمایت کرد. این کار از راه اجماع اتحادیه‌های کارفرمایان و کارگران، دولتمردان و مدیران دولتی، شرکت‌های بزرگ و کوچک، تجار و بازرگانان خصوصی و دولتی صورت گرفت. روابط کارفرما - کارگر با تعهدات و

سوئد و ژاپن: رکورد داران در رویارویی با چالش‌های تازه

سوئد و ژاپن از نظر تداوم رشد در میان کشورهای صنعتی رکورد دارند. این دو کشور در زمینه دیگری نیز صاحب رکورد هستند. و طی ۴۰ سال گذشته کم‌ترین درصد عدم اشتغال یعنی ۳ درصد را داشته‌اند. در هر دو کشور از سیاست اشتغال‌جانبداری می‌شود و نمی‌گذارند این مسئله تابع فرار و نشیب‌های رشد و چرخه‌های فعالیت اقتصادی گردد.

سیاست‌گذاری اشتغالی این دو کشور، سنگ بنای رشد برابر بود. در هر دو کشور ضریب جینی پایه پای افزایش رشد اقتصادی کاهش



رفاه اختصاص دارد. بیکاری در دو کشور رو به افزایش است. در سوئد از ۱/۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۸/۲ درصد در سال ۱۹۹۵ و در ژاپن به رقم ۲/۴ درصد در دسامبر ۱۹۹۵ رسیده است. این رقم در تاریخ بعد از جنگ جهانی ژاپن بی سابقه است. قانون بازی در حال دگرگونی است. در سوئد محدودیت‌ها علیه اخراج کارگران زائد کنار گذاشته شده و اخراج انبوه کارگران حتی از خدمات دولتی متداول می‌شود. در ژاپن شرکت‌ها در حال تجدید نظر در روابط خود با شرکت‌های کوچک عرضه کننده به نفع واردات خارجی‌اند. نظام استخدام مادام‌العمری نیز در معرض فروپاشی و سایش قرار دارد.

انگیزه تغییر فقط از ناحیه جابه‌جایی در جو اقتصادی نیست سؤالاتی که گاه مردم در رابطه با راه و رسم زندگی مطرح می‌سازند نیز در این قضیه بی‌تاثیر نبوده است. آیا نباید زمان فراغت را افزایش داد؟ آیا زنان سوئدی برای مراقبت فرزندان باید متکی به دیگران باشند؟ آیا مردان ژاپنی نباید برای خانواده خدمات بیشتری انجام بدهند؟ در الگوهای جدید شاید بهتر آن باشد که برابری، رشد و توسعه انسانی بیشتر حول محور سبک‌های زندگی بنا شود و تا بر پایه رشد اقتصادی.

منبع: دووریلدر ۱۹۹۵ ایشکاوا ۱۹۹۵، اینو

**مزرعه‌های کوچک: اشتغال، فرآورده زیادتیر**

مزرعه‌های کوچک در استفاده کارآمدتر از منابع بهتر از مزرعه‌های بزرگ عمل می‌کنند. این

گفته دارای یک پیامد مشهور در سیاستگذاری است: باید استراتژی توسعه کشاورزی را با هدف پیشبرد مزارع کوچک به جای مزرعه‌های بزرگ تدوین کرد تا به هدف‌های رشد و توزیع کمک شده باشد.

شواهد کشورهایی مثل برزیل و هند مؤید رابطه معکوس میان اندازه مزرعه با فرآورده و کار هر واحد مزرعه است. برآورد زراعی در شمال خاوری برزیل نشان داده است مزارع بین صفر تا ده هکتار در هر هکتار ۸۵ دلار تولید داشته درحالی‌که در بزرگترین مزرعه‌ها که بیش از ۵۰۰ هکتار مساحت داشتند، برون داده ناخالص در هر هکتار ۲ دلار بوده است. برآوردها در هند نشان می‌دهد در مزرعه‌های بین صفر تا ۵ جریب، هر جریب ۷۲۷ روپیه برون داده دارد و مزرعه‌های بالای ۲۵ جریب هر جریب ۳۴۶ روپیه برون داده دارد. عامل تعیین‌کننده در این رابطه معکوس نحوه کارکرد عوامل بازار خاصه بازارهای کار روستاهاست مهم‌ترین دلایل این رابطه معکوس عبارتند از:

استفاده فشرده از زمین: پایه پای افزایش مساحت زمین، از نسبت زمینی که مورد استفاده مولد قرار می‌گیرد کاسته می‌شود.

**فشار کار:** میان اندازه مزرعه و میزان کار به کار رفته در هر واحد مزرعه رابطه معکوس وجود دارد. در مزرعه‌های کوچک هزینه فرصت کار پایین است زیرا کار خانواده با قیمت نسبتاً بالای زمین و سرمایه ترکیب می‌شود. در حالیکه در مزرعه‌های وسیع قیمت

بالای هزینه‌های کار اجیری با قیمت نسبتاً پایین زمین و سرمایه ترکیب می‌گردد. به دلیل این تفاوت‌ها در قیمت‌های عوامل نسبی، در مزرعه‌های کوچک بیش از مزرعه‌های بزرگ در کنار استفاده می‌شود و در مزارع بزرگ از زمین به عنوان منبع نسبتاً فراوان بهره‌گیری می‌شود و ماشین جای کارگر را می‌گیرد.

کشاورزان مزرعه‌دار کوچک در صورتی که زمین یا وام را با قیمت منطقی به دست آورند باز هم مولدتر عمل می‌کنند. آنها با مقادیر نسبتاً اندک منابع غیرکاری در کسب برون داده بیشتر استفاده می‌کنند. برعکس در مزرعه‌های وسیع مقادیر بزرگی سرمایه باید به کار گرفته می‌شود تا با استفاده از تکنولوژی ماشینی به همان میزان افزایش در تولید دست یابند و چون سرمایه از منابع کمیاب است از نظر اجتماعی این یک گزینه ناکارآمد در امر افزایش بازدهی کشاورزی به حساب می‌آید.

در پاره‌ای از کشورها یکی از پیش شرط‌های پیگیری استراتژی روی آوردن به مزرعه‌های کوچک، تغییر بسیار گسترده و انبوه در ساختار مالکیت زمین است. از آن جا که مالکیت خصوصی بر زمین به جانب املاک بزرگ میل دارد هر قدر هم در مالیات‌ها با قیمت‌های نسبی دخل و تصرف صورت گیرد نمی‌تواند تخصیص زمین به سوی املاک کوچک‌تر را عملی سازد.

به تدریج که املاک بزرگ به مزرعه‌های کوچک‌تر تجزیه می‌شود نه تنها کار خانوادگی به ازای هر هکتار می‌تواند سریعاً

سرمایه اجتماعی علاوه بر نقشی که در زندگی جمعی دارد از نفوذ تاثیر گسترده‌ای برخوردار است یعنی بر تمامی فرایندهای دولتی تاثیر می‌گذارد: اگر نهادهای ملی و محلی ریشه محکمی در هنجارها و ارزش‌های مشترک داشته باشند به احتمال زیاد به شیوه‌ای باز و شفاف اداره می‌شوند و امکان فساد و عدم کارایی بسیار کار می‌شود.

کالاهای کاربر، تجارت آزاد و سیاست‌های صادراتی مسیر تازه‌ای را دنبال می‌کند. از جمله این سیاست‌ها، شناسایی محورهای برون داده صنعتی و اشتغال، حذف مقررات دست و پاگیر تجاری و تشویق سرمایه‌های خارجی و رشد بعدی بخش غیردولتی است.

پیامدهای این سیاست‌گذاری‌ها واضح است، سهم صنایع کاربر در جمع صادرات از ۳۶ درصد در ۱۹۷۵ به ۷۴ درصد در ۱۹۹۰ رسید و سهم صنایع سرمایه‌بر از ۵۰ درصد با ۱۹ درصد کاهش یافت. اشتغال رشد چشمگیری داشت. در فاصله سال‌های ۱۹۸۵ - ۱۹۹۲ اشتغال در صنایع بافندگی ۲۰ درصد، در پارچه و الیاف ۴۲ درصد و فرآورده‌های پلاستیکی ۵۱ درصد افزایش یافت. چین هم‌اکنون از بزرگترین صادرکنندگان فرآورده‌های کاربر به بسیاری از کشورهای صنعتی است.

دولت نقش فعالی در بازار کار داشته به کارگران در افزایش مهارت یاری داده، در اشتغال مجدد آنان را کمک کرده و بر میزان خدمات اشتغال افزوده است. در طرح بیمه بیکاری هم‌اکنون ۹۵ میلیون کارگر شرکت دارند و حدود  $\frac{1}{3}$  آنان که رسماً بیکارند از مزایای بیمه استفاده می‌کنند.

چین با وجود پویایی زیاد در اشتغال‌زایی هم‌اکنون با چالش

یعنی از ۹۵ میلیون به ۱۵۹ میلیون رسیده است. در مناطق روستایی افزایش سالانه ۲/۵ درصد بوده یعنی از ۲۰۶ میلیون به ۲۴۳ میلیون رسیده است.

با برداشته شدن محدودیت‌های کسب و کار، بسیاری از اشتغال‌های جدید در بخش خصوصی صورت می‌گیرد. بنابه گزارش منابع غیررسمی  $\frac{1}{3}$  همه مشاغل به بخش خصوصی شهری تعلق دارد. این بخش به زودی جای دولت را به عنوان منبع عمده اشتغال در چین می‌گیرد.

اصلاحات به نفع اشتغال در روستاها بوده و خاصه به گسترش شرکت‌های گسترش شهرک‌ها و روستاها بر میزان اشتغال افزوده شده است. در فاصله سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۲، سهم این شرکت‌ها در تولید ناخالص صنایع ملی از ۱۲ درصد به ۲۹ درصد رسیده و در سال ۱۹۹۵ شرکت‌های شهرک‌سازی و سایر فعالیت‌های وابسته تقریباً ۳۵ درصد مشاغل روستاها را به وجود آوردند.

در مناطق روستایی و شهری، افزایش میزان فرآورده و اشتغال عمدتاً ناشی از گسترش صنایع کاربر است. طی ۳۰ سال قبل از اصلاحات، اغلب سرمایه‌ها در تولید سرمایه بر هزینه می‌شد. اما از دهه ۱۹۷۰، چین با در پیش گرفتن سیاست‌های تغییر ساختار تولیدی و سرمایه‌گذاری به نفع

افزایش یابد بلکه کار اجیری نیز همین حالت را دارد. آنان که از برنامه اصلاحات ارضی و تقسیم زمین سود می‌برند غالباً کار خانوادگی را از بازار کار به مزرعه‌شان سوق می‌دهند. بنا به هر دو دلیل، موقعیت اشتغالی حتی برای کسانی که از اصلاحات ارضی زمینی عایدشان نمی‌شود بهتر می‌شود.

جمع‌بندی: استراتژی توسعه کشاورزی حول محور زمین‌های کوچک به جای املاک بزرگ، ضمن افزایش کارایی اجتماعی استفاده از منابع در کشاورزی، برابری اجتماعی را از طریق اشتغال‌زایی بهبود می‌بخشد و هر قدر مزرعه‌ها کوچک‌تر باشند توزیع درآمدها به نحو برابری صورت می‌گیرد.

منبع: الیس ۱۹۹۳، لیون ۱۹۹۵، بری و کلین ۱۹۷۹

### چین: اقتصاد نو، مشاغل نو

تا دهه ۱۹۸۰ عملاً بیکاری در چین وجود نداشت. بعد از سال ۱۹۷۹ و اوج اصلاحات اقتصادی، معلوم شد تا نیمی از نیروی کار بعضی مناطق روستایی بیکارند یا اشتغال ناقص دارند. در سال ۱۹۷۹ در مناطق شهری ۲۵ میلیون بیکار وجود داشت. از آن زمان چین با وارونه کردن روند سیاست‌های دیرینه به استراتژی رشد اشتغال‌زا روی آورده است. بین سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۹۳ سالانه ۳۷ درصد بر میزان اشتغال شهری افزوده شده

هنگامی که مردمی طی مدت طولانی در کنار هم زندگی می‌کنند هنجارها و ارزش‌ها و باورهای مشترکی را پرورش می‌دهند که موجب غنای زندگی و کارشان می‌شود. آنها دارای سرمایه اجتماعی‌اند. این سرمایه مکمل سرمایه فیزیکی و انسانی است و آنها می‌توانند به شیوه‌ای کارآمدتر از سرمایه‌های مزبور استفاده و آنها را اداره کنند. هزینه‌های معاملات سودگرانه را پایین می‌آورد و محیطی به وجود می‌آورد که در آن سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و اشتغال امکان رشد دارد. بدین ترتیب در رشد اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند.

وحشتناک اشتغال رو به روست. اصلاحات اقتصادی، موجی از «جمعیت شناور» یعنی حدود ۸۰ میلیون بیکار به وجود آورده و اغلب اینان در جستجوی کارند. بنا به برآورد کمیسیون برنامه‌ریزی دولتی طی ۵ سال آینده ۲۰ میلیون کارگر از مؤسسه‌های دولتی اخراج خواهند شد و ۱۲۰ میلیون نفر هم روستاها را به امید یافتن کار در شهرها رها می‌سازند. رشد اقتصاد کاربر باید با آهنگی پرشتاب ادامه یابد تا همه مردم بتوانند مشغول کار شوند.

منبع: زانک ۱۹۹۵

### کره جنوبی: توسعه انسانی به تقویت رشد مبتنی بر برابری منجر می‌شود

پشتوانه رشد سریع کره جنوبی در توسعه انسانی، تقویت متقابل رشد آموزش و پرورش، و فرصت‌های اشتغالی قرار داشته است. تا اوایل دهه ۱۹۶۰ کره کشور فقیری وابسته به کمک‌های خارجی و رشد سریع جمعیت بود. اما در دهه ۱۹۸۰ تولید ناخالص داخلی به سطح درآمد متوسط رسید. رشد

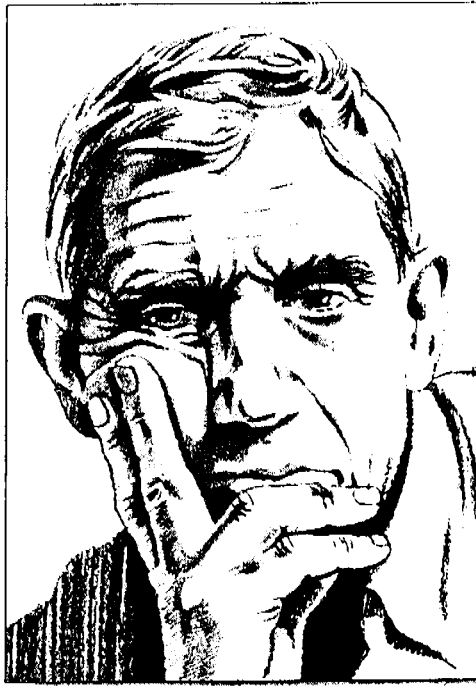
آن سالی ۹/۲ درصد بود که به برکت استراتژی درست صادراتی، پس‌انداز در سطح بالا نرخ سرمایه‌گذاری بالا و کنترل گسترده دولت بر کار و اقتصاد حاصل شد.

تمرکز کره جنوبی بر آموزش و پرورش از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد در سال ۱۹۴۵ تنها ۱۳ درصد بزرگسالان به مدرسه رفته بودند و تحصیلاتی داشتند. در سال ۱۹۶۰ نرخ دانش‌آموزان ابتدایی ۵۶ درصد و متوسطه به ۲۰ درصد رسید. بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰ بر تعداد سال‌هایی که بچه‌ها در مدرسه می‌مانند به طور متوسط ۵ سال افزوده شد. این بزرگترین رقم افزایش در جهان بود و میانگین سال‌های مدرسه دانش‌آموزان را به ۹/۹ سال رسانید که حتی از نرخ مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی فراتر می‌رفت. در کیفیت آموزش و تحصیلات نیز پیشرفت‌های بزرگی حاصل شد. در آزمون‌های جهانی، دانش‌آموزان

کره‌ای بالاترین نمره‌ها را می‌گرفتند.

چرا پیشرفت در آموزش و پرورش با این جدیت پیگیری می‌شد؟ در جامعه بعد از جنگ در کشوری با جمعیت همگن (تفاوت‌های اندک نژادی، فرهنگی یا زبانی) پدر و مادرها متوجه شدند که تحصیلات برای فرزندانشان بهترین وسیله رسیدن آنها به منزلت و تحرک اجتماعی است، آنها آماده بودند هزینه این را بپردازند. سهم بزرگی از زیربنا و هزینه‌های جاری کشور با کمک حکومت نظامی ارتش ایالات متحد آمریکا (با پرداخت حدود ۲/۳ هزینه‌های مدارس ابتدایی) و سپس با کمک‌های خارجی تامین شد. اما باز هم یک بخش عمده هزینه‌ها را پدر و مادران می‌پرداختند. از دهه ۱۹۶۰ به بعد فشار برای استقرار اقتصادی صادراتی افزایش یافت. برای مشاغلی که به تحصیلات بالا نیاز داشت حقوق بیشتری پرداخت می‌شد.

دولت از طریق گسترش کارآموزی حرفه‌ای نیز نقش خود



## برای ایجاد انضباط شغلی چه می توان کرد؟

دکتر غلامعلی سرمد

وقت‌شناسی، صداقت، درستکاری، عدالت و دیگر ویژگی‌های شخصیتی و رفتار مدیران در زیردستان تأثیرهای متعددی بر جای می‌گذارد که یکی از آنها انضباط شغلی است.

شایسته است بیش از تنبیه، از عامل تشویق استفاده شود تا کسانی که تشویق نمی‌شوند، عملاً احساس کنند که تنبیه شده‌اند.

البته هیچکدام تمامی مطلب را نمی‌رساند، بلکه هر کدام به بخشی از واقعیت اشاره دارد. در عین حال، چنانچه بتوان بین تمام این روشها نوعی تلفیق ایجاد کرد، شاید بتوان به برقراری نوعی انضباط مطلوب نایل آمد. این روشها بدین شرح است.

ضرورت رعایت انضباط کاری امری واضح است، زیرا چنانچه نظم و ترتیب یا انضباط در کار نباشد، تمامی اقدامات مدیریت و سازمان به هدر خواهد رفت. با اینحال، برای برقراری انضباط در محیط کار دیدگاههای متفاوتی وجود دارد که

برای انضباط تعاریف متعددی وجود دارد که نقل آن را ضروری نمی‌دانیم. با اینحال، تقریباً تمامی این تعاریف در یک نکته وجه اشتراک دارند و آن عبارت از رعایت مقررات و ضوابط و قوانین و دیگر معیارهای حاکم بر هر سازمان یا جمع یا اجتماع است. به این ترتیب، باید گفت که انضباط در هر سازمان و مؤسسه با سازمان و مؤسسه دیگر در کلیات مشابهت دارد، ولی در جزئیات نمی‌تواند یکسان باشد، برای مثال، آنچه برای شاگرد دبیرستانی انضباط خوانده می‌شود با آنچه از دانشجوی دانشگاه زیر عنوان انضباط انتظار داریم، کاملاً متفاوت است. انضباط شغلی نمونه‌ای از انواع انضباط است که به محیط کار مربوط می‌شود. این نوع انضباط نیز از لحاظ کلیات در میان تمامی سازمانها مشترک است، اما از نظر جزئیات نمی‌تواند مشترک باشد. به عنوان مثال، لباس و وسیله نقلیه ممکن است در یک سازمان بخشی از انضباط شغلی باشد، حال آنکه در سازمان دیگر برای آن مقررات خاصی وجود نداشته باشد.

## ۲. به مدیران توصیه می‌شود به شیوه خود الگو بودن زیردستان خود را به نظم و انضباط عادت دهند و مخصوصاً این توصیه را در مورد کارمندان جوان و کم تجربه جدی‌تر بگیرند، زیرا کسانی که مدت با نظم سازمانی کار و مزایای آن را لمس کنند، به انضباط عادت خواهند کرد.

### الف: پاداش، یا ایجاد محرک خارجی برای برقراری و حفظ انضباط.

بی شک، طبق این روش پاداش نصیب کسانی می‌شود که ضوابط را به درستی رعایت می‌کنند. برای مثال، هر گاه استاد دانشگاه برای دانشجویانی که کلیه جلسات یک نیمسال تحصیلی را در کلاس حاضر بوده‌اند، امتیاز خاصی در نظر بگیرد، می‌توان گفت که از روش پاداش برای حفظ انضباط استفاده کرده است. با اینحال، استاد یاد شده، یا هر مسئول دیگری که بخواهد از چنین روشی استفاده کند، باید به نکات زیر توجه نماید:

۱. در آغاز فعالیت مسأله پاداش یاد شده را به اطلاع زیردستان برساند. برای مثال، استاد مورد نظر می‌بایست در شروع نیمسال تحصیلی به دانشجویان بگوید که برای حضور کامل در جلسات درس امتیاز قایل می‌شود.

۲. لازم است پس از انجام وظیفه مورد نظر، پاداش بلافاصله به کسی که مشمول آن قرار می‌گیرد، داده شود. به این ترتیب، استاد یاد شده در آخرین روز نیمسال تحصیلی به قول خود وفا می‌کند، یا مدیری که انجام یک فعالیت یکروزه را به شرط رعایت انضباط کاری با نوعی پاداش همراه دانسته، در پایان روز آن را به شخصی یا اشخاص مشمول می‌دهد.

۳. شایسته است پاداش با کار انجام شده تناسب داشته باشد. به نظر نمی‌رسد به حضور مرتب در کلاس استاد دانشگاه حداکثر ۲ نمره بیشتر تعلق بگیرد، زیرا در غیر اینصورت مسأله پاداش لوث می‌شود.

۴. لازم است دریافت کننده پاداش برای آنچه دریافت می‌کند، اهمیت قایل شود. به

بیان دیگر، می‌بایست آنچه را به کسی می‌دهند، برای او جنبه پاداش باشد نه اینکه پاداش دهنده با ذهنیت خودش قضاوت کند. برای مثال، اگر به یک کارمند سفر سه روزه زیارتی به عنوان پاداش حسن انجام وظیفه داده شود، ولی کارمند یاد شده پول کافی برای گردش یا خرید ره‌آورد سوغاتی نداشته باشد، به احتمال زیاد از این پاداش راضی نخواهد بود و در آینده پاداش یاد شده برای او محرک حسن انجام وظیفه نخواهد بود.

۵. شایسته است پاداش دهنده دلیل یا دلایل اعطای پاداش را برای گیرنده آن توجیه کند تا به سوء تعبیر منجر نشود و برای مثال آن را حق سکوت تلقی نکنند.

۶. لازم است تا حد امکان از پاداش مادی و نقدی اجتناب شود مگر آنکه به نظر برسد برای گیرنده پاداش بیشترین محرک را ایجاد می‌کند.

۷. می‌بایست از تکرار پاداش در فرصت زمانی نه چندان طولانی اجتناب کرد، زیرا تکرار موجب کاهش اهمیت پاداش می‌شود. ب: تنبیه، یا آگاه کردن طرف مقابل مبنی بر اینکه در کارش خطا وجود داشته و لازم است نسبت به اصلاح رفتار خود اقدام کند. برای آنکه تنبیه مؤثر واقع شود، باید نکات چندی رعایت کرد که تعدادی از آنها بدین شرح است:

۱. توجیه دلیل یا دلایل تنبیه برای تنبیه شونده.

۲. خودداری از تکرار تنبیه.

۳. اجتناب شدید از تنبیه بدنی و لفظی تا حد امکان.

۴. تعیین تنبیه و حدود آن در آغاز فعالیت.

۵. رعایت تناسب تنبیه با عمل انجام شده.

۶. اعمال تنبیه بلافاصله پس از انجام عمل.  
۷. در نظر گرفتن تنبیهی که برای طرف مقابل تنبیه باشد. برای مثال، هر گاه مدیر یک سازمان یک کارمند را به هر دلیل مدت دو روز از حضور در سازمان منع و به دلیل این عدم حضور جریمه کند، احتمال اینکه تنبیه یاد شده برای کارمند واقعاً تنبیه باشد، کم است؛ احتمال دارد کارمند به دلیلی قصد مسافرت داشته و چون با مرخصی او موافقت نمی‌شده و می‌دانسته که تنبیه چه عملی به دو یا چند روز اخراج موقت منجر می‌شود، به این کار مبادرت کرده است، به این ترتیب، کارمند عملاً تشویق شده است نه تنبیه.

۸. و بالاخره شایسته است بیش از تنبیه، از عامل تشویق استفاده شود تا کسانی که تشویق نمی‌شوند، عملاً احساس کنند که تنبیه شده‌اند.

ج: انضباط درونی یا درونی شدن قواعد و مقررات و ضوابط از جمله عواملی است که جنبه محرک داخلی دارد و در انضباط شغلی مؤثر است. این درونی شدن به تدریج از تولد به بعد در افراد شکل می‌گیرد و به مرور زمان ثبات زیادتری پیدا می‌کند. به این دلیل، تربیت خانوادگی نقش قابل ملاحظه‌ای در تحقق آن دارد. به بیان دیگر، هر گاه نظم و ترتیب خانوادگی نوعی ارزش باشد، این ارزش به تدریج در نزد اعضای خانواده درونی می‌شود و در جامعه بزرگ نیز آن را رعایت می‌کنند. طبعاً چنین افرادی در محیط کار مشکل چندانی با رعایت ضوابط ندارند، زیرا به رعایت آن عادت کرده‌اند.

بنابراین، چون کارمندان حدود ۳۰ سال



# عزم جزم برای توسعه صادرات



مراحل پایانی را طی می‌کند.

وی دربارهٔ تاثیر استفاده از این برچسب بر روی محصولات صادراتی شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران اظهار چنین می‌دارد: واحدهای بسیاری عضو این شرکت هستند که به علت کوچکی و عدم برخورداری از توان مالی یا تخصصی لازم، نمی‌توانند راساً تولیدات خود را صادر کنند و از سوی دیگر، گاهی حجم تقاضاهای خارج از کشور زیاد است و یک کارخانه به تنهایی قادر نیست آن را تهیه کند.

بنابراین، با استفاده از این شیوه، نه فقط واحدهای کوچک را از آثار صادرات بهره‌مند کرده‌ایم، بلکه شرکت تعاونی می‌تواند در زمینه‌هایی چون بازاریابی و تبلیغات، با اعمال صرفه‌جوییهای خاص، کالای خود را با قیمتی رقابتی‌تر در بازارهای هدف عرضه کند.

**رابطه نقدینگی و صادرات**

در سالهای اخیر، اعداد و ارقام، موید یک سیر نزولی در میزان صادرات شرکت

برنامه‌های خود را برای افزایش صادرات اعضا، به اجرا گذاشته است. و امسال با شعار: افزایش تولید، ارتقا کیفیت، توسعه صادرات، از تولیدات صادراتی اعضای خود، نمایشگاهی دائمی را در محل دفتر این شرکت برپا کرده است.

مسئیریت این شرکت، ایجاد دفاتر نمایندگی را در خارج از کشور با جدیت دنبال می‌کند و امیدوار است که تا پایان سال جاری، حداقل در دو کشور آسیای میانه، دفاتر نمایندگی خود را برای توسعه مبادلات فی‌مابین و نفوذ در بازارهای موردنظر، تاسیس کند.

مهندس علی امین‌اللهی عضو هیات مدیره و مدیرعامل شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، دربارهٔ فعالیتهای صادراتی این شرکت، می‌گوید: خریداران بسیاری را به اعضای خود معرفی کرده‌ایم، یک کاتالوگ مخصوص به چهار زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و عربی تهیه شده است و کار تدارک یک برچسب واحد بنام "تسکا"

صادرات کالاها و خدمات، یک عامل اساسی در افزایش تولید داخلی و سطح اشتغال است و به تعادل تراز پرداختهای کشور نیز کمک می‌کند. در ایران، رونق صادرات غیرنفتی به دلیل تاثیرات چندگانه خود بر اقتصاد کشور، نه فقط به عنوان یک استراتژی رشد مطرح است بلکه در توسعه نیز نقش مهمی دارد.

تشکلهای صنفی که ماهیتاً اعمال صرفه‌های اقتصادی را در زمینه‌های تولید و بازاریابی، برای بالا بردن توانمندیهای رقابتی، سبب می‌شوند، در اجرای موفق استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی یک عامل کلیدی به شمار می‌روند. در این بین، شرکتهای تعاونی به دلیل بهره‌مندی از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی نظام تعاونی، در توزیع عادلانه منافع و شکل‌گیری اقتصاد آمیخته به عدالت، جایگاهی ویژه دارند.

**تمهیدات صادراتی**

شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، که گسترهٔ فعالیت آن سراسر کشور است، از ابتدای سال جاری فصل جدیدی از

دکتر پیرایش. رئیس هیأت مدیره شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران: شرکت تعاونی ابدأ در زمینه بازپرداخت اصل و سود وامهای خود دچار مشکل نخواهد شد، پشتوانه آن تمام دارائی شرکت تعاونی و تمام سهام شرکتهای عضو است. ما وام بلندمدت نمی‌خواهیم اول سال وام می‌گیریم و ۲۹ اسفند تسویه می‌کنیم. هر تضمینی هم بخواهند، می‌دهیم.

چرخه طولانی است. شرکت در نمایشگاه، ایجاد دفتر نمایندگی و تهیه انبار در بازار هدف، حمل کالا به مقصد و تبلیغ به طرق مختلف تا خریداران به سراغ ما بیایند، آن هم با رقبای سرسختی که ما در بازارها داریم. اما خوشبختانه، در ارتباط با اکثر کشورها، بخصوص کشورهای منطقه، به دلیل علاقه‌ای که به اسلام و ایران در آنها وجود دارد، ما از نوعی مزیت نسبی برخورداریم که با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توانیم خود را جایگزین کشورهای دیگر کنیم، اگر از ما حمایت بایسته بعمل آید.

### پشتوانه مالی

شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، هم اکنون ۱۶۲ عضو دارد که در سراسر ایران پراکنده‌اند، میزان تولید این اعضا، سالانه بالغ بر ۵۸۰ هزار تن انواع کمپوت، آب میوه، سس، کنسرنزه، مربا، کنسرو گوشتی و غیرگوشتی، رب گوجه فرنگی و ترشیجات است. سرمایه فعلی این شرکت دومیلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال می‌باشد.

مهندس "منصور امانی"، مدیرعامل شرکت صنایع غذایی "بهروز نیک" به عنوان یکی از اعضای شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، ضمن تاکید بر لزوم حمایت وزارت تعاون از تعاونیها، می‌گوید: موضوع رفع مشکل اقتصادی تعاونیها با واحدهایی که جز آن هستند، فرق می‌کند. تمام پشتوانه ما شرکت تعاونی است. این تشکل از نظر ما در حکم یک مادر است.

وی درباره توان شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران در بازپرداخت تسهیلات



است. در این شرایط، فقط اگر شرکت تعاونی دارای بنیه مالی مناسب برای مقابله با این نوسانات شدید قیمت باشد، می‌توانیم در ابتدای سال با کارخانجات خود قرارداد ببندیم، پیش‌پرداخت بدهیم، تا جنس تولید و در انبار نگهداری شود. با این ذخیره شرکت می‌تواند مدتی، قیمت را تثبیت کند.

بعلاوه برای کار صادرات باید هزینه کرد، زیرا ما می‌خواهیم در بازارهایی که در اختیار کشورهای دیگر است، سهمی از بازار را بدست آوریم.

مهندس امین‌اللهی می‌افزاید: چیزی که برای صادرات نیاز داریم، حمایت دولت است، باید ما را از نظر مالی پشتیبانی کنند. ما دلار و ارز از دولت نمی‌خواهیم، ما ریال می‌خواهیم اما نه ریالی که الان بدهند و با بهره آنچنانی، شش ماه دیگر بخواهند آن را بازپس بگیرند. چون چرخه صادرات، یک

تعاونی صنایع کنسرو ایران می‌باشند. هرچند در سالهای ۷۴ و ۷۵ به ترتیب ۳۰۰ و ۹۸ تن کالا از سوی این شرکت صادر شده، اما در سال گذشته صادراتی نداشته است! مدیرعامل شرکت درباره علت بروز این کاهش، به رابطه بین میزان نقدینگی شرکت و حجم صادرات اشاره می‌کند و می‌گوید: در صنعت کنسرو و صادرات آن به کمک و سرمایه‌گذاری سنگین نیاز داریم. در هیچ نقطه دنیا، قیمت کالاها، نظیر آنچه در ایران اتفاق می‌افتد، تغییر پیدا نمی‌کند. بطور معمول برای حداقل شش ماه، قیمت یک کالا ثابت است. ولی در ایران، قیمتها به دلایل مختلف، حتی بطور هفتگی - تغییر می‌کنند! به دفعات ما مراحل بازاریابی را در بازار هدف به انجام رسانده و سفارش خرید را دریافت کرده‌ایم، اما در بازگشت به کشور متوجه شده‌ایم که قیمت‌ها افزایش یافته

شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، هم اکنون ۱۶۲ عضو دارد که در سراسر ایران پراکنده‌اند، میزان تولید این اعضا، سالانه بالغ بر ۵۸۰ هزار تن انواع کمپوت، آب میوه، سس، کنسازنه، مربا، کنسرو گوشتی و غیرگوشتی، رب گوجه فرنگی و ترشی‌جات است. سرمایه فعلی این شرکت دو میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال می‌باشد.



اعتباری معتقد است، اگر وامی به این شرکت تعاونی اعطا شود صد درصد تضمین پرداخت دارد. زیرا تعاونی کاری می‌کند که پی‌آمدش روشن و مشخص است. مثلاً اگر ورق حلب وارد می‌کند، اعضا از قبل برای خرید آن اعلام آمادگی کرده‌اند. بعلاوه هیچ یک از اعضا توان آنرا ندارد که مواد اولیه مورد نیاز خود را بصورت انبوه وارد کند، اما شرکت تعاونی خیلی راحت می‌تواند این کار را به انجام برساند و به همین دلیل اعضا حمایتش می‌کنند.

این شرکت تعاونی در دوران چندساله فعالیت خود با واردات و تاثیر به هنگام بر بازار کالاهایی چون در شیشه، ورق و حلب برای ساخت قوطی و یا برخی مواد شیمیایی مورد نیاز کارخانجات عضو، توانسته است با ایفای یک نقش تعاونی، ساعت کاهش و تثبیت قیمت‌ها در سطح مطلوب شود.

در سالهای اخیر، با وارد کردن ورق و ساخت قوطی از سوی شرکت تعاونی قیمت کالا در سطح مطلوبی تثبیت شده است یا درباره در شیشه، که چند سال قبل، در یک شبکه دلالی، قیمت آن به بالای ۵۰ تومان برای هر عدد رسیده بود، با اقدامات شرکت تعاونی و ورود به بازار این کالا، قیمت‌ها بیش از ۶۰ درصد کاهش یافت و در حال حاضر نیز مدتی است که قیمت آن در حد ۲۴-۲۵ تومان تثبیت شده است.

ریشه‌های موفقیت توسعه صادرات درباره زمینه‌های مساعد برای اجرای سیاست توسعه صادرات، دکتر ایرج پیرایش، رئیس هیأت مدیره شرکت تعاونی

زیاد نکرده‌ایم بلکه از آن کاسته‌ایم زیرا بین عرضه و تقاضا، تعادل ایجاد کرده‌ایم.

وی می‌افزاید: ما ۱۹ سال است که این بحث را حداقل سالی ۱۰ بار در کنفرانسها، مجامع، نمایشگاهها و سمینارها بیان کرده‌ایم اما یکی از دست اندرکاران کشور نیامده است که بگوید، شما چند بار یک حرف را تکرار می‌کنید. گفته شما به این دلیل غلط است یا به این دلیل درست است!

به گفته دکتر پیرایش، ما وقتی فریاد می‌زنیم که باید تورم مملکتی خود را پایین بیاوریم، یکی از راههای آن، پایین آوردن قیمت‌هاست، اما قیمتها را کاهش نمی‌دهیم، آنها را تثبیت می‌کنیم. در این تثبیت کردنها هزینه‌ها باید منظور شوند. وقتی صندوق تعاون با نرخ ۱۸ درصد به ما وام می‌دهد این ۱۸ درصد را در قیمت تمام شده ملحوظ می‌کنیم، اما از ابتدای سال جاری وزارت

صنایع کنسرو ایران، در یک بحث ریشه‌ای، اعمال سیاست انقباضی از سوی سیستم بانکی کشور و افزایش نرخ بهره در بخش تعاون را از عوامل اصلی ایجاد تورم و رکود اقتصادی می‌داند و پایین بودن سطح تولید کارخانجات عضو تعاونی را مانع برنامه‌ریزی برای جهش‌های صادراتی عنوان می‌کند.

دکتر پیرایش می‌گوید: بطور کلی ازدیاد نقدینگی باعث افزایش تورم می‌شود، اما ازدیاد نقدینگی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی که می‌توانند تولید را با مصرف برابر کنند، نه تنها تورم را نیست بلکه مانع آن است، زیرا وقتی سرمایه‌ای به کار افتاد و کالاهایی تولید شد و این کالاها به دست مصرف‌کننده رسید تا او به بازارهای سیاه رو نیاورد، نه تنها تورم را

تعاون اعلام کرد، وامی که از صندوق تعاون خواهیم داد، ۲۵ درصد کار مزد دارد! رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، در جمع‌بندی صحبت‌های خود گفت: به هر حال واقعیت این است که ما شرکت تعاونی هستیم و وزارت تعاون هم نه یک بازو که هر دو بازوی ماست.

اگر وزارت تعاون نتواند تعاونیها را کمک‌کننده نتیجه همین می‌شود که الان هست. در حال حاضر تمام کارخانه‌های ما پایین‌تر از ظرفیت اسمی کار می‌کنند. بنابراین میزان تولید و به تبع آن عرضه، کاهش یافته، اما تقاضا بالاست و این باعث می‌شود که قیمت‌ها تصنعی افزایش یابد. مسئولان باید توجه کنند که اگر تولید را آنقدر افزایش دهند که علاوه بر پوشش دادن مصرف داخلی، ازدیاد داشته باشیم، تولید کننده مجبور می‌شود که این کالای اضافی را صادرات کند.

وقتی مجبور شد که تولید داشته باشد، باید تولیدش را مرغوب کند، باید آنرا استاندارد نماید و باید سعی کند که قیمت تمام شده را کاهش دهد تا بتواند در بازارهای خارجی رقابت کند. اما وقتی کمتر از ظرفیت اسمی تولید می‌کنیم، قیمت تمام شده افزایش می‌یابد و مصرف کننده باید فشار این افزایش قیمت را تحمل کند. به این ترتیب بهره ۰۰ درصد هم برای شرکت تعاونی فرق نمی‌کند. زیرا آنرا در قیمت تمام شده‌اش ملحوظ می‌کند. اما این بهره ۲۵ درصد از نظر اجتماع سنگین است.

دکتر پیرایش درباره میزان توان شرکت تعاونی در بازپرداخت اعتبارات دریاقتی می‌گوید:

شرکت تعاونی ابدأ در زمینه بازپرداخت اصل و سود وام‌های خود دچار مشکل نخواهد شد، پشتوانه آن تمام دارائی شرکت تعاونی و تمام سهام شرکتهای عضو است. ما وام بلندمدت نمی‌خواهیم

اول سال وام می‌گیریم و ۲۹ اسفند تسویه می‌کنیم. هر تضمینی هم بخواهند، می‌دهیم. رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران گفت و شنود را کلید حل مسائل می‌داند و می‌گوید: چون معتقدیم دست‌اندرکاران مملکت به فکر این هستند، اگر گفت‌وگوهای متعدد صورت گیرد به نتیجه می‌رسیم زیرا ما می‌خواهیم به مملکت خود خدمت کنیم ضمن اینکه می‌خواهیم به شرکتهایمان هم خدمت کنیم. افزایش سرمایه شرکتهای ما، افزایش سرمایه مملکتی است، مسئولان حرفهای تولیدکنندگان را بشنوند. آنچه را که درست است در حد توان برآورده کنند و آنچه را که نادرست است، دلایل نادرستی آن تفهیم شود. با این کار، تولیدکنندگان می‌روند دنبال اینکه حرف حساب بزنند.

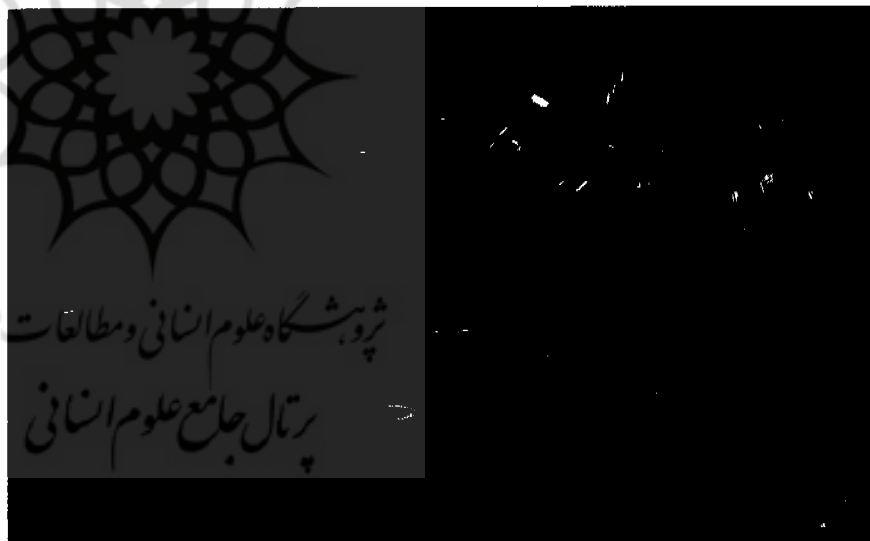
### تحقیق و توسعه

شرکت تعاونی صنایع کنسرو ایران، اجرای پروژه‌های تحقیقاتی علمی، صنعتی، فرهنگی را نیز وظیفه خود می‌داند. در این راستا چاپ و انتشار چندین جلد کتاب علمی- تخصصی، ترجمه تازه‌ترین مقالات علمی و ارسال آنها برای اعضا، ارتباط با شبکه اینترنت و ایجاد یک آزمایشگاه مجهز، از جمله اقدامات این شرکت تعاونی است.

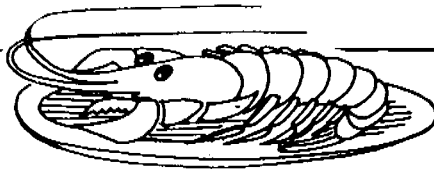
آزمایشگاه این شرکت، که با هزینه ۱۸۵ میلیون ریال راه‌اندازی شده است در حال حاضر چند طرح تحقیقاتی را دنبال می‌کند. طرح حذف یا کاهش استفاده از مواد نگهدارنده در محصولات غذایی، از جمله طرحهای تحقیقاتی در دست اجرا است.

آزمایشگاه مذکور که تجهیز کامل آن با هزینه‌ای حدود ۵۰۰ میلیون ریال پیگیری می‌شود، در کنترل و تضمین کیفیت محصولات صادراتی شرکت تعاونی و اعضای آن نقش موثری دارد.

• گزارش مزبور با همکاری دفتر امور تعاونیهای تولیدی و خدمات تولیدکنندگان وزارت تعاون تهیه شده است.



مهندس امین‌الهی مدیر عامل تعاونی صنایع کنسرو ایران: در ارتباط با اکثر کشورها، بخصوص کشورهای منطقه، به دلیل علاقه‌ای که به اسلام و ایران در آنها وجود دارد، ما از نوعی مزیت نسبی برخورداریم که با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توانیم خود را جایگزین کشورهای دیگر کنیم، اگر از ما حمایت بایسته بعمل آید.



# صنعت تکثیر پرورش میگو، آنچه هست و آنچه که باید باشد

از: ارسلان قاسمی  
مدیرعامل اتحادیه سراسری شرکتهای تعاونی  
تکثیر و پرورش میگو، ماهی و آبزیان ایران

طی قرون و اعصار متمادی چگونگی تأمین غذا همواره از مهمترین مسائل مورد توجه بشر بوده است و بدون هیچگونه تردیدی یکی از مهمترین منابع تأمین امنیت و سلامت غذایی انسان استفاده هرچه بیشتر و بهتر از آبزیان می‌باشد. آبزیان از جمله مهمترین منابع تأمین پروتئین حیوانی هستند که به لحاظ دارابودن خواص مهم غذایی به عنوان غذای سلامتی نیز تلقی میشوند.

تولید جهانی آبزیان در طول دو دهه اخیر بدلیل افزایش میزان تقاضا و نیز بکارگیری فن آوری جدید در زمینه‌های صید و نگهداری و جابجایی، فرآوری و تکثیر و پرورش محصولات مختلف افزایش مداوم داشته است. به گونه‌ای که امروزه حجم مبادلات بین المللی محصولات دریایی رقمی معادل ۴۸ میلیارد دلار را بالغ می‌شود که این مبلغ جدا از خرید و فروش داخلی هر کشور است. براساس گزارشات F.A.O در سال ۱۹۹۶ میزان تولید جهانی آبزیان به ۱۰۹/۶ میلیون تن رسید که حدود ۲۰٪ از کل تولید جهانی منتج از فعالیتهای پرورش آبزیان می‌باشد و براساس یکی از مطالعات انجام شده توسط F.A.O پیش‌بینی میشود که در سال ۲۰۱۰ میلادی تولید فرآورده‌های آبزیان به حداقل ۱۲۰ میلیون

تن افزایش یابد که سهم آبزیان پرورشی از این میان ۳۰/۹۶ میلیون تن یعنی معادل ۲۵/۸٪ خواهد بود.

این واقعیت که ایران با دارا بودن ۱۸۰۰ کیلومتر ساحل در کناره‌های خلیج فارس و دریای عمان و امکانات مناسب از قبیل خاک آب دریا، شرایط اقلیمی و وجود نیروی کار مناسب و کسارآمد و... زمینه بسیار مساعدی برای ورود گسترده در صنعت تکثیر و پرورش میگو را داراست، مورد تأیید تمامی کارشناسان داخلی و خارجی قرار دارد. و برای رسیدن و دستیابی به سهم مناسب از بازارهای جهانی و اهداف از پیش تعیین شده باید جهت‌گیری مناسب و روشنی را داشته باشیم.

صنعت تکثیر و پرورش میگو فعالیت جدی خود را از سال ۱۳۷۲ در چهار استان ساحلی آغاز نمود. این صنعت برای دستیابی به اهدافی از جمله:

- ۱- افزایش تولید پروتئین حیوانی و سالم.
  - ۲- تبدیل امکانات طبیعی بالقوه به بالفعل و استفاده بهینه و مطلوب از منابع موجود.
  - ۳- کسب درآمد ارزی مناسب در جهت قطع وابستگی به اقتصاد تک محصولی.
  - ۴- ایجاد اشتغال مولد و رفع محرومیت از چهره استانهای جنوبی و محروم کشور.
  - ۵- حل بخشی از معضلات اجتماعی نظیر مبارزه با قاچاق در نوار مرزی کشور و... پایه گذاری گردید.
- اما بدلیل فقدان سیاستی جامع و

واقع‌گرا و عدم اطلاع و تجربه کافی از این صنعت و تأکید و ابرام بر اطلاعات ناکافی در شروع کار با چالشها و موانع متعددی روبرو گردید که در ادامه به آنان خواهیم پرداخت. این موانع سبب گردیده است که تاکنون نتوانیم از ۱۱۰ هزار هکتار اراضی مستعد شناخته شده استفاده داشته باشیم.

۱- بازنگری سیاستهای اجرایی موجود و راهحلا و پیشنهادها

صنعت پرورش میگو همانند سایر صنایع مادر دارای اجزاء و زنجیره‌های وابسته به خود است. از اینرو موفقیت در امر این صنعت احتیاج به سرمایه‌گذاری و سیاست‌گذاری لازم در تمامی اجزاء زنجیره می‌باشد. و در نهایت به این واقعیت انکارناپذیر بایستی توجه گردد که تولید باید برای رسیدن به بازارهای هدف باشد.

۱-۱- دستیابی به بازارهای مناسب و قابل رقابت برای میگوهای تولیدی - در سه ماهه گذشته بازار بین‌المللی آبزیان در سطح وسیعی گسترش یافته است. و در حال حاضر تقریباً در دنیا بازاری با ارزش بیش از ۴۳ میلیارد دلار وجود دارد که کشورهای در حال توسعه حدود ۵۰٪ صادرات آبزیان و محصولات آبزی را به خود اختصاص داده‌اند. هر چند که باتوجه به رشد روزافزون جمعیت بنظر میرسد که مشکل چندان برای دستیابی به بازار وجود نداشته باشد ولی بهرحال حفظ مرغوبیت و



کیفیت و سلامت محصول لازم و ضروری است چرا که چرخش و رویکرد به سمت روش HACCP و روشهای مبتنی بر آن برای بازرسی آبریزان و محصولات آبرزی در بازارهای بین‌المللی وجود دارد و تولیدکنندگانی که بر اساس برداشتهای خود از قوانین و مقررات تولید می‌کنند چون تعریف جامعی از کیفیت در دست ندارند لذا سردرگم شده و بازار را از دست می‌دهند. بدین روی، بایستی در انتخاب بازار هدف بدلیل اقتصادی بودن این محصول و رشد روز افزون مزارع پرورشی، تامل و دقت کافی صورت پذیرد. تولید برای صادرات تفکری است که در تمام زنجیره‌های این صنعت بایستی حاکم گردد. چرا که بر اساس آمار موجود در حال حاضر به دلیل روشهای نادرست در

قیمت میگو در بازارهای جهانی پیش‌بینی نمی‌کنند و از اینرو در رقابت با سایر تولیدکنندگان جهانی بایستی به گونه‌ای برنامه‌ریزی گردد که ضمن کاهش در هزینه، قیمت تمام شده نیز بتواند با هرگونه تغییرات در بازار مصرف نهائی به همراه کیفیت مطلوب آن مقابله نماید. تعداد کارخانجات عمل آوری میگو در استان بوشهر و هرمزگان از ۷ و ۲ واحد در سال ۱۳۷۲ به ۱۵ و ۸ واحد در سال ۱۳۷۶ افزایش یافته است و درآمد ارزی ناشی از صادرات میگو از ۷ میلیون دلار در سال ۱۳۷۲ به حدود ۱۵ میلیون دلار در نه ماه اول سال ۱۳۷۶ رسیده است که در صورت ایجاد محدودیتهای صادراتی وضع شده از سوی جامعه اقتصادی اروپا (E.E.C) بیم آن می‌رود که بازاریابی این محصول برای

متاسفانه تاکنون به نحو مطلوبی این امر صورت نگرفته است. ۱-۲- در فصل پرورش ۱۳۷۶ بدلیل کافی نبودن نقدینگی لازم برای سرمایه در گردش و ضرر و زیانهای وارده به شرکتهای تولیدکننده در دوفصل قبل از آن، و نیز عدم همکاری بموقع و موثر سیستم‌های بانکی، پرورش دهندگان با بخش خصوصی سرمایه‌گذار همکاری نزدیکی را شروع کردند بدین معنا که شرکتهای سرمایه‌گذار با تامین سرمایه در گردش مورد نیاز و تضمین خرید محصول وارد عرصه شدند. بدین روی، طبیعی است که با افزایش تولید در طی سال ۱۳۷۷ و بعد از آن این شیوه ممکن است بدلیل افزایش میزان تولید، حضور کافی اینچنین شرکتهائی در این صنعت میسر

**امروزه در دنیا ۴ روش پرورش سنتی، نیمه متراکم، متراکم و فوق متراکم پرورش میگو صورت می‌گیرد که هر یک دارای مزایا و معایب خاص خود هستند. سیاست و روش پرورش در ایران بدلیل نبود تجربه کافی نزد سیاستگذار و مجریان طرحها مبهم و ناشناخته است، رسیدن به مرز بیش از سه تن در هکتار سیستم متراکم را طلب می‌کند (آنچه که در طرحهای مصوب بانک آمده است)، اما سیاست رسمی اعلام شده در ایران روش نیمه متراکم است.**

صید، نگهداری، حمل و نقل و فرآوری مناسب انواع آبریزان، حدود ۳۰٪ از کل میزان صید کشور ضایع، فاسد و از چرخه مصرف خارج می‌شود و کارخانجات و کارگاههای موجود فرآوری و بسته بندی آبریزان که بعضاً سابقه ۴۰ - ۳۰ ساله نیز دارند برای شرایط دشوار بازارهای هدف تجهیز و نوسازی نگردیده‌اند و متاسفانه کارگاهها و کارخانجات تازه تاسیس نیز بدلیل اتخاذ سیاست‌های نامناسب هدف مزبور به درستی تعقیب نمی‌شود از این جهت، نتایج آن میتواند باعث اثرگذاری منفی در صنعت پرورش میگو گردد. چرا که کارشناسان اقتصادی افزایش چندانانی در

سالجاری و سالهای آتی با مشکلات جدی مواجه گردد. چرا که شرط اصلی و اساسی ورود میگو به بازارهای EEC، کانادا، ژاپن و آمریکا بعنوان خریداران عمده این محصول اجرای سیستم تضمین کیفیت HACCP می‌باشد. از اینرو هدایت اعتبارات در جهت بهینه سازی کارخانجات و کارگاههای موجود، ایجاد و ساخت کارخانجات فرآوری و بسته بندی مطابق با استانداردهای مورد قبول جهانی به منظور رسیدن به مرغوبیت و کیفیت و سلامت مورد نظر و در نهایت دستیابی به بازارهای هدف از مهمترین وظایف مسئولین و دست اندرکاران بوده است که

واقع نگردد این امر میتواند لطمات جبران ناپذیری را وارد آورد.

در جهت بهبود این مسیر میتوان با تقویت نهادهائی همچون اتحادیه، فعال و موثرتر نمودن سیستم بانکی، حمایت کافی از شرکتهای سرمایه‌گذار و... اقدام نمود.

## ۲- سیاستهای اعتباری و حمایتی

باتوجه به جوان و ناشناخته بودن این صنعت و نامشخص بودن چگونگی درآمد و هزینه‌های آن در سالهای اولیه فعالیت و بالطبع نداشتن جاذبه‌های لازم و کافی برای صاحبان سرمایه، اکثر افراد و گروههای مختلف تکثیر و پرورش دهند را افراد و شرکتهائی تشکیل داده‌اند که از پشتوانه

قوی مالی برخوردار نبوده و نوعاً با استفاده از تسهیلات اعتباری تبصره سه قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۲ وارد میدان تولید شدند و به مانند هر صنعت جدید و نوپای دیگر ۲-۳ سال اول تولید خود را با ضرر و زیان سپری نمودند. ارائه طرحهای ناقص از سوی شرکت شیلات سبب افزایش سطح توقع منابع اعتباری که عمدتاً بانکها را شامل میشد، گردید. تولید و قیمت فروش بالا و درآمد غیرواقعی از مهمترین نکات منفی در طرحهای اولیه بود، و علاوه بر آن با بدست آمدن تولید سال اول، سخت‌گیری و بهانه‌های مختلفی برای نپرداختن اعتبارات مصوب از سوی بانکها عامل آغاز گردید، به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۴ در استان خوزستان در بخش تعاون تنها ۵۰٪ و در بخش تعاون بوشهر ۵٪ و در بخش خصوصی ۲٪ و در هرمزگان در بخش تعاونی ۸٪ و در استان سیستان و بلوچستان از مجموع کل اعتبارات مصوب تنها ۱۲٪ اعتبارات جذب گردید. که در مجموع از کل مبلغ ۷۰ میلیارد اعتبارات مصوب تنها مبلغ ۱۶۸۵۰ میلیون ریال یعنی معادل ۲۴٪ اعتبارات جذب شده است. در این راستا میتوان به عدم توزیع و تخصیص بموقع اعتبارات علی‌الخصوص سرمایه در گردش، به صورتی که هماهنگ نبودن دستگاههای اجرایی ذیربط، وجود مقررات دست و پاگیر که با این صنعت تطابق ندارد اشاره نمود.

علاوه بر مسائل مربوط به بانکها، هدف‌گذاری شیلات و کمیته‌های برنامه‌ریزی استانها نیز با ناهماهنگی و نابسامانیهای همراه بوده است. هماهنگ نبودن میزان اعتباری طرحها در استانهای مختلف، کم‌رنگ دیدن برخی از زنجیره‌های این صنعت، تبدیل طرحهای ۲۰ هکتاری به ۱۰ هکتاری برای استفاده افراد و گروههای بیشتر از اعتبارات و... از جمله عوامل و

دلایلی هستند که تمامی پیش‌بینی‌های تولید را تاکنون نقش برآب نموده‌اند و اگر نبود استفاده از دانش و کارآئی متخصصان و تایلندی در سال ۱۳۷۶ در استانهای بوشهر و هرمزگان و نتیجه نسبتاً قابل قبول استان بوشهر، معلوم نبود که سرنوشت این صنعت و سرمایه‌گذاریهای کلان انجام شده در آن به کجا می‌انجامید.

### ۳- تکثیر پست لارو میگو

آهنگ رشد در بخش تکثیر پست لارو میگو همخوانی لازم را با بخش پرورشی نداشته و ندارد از اینرو طی سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ بخش اعظم ظرفیت استخرهای پرورشی بدلیل نبود پست لارو کافی خالی ماند به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۵ در استان بوشهر نزدیک به ۶۰٪ استخرهای آماده پرورش خالی ماند. این روند در سال ۱۳۷۶ در استان خوزستان نیز وجود داشته است. دلایل عدم هماهنگی لازم در این بخش را میتوان به نبود دانش کافی، عدم وجود الگو و یا الگوهای مناسب، عدم اطمینان لازم به برگشت سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران شروع نشدن همزمان مراحل ساخت واحدهای تکثیر با واحدهای پرورش و... را نام برد.

- در سالهای اولیه (۱۳۷۵-۱۳۷۲) فعالیت این صنعت شرکت شیلات ایران مصراً استفاده از کارشناسان خارجی را نفی و کارشناسان شیلاتی را صاحب کارائی لازم میدانست و به همین دلیل بود که در آن سالها تولید مزارع پرورشی به کمتر از نیمی از ظرفیت بالقوه خود رسید به گونه‌ای که اصل صنعت زیر سؤال رفته بود. اما در سال ۱۳۷۶ با ورود کارشناسان خارجی که با فشار و مشارکت بخش تعاونی و خصوصی به عرصه تولید پست لارو به خصوص در استانهای بوشهر و هرمزگان وارد گردیدند، ابهامات و اشکالات در این بخش تا حدود زیادی

برطرف گردید تا جائیکه در استان بوشهر نزدیک به ۹۰٪ استخرهای تولیدی زیرکشت رفت و تولید مناسبی را به همراه داشت. ضمن آنکه انتقال فن‌آوری نیز تاحدودی توسط این کارشناسان خارجی انجام گردید.

در این بخش که در گذشته الگو و الگوهای مناسبی نیز طراحی و ارائه نشده بود و با صرف سرمایه‌گذاری کلان واحدهائی با ظرفیت اعلام شده ۲۰ میلیون قطعه پست لارو احداث گردید که در این واحدها حتی به اندازه نیمی از ظرفیت اعلام شده نیز پست لارو تولید نگردید. اما کارشناسان خارجی در مرکز بندرگاه بوشهر که ظرفیت آن ۲-۳ میلیون قطعه اعلام شده بود و در سالهای قبل به این ظرفیت تولید نیز نمی‌رسید در سال ۱۳۷۶ با یاری دست اندرکاران بخش تعاونی و خصوصی موفق به تولید حداقل ۱۶ میلیون قطعه پست لارو در آن مرکز شدند. از سوی دیگر در همان سال در مرکز تکثیر بندر امام(ره) که ظرفیت آن یکصد میلیون قطعه اعلام شده، بدون استفاده از فن‌آوری مناسب و کارشناسان خارجی، توسط کارشناسان داخلی تنها حدود ۷ میلیون قطعه پست لارو تولید و به مزارع تحویل گردید.

در سالهای ۱۳۷۶ - ۱۳۷۴ که بخش عمده تولید پست لارو توسط شرکت شیلات ایران انجام میشده است بهاء فروش هر قطعه پست لارو به پرورش دهنده ۲۵ ریال بوده است و طرحهای تکثیر نیز بر این اساس به توجیه اقتصادی رسیده‌اند. و انتظار بر این بود که در سال پرورشی ۱۳۷۷ که تکثیر پست لارو کلاً از بخش دولتی جدا گردید و با در نظر گرفتن تورم موجود، بهاء پست لارو به رقمی بیش از ۲۵ ریال افزایش یابد. اما با بررسیهای فنی و اقتصادی انجام شده و با کمک تمامی دست اندرکاران تولید در بخش غیردولتی مقرر



گونه‌های پرورشی را تشکیل میدهد. در نگاه اول وجود مولدهای مورد نیاز در آبهای خلیج فارس و دریای عمان توجیه منطقی و قابل قبولی برای این انتخاب به حساب می‌آید. اما در عمل عدم اطلاع کافی از عادات و رفتارها و چگونگی رشد و پرورش آنان این انتخاب را با مشکل مواجه نموده است.

بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی F.A.O. حدود ۷۵٪ کل تولید میگوی آسیا را گونه ببری سیاه (*P.monodon*) بخود اختصاص می‌دهد. که گونه‌ای است که بیش از سه دهه بر روی آن کار شده و پرورش داده شده است. و جالب آنکه بر اساس گزارشات موجود شروع پرورش میگو در ایران در سال ۱۳۷۱ در منطقه چوبنده آبادان در سطح ۱/۳ هکتار با این گونه بوده است که بعد از طی ۱۲۰ روز دوره پرورش و با اطلاعات موجود از آنروزها ۲/۳ تن میگو استحصال می‌شده است و پس از آن بود که بر اساس این نتایج اعلام عمومی برای سرمایه‌گذاری در این صنعت صورت پذیرفت. ولی با شروع فعالیت توسط بخش تعاونی و خصوصی سیاست استفاده از گونه‌های بومی بدلیلی نظیر عدم امکان تهیه مولد موندون، احتمال صدمه بر روی ذخایر میگوی خلیج فارس، احتمال انتقال بیماری، غیربومی بودن این گونه و... جایگزین تجربه به دست آمده شد. این استدلال که امکان تهیه مولد موندون در داخل وجود ندارد با بررسیهای انجام شده توسط کارشناسان خارجی و وجود منابع منتشره فراوان رد شده است. در مورد غیربومی بودن این گونه بایستی گفت که همان اندازه که موندون در آبهای بوشهر ناشناخته است گونه سفید هندی که هم اکنون پرورش می‌یابد. و اصولاً سیاست بومی کردن میگو همانند بسیاری دیگر از حیوانات پرورشی امری رایج و عملی است

آینده‌ای نه چندان دور میگو بعنوان یکی از منابع مهم تأمین پروتئین و ارز محسوب گردد. بنابراین بایستی برای رسیدن به این اهداف باید جهت گیری مناسب و روشنی را داشته باشیم اما تاکنون تمامی عوامل اصلی تولید مانند:

- تعیین گونه مناسب برای پرورش
- دانش قابل اعتماد برای پرورش
- وجود بازارهای مناسب و قابل رقابت
- وجود صنایع بالادست و پائین دست مناسب و...

در پرده ابهام قرار داشته که به بعضی از آنها در فوق اشاره شده و به مابقی این عوامل می‌پردازیم.

#### ۱-۴- تعیین گونه مناسب برای پرورش

وجود دوگونه میگو سفید هندی (*Penaeus indicus*) در آبهای هرمزگان و گونه صورتی خلیج فارس (*P.semiscultus*) در آبهای بوشهر، اساس تعیین و انتخاب

گردید که بهاء پست لارو ضمن آنکه افزایش نیابد بلکه حدود ۱۵٪ نیز کاهش قیمت یافته و هر قطعه ۳۰ ریال به پرورش دهنده عرضه شود. در نتیجه این امر از طرفی طرحهای تکثیر را با حجم سرمایه‌گذاری پیش بینی شده به زیر سؤال برده است. و از سوی دیگر با افزایش تولید پست لارو به میزان کافی در واحدهای موجود یکی از مشکلات توسعه کمی بخش پرورش نیز حل گردیده است.

با عنایت به موارد فوق بازرگاری در سیاستها و هدف گذاریها حاکم در این بخش اجتناب‌ناپذیر است به گونه‌ایکه ضمن استفاده از تمامی روشهای ممکن صرفه و صلاح تکثیر کننده و پرورش دهنده نیز تأمین شود.

#### ۴- پرورش میگو

زمینهای شورزار لم‌پزرع نوار ساحلی زمینه مساعدی برای پرورش میگو بشمار می‌رود و میتواند انتظار داشت که در

## ۵- نتیجه گیری

در بررسی‌های اقتصادی هر طرح مقایسه بین داده‌ها و ستاندها، ارزش منابع بکار رفته و بازده اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. و هر اندازه که تفاوت ارزش این دو بیشتر باشد مقبولیت و توجه اقتصادی طرح بیشتر خواهد بود. در صنعت پرورش میگو داده‌ها و منابع به کار رفته شوره زارهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان و آب شور بوده که ارزش اقتصادی چندانی ندارد و با اندک سرمایه‌گذاری معقول و بموقع و موثر می‌تواند بازده و ستاندهای به نام میگو داشته باشد که محصولی ارز آور و پرسود است. که نه تنها در بازارهای داخلی بلکه در بازارهای جهانی از تقاضای موثر و بالایی برخوردار است.

علاوه بر ارزش اقتصادی این طرح می‌توان به آثار اجتماعی آن نظیر:

- ایجاد کار موثر برای حداقل ۸ نفر بطور مستقیم و دوبرابر آن بصورت غیرمستقیم به ازاء هر مزرعه ۲۰ هکتاری.

- ایجاد توزیع بالغ بر صدها میلیون ریال در آمد در مناطق محروم.

- جلوگیری از مهاجرت‌های گروهی اهالی و خالی شدن مناطق استراتژیک از سکنه.

- رونق و پیشرفت زنجیره صنایع بالادستی و پائین دستی این صنعت نظیر تکثیر میگو، فرآوری و عمل آوری و کارخانجات خوراک میگو، حمل و نقل و صادرات و.....

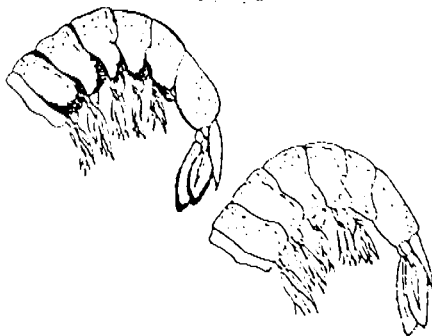
- مبارزه موثر و جدی با قاچاق و رفع این تنگنا در مناطق ساحلی با ایجاد درآمد و کار موثر. می‌توان اشاره نمود.

از اینرو است که روش‌های اجرایی و سیاست‌های کار بایستی به گونه‌ای طراحی شود که ضمن رعایت مصالح عمومی، مصالح خصوصی تولید کنندگان نیز حفظ و تامین گردد و این صنعت پرورش میگو به جایگاه ویژه و مهم خود در اقتصاد غیرنفتی دست یابد.

روش پرورش در ایران بدلیل نبود تجربه کافی نزد سیاستگذار و مجریان طرحها مبهم و ناشناخته است، رسیدن به مرز بیش از سه تن در هکتار سیستم متراکم را طلب می‌کند (آنچه که در طرحهای مصوب بانک آمده است)، اما سیاست رسمی اعلام شده در ایران روش نیمه متراکم است.

همانگونه که گذشت پرورش میگو در ایران با گونه موندن شروع شد که اکثر عادات و رفتارهای زیستی و پرورشی این گونه در دنیا شناخته شده است، اما با شروع فعالیت اقتصادی، پرورش باگونه بومی آغاز شد که تاکنون نیز با گذشت بیش از سه سال فعالیت، تکنیک قابل اعتماد برای پرورش این گونه‌ها وجود ندارد.

نبود کارشناس کارآمد در بدو امر و سیاست عدم استفاده از کارشناسان مجرب خارجی موجب آسیب فراوان به این صنعت شد که خوشبختانه با اقدامات انجام شده توسط بخش غیردولتی و ورود کارشناسان خارجی از وارد شدن خسارات بیشتر جلوگیری شد. استفاده از امکانات سازمانهایی نظیر F.A.O و یونسکو و موسسات آموزشی و دانشگاهی معتبر خارجی و برگزاری دوره‌های مناسب برای تولید کنندگان و پرورش دهندگان می‌تواند این نقیصه مهم را از بین ببرد.



که با در نظر داشتن اصول علمی بخوبی امکان‌پذیر است. و در کشور خودمان نیز سالهای اخیر شاهد موفقیت پرورش گونه سفید هندی در خوزستان و بوشهر بوده‌ایم و شرایط محیطی این استانها با منطقه جاسک که زیستگاه طبیعی گونه ایندیکوس بسیار متفاوت است. برداشت نزدیک به ۴۰۰۰ کیلوگرم در ۰/۸ هکتار در سال ۱۳۷۶ توسط یک شرکت تعاونی در بوشهر و یا سایر نتایج بدست آمده در آن استان شاهد خوبی برای این مدعا میباشد.

اما از سوی دیگر در سال ۱۳۷۶ از میگوگونه صورتی خلیج فارس (*P.semiseuctus*) که گونه بومی آبهای بوشهر است برداشت و نتیجه بسیار ضعیفی بدست آمده است، چرا که از ۱۵۸۰۰۰۰۰ قطعه پست لارو رها سازی شده در ۱۰۱ استخر با مساحت ۸۲ هکتار تنها ۲۷/۵ تن میگو استحصال شده در حالیکه از ۲۵۰۰۰۰۰۰ قطعه پست لارو رها سازی شده از گونه سفید هندی در ۱۵۸ استخر با مساحت ۱۳۰ هکتار، ۲۶۸ تن میگو بر اساس آمارهای منتشر شده استحصال شده است. از اینرو ضرورت بازنگری در این سیاست نمایان است.

## ۲-۴- دانش قابل اعتماد برای پرورش

برای شروع فعالیت بصورت اقتصادی در این صنعت، وجود چارچوب قابل اتکاء و کارآ و منطبق با اصول علمی و عملی شناخته شده ضروری بنظر میرسد. اما این چارچوب حتی تاکنون بصورت کامل ارائه نگردیده است. تمامی مزارع در ۲ استان جنوبی بدون توجه به خصوصیات ویژه آب و هوایی، خاک، امکانات محلی در یک قالب و طرح هستند که همین قالب نیز بعضاً با اصول علمی و اقتصادی همخوانی ندارد. امروزه در دنیا ۴ روش پرورش سنتی، نیمه متراکم، متراکم و فوق متراکم پرورش میگو صورت می‌گیرد که هر یک دارای مزایا و معایب خاص خود هستند. سیاست و



پرده اظهار نمودند که اتحادیه اعتباری مترو هیچگونه مسئولیتی را نسبت به محیط زیست بر خود واجب نمی‌داند.

به رغم پایین بودن ظرفیتهای اتحادیه اعتباری مترو در برخی مناطق، این اتحادیه به دلیل تعهد خود در برابر مسئولیتهای اجتماعی و توسعه انسانی، از اکثر اتحادیه‌های اعتباری دیگر متمایز است.

## عوامل خارجی مؤثر بر توسعه تعاونیها در کانادا

### جو سیاسی و اقتصادی

تعاونیها گاه همان ویژگیهای تشکیلات سرمایه داری را دارا می‌باشند، گو اینکه خود را غیر سرمایه‌داری بنامند. تعاونیها مرکز جانشین نظام سرمایه داری نشده؛ در عوض به عنوان شقّ دوم برای تجارتهای خصوصی تلقی می‌شوند.

اتحادیه‌های اعتباری اولین تشکیلات معتبر و کاربردی هستند که وامهای قابل پرداخت در اختیار اتباع کانادایی طبقه متوسط می‌گذارند.

این اتحادیه‌ها جای پای خود را در بازارهای مصرف‌کننده محکم نسمودند. دولت از طریق تغییر قانون بانکداری اتحادیه‌های اعتبار را وارد رقابت مستقیم با بانکها نمود. در دهه ۸۰، بسانکهای خصوصی رفته رفته قلمرو اتحادیه‌های اعتباری را مورد هجوم قرار دادند. همچنین تحلیل رفتن صنایع بر اتحادیه‌های اعتباری اثر سوء گذارد.

آنها ناگزیر از تطبیق خود با تغییرات بوجود آمده بودند. هنگامیکه تعاونیها دست به «تقلید» از روشهای تجارتهای خصوصی زدند تا بقای خود را در صحنه رقابت حفظ کنند، بنیانی که تعاونیها را از شرکتهای خصوصی جدا می‌ساخت بتدریج سست و متزلزل شد. جو اقتصادی در کانادا، تعاونیها و به خصوص

اتحادیه‌های اعتباری را مجبور به رقابت هرچه بیشتر می‌کند تا ساختارهای اقتصادی آنها نیرو گرفته، فعالیتهای گوناگون اقتصادی را همانند بانکهای خصوصی انجام دهند و وفاداری متقابل اعضا به تعاونی محفوظ گردد.

دولت همچنین به انحاء مختلف تسهیلاتی برای ورود اتحادیه‌های اعتباری به بازار فراهم نموده است. با افزایش نرخ بهره در کانادا، برقراری عدالت و تأمین ذخایر پولی با استفاده از یک نرخ بهره ثابت برای اتحادیه‌های اعتباری کاری بس دشوار بود بسیاری از اتحادیه‌های اعتباری به دلیل وارد آمدن زیانهای سنگین به اجبار از عرصه بازار خارج شدند. واکنش دولت انتاریو بیمه سهامی و سپرده‌های اعتباری (OSDIC) در دهه ۱۹۷۰ بود. اتحادیه‌های اعتبار با پرداخت حق بیمه به این ساختار کمکی دولت، اعطای وام به اعضا را تا میزانی خاص تضمین نمودند.

گری گیلام به عنوان یکی از رهبران برجسته اتحادیه اعتباری مترو، مشکل بی عدالتی و عدم تساوی را با تشکیل یک کمیته کاری برای تغییر و اصلاح «قانون اتحادیه‌های اعتبار» در سال ۱۹۹۱ حل نمود. طبق قانون قدیمی، اتحادیه‌های اعتبار تنها مجاز به صدور یک نوع سهام به اعضا بودند که سهام عضویت نامیده می‌شد. اما به موجب لایحه ۱۳۲، اتحادیه‌های اعتبار و صندوقهای مردمی قادر به صدور سهام سرمایه‌گذاری به افراد عضو یا غیر عضو بودند. این لایحه همچنین سپرده‌های اتحادیه اعتبار و صندوق مردمی را حداکثر تا میزان ۶۰۰۰۰ دلار تضمین می‌نمود که تحت بیمه سهام و سپرده‌های اعتباری (OSDIC) پرداخت می‌شد (این بیمه بعدها به شرکت سهامی بیمه سپرده‌های اعتباری یا (DICO) تغییر نام داد).

هدف از این لایحه «تقویت اتحادیه‌های اعتبار» به عنوان مؤسسات مالی محلی و

در عین حال کمک به آنها برای رقابت با مؤسسات مالی بزرگتر بود که در جامعه فعالیت داشتند. اتحادیه‌های اعتبار در ارتباط خود با دولت کانادا همچنان عدم وابستگی خود را چون گذشته حفظ نموده‌اند؛ دولت کانادا بر خلاف فیلیپین، محدودیتهای کمی بر اتحادیه‌های اعتبار تحمیل و در واقع به آنها کمک نموده است تا با بانکها رقابت نمایند.

## عوامل داخلی مؤثر بر توسعه تعاونیها در کانادا

عوامل مربوط به عضویت و مدیریت بزرگترین معضل داخلی تعاونیها در کانادا، کاهش مشارکت و ثبات قدم اعضا نسبت به تعاونی است. اعضا هر قدر بیشتر بسا نظام اقتصادی معاشرت می‌نمایند، به همان میزان نیاز کمتری برای مشارکت در تعاونیها احساس می‌کنند.

با رشد اتحادیه‌های اعتباری، بسیاری از تعاونیها و اتحادیه‌های اعتباری به ناچار افراد صاحب فن را برای اداره امور تعاونیها استخدام می‌نمایند.

در نتیجه‌گیری (طرح رهنمودهای آینده) اینچنین آمده است که اهداف انتفاعی در تعاونیهای کانادا در درجه اول اهمیت قرار دارند و بین تعاونیها و نهادهای سرمایه داری وجه تمایز وجود ندارد. وفاداری اعضا به تعاونیها نه بر اساس حس تعهد ملکی به تعاون، که به واسطه منافع شخصی رقم می‌خورد. به دلیل همین نقیصه به محض آنکه یک مؤسسه تجاری سرمایه داری معامله بهتری پیشنهاد میکرد اعضا به طرف آن متمایل می‌شوند. در نتیجه، اتحادیه‌های اعتباری بزرگتر دست به فروش سرمایه‌های مشترک خود زدند (مصاحبه ۳۰ مارس ۱۹۹۷).

«طرح رهنمودهای آینده» همچنین به این نکته ختم می‌شود که تعاونیها در کانادا از «شیوه کاری برخوردارند که در آن اعضا اساساً در کانون توجه قرار ندارند.